













# فهرست کتاب سایم الازهار فی الصلوة علی سید الانبیا

|  |  |
|--|--|
| باب اول در تحقیق معنی صلوٰۃ                    | باب ششم در ذکر عقوبات ترک صلوٰۃ  |
| باب دوم بقرینه آیه صلوٰۃ                       | باب هفتم تفصیل مواقع صلوٰۃ در آن مقام است  |
| آیه ان الله مکملکم فی نعمته و یثبت ذلک         | مقام اول در مواقع وجوب صلوٰۃ و آن چهار است                                       |
| باب سوم در بیان حکم صلوٰۃ                      | مقام دوم در مواقع نوبت و آن چهار است   |
| در وجوب صلوٰۃ علماء قول است                    | مقام سوم در مواقع کرات صلوٰۃ و آن هفت است  |
| باب چهارم در ذکر فضیلت صلوٰۃ                   | باب هشتم در بیان حکم صلوٰۃ بر غیر ان حضرت صلی علیه و آله و سلم دوران دوم عهد است |
| منظور اول در احادیث نبویه در احوال و نیت       | مرصد اول در حکم صلوٰۃ بر دیگر انبیاء علی نبینا و علیهم الصلوٰۃ والسلام           |
| منظور دوم در آثار و منامات                     | مرصد دوم در حکم صلوٰۃ بر غیر انبیاء علیهم الصلوٰۃ والسلام و دوران دوم و نیت است  |
| آثار مرویه است از ابی بکر صدیق رضی الله عنه    | بحث اول در جواز عقلی   |
| منامات مشتمل است از عبد بن حکم                 | بحث دوم در جواز شرعی   |
| ضابطه از شیخ ابو طالب یک                       | باب نهم در کیفیت صلوٰۃ و دوران چهار مورد است                                     |
| باب دهم در تعید ثمرات صلوٰۃ و آن صد فقره است   | مورد اول در صیغها یک در احادیث ثمره و آن ده و آن سه است                          |
| تذکره در جواز رویت و صلی الله علیه و آله و سلم | مورد دوم در بعض صیغ که اکابر سلف و خلف آنرا کرده اند و آن چهل است                |



بفضل از صنیعاً جانا مغفراً علماً زانقر با گاه در احقر مولانا مولوی

محمد غوث جبارم و مغمفور دیوان تاج در بارگاه کرامت کتابت مستطاب



# الصَّلوة على سيدنا سَامِ التَّهَامِ



در شهر دهم سال با تمام نبد ضعیف بنید الطیف

تصحیح تمام و درستی تمام بمطبع نظم العجائب حلبه انطباع پوشید

فرستگان استغفار است و انجا که جمله تذراتی دیگر است که صلوة از خدا تعالی مغفرت و از ملائکه دعا است و از  
رحمة الله منقول است که صلوة از خدا تعالی رحمت و از ملائکه رحمت است و از جلیمی رحمه الله منقول است جواز بودن  
صلوة بمعنی سلام پس عطف و سلم بر صلوة آیه کریمه از قبیل عطف مترادفین است و در کرده اند این قول را  
باینکه احادیث صحیحیه فرقی میکنند میان صلوة و سلام و نزد بعضی صلوة خداست و بر اینها علیهم الصلوة و  
بعضی ثلث تعظیم است و بر غیر ایشان رحمت است و قاضی عیاض رحمه الله از بکر کشیری نقل کرده که صلوة بر بنی شتر  
و زیادت بگیریم است بر غیر بنی رحمت و جلیمی رحمه الله در شعب الایمان آورده که معنی صلوة بر بنی تعظیم است  
و نزد بعضی صلوة از خداست و رحمت و از ملائکه استغفار و ازادیان دعا است و سید سند رحمه الله در حواشی  
شرح حکمة العین تصریح کرده که از جوش و طیور بمعنی تسبیح است نیز جلیمی رحمه الله گفته که مراد از صلوة بروی  
صلی الله علیه و سلم تقرب بسو خداست تعالی است با دای صلوة و تضاخ و وی صلی الله علیه و سلم بسم الله صاعداً  
این است اللهم عظمه فی الدنیا باعلاء ذکرة و اظهار دینیه و انشاء شریعتیه و فی الآخرة باجزال  
مستویاته و تشفیعه فی مثله و ابداء فضلیته بالمقام المحمود یعنی ای خدا تعالی بزرگ کن محمد را در دنیا  
به بلند کردن ذکر او و ظاهر کردن دین او و باقی داشتن شریعت او و بزرگ کن او را در آخرت به زیاده کردن  
ثواب او و قبول نمودن شفاعت او و درست او و ظاهر ساختن فضیلت او بطاعت مقام محمود و شیخ عزالدین بن  
عبد السلام رحمه الله گفته که صلوة ما بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم شفاعت در حق وی نیست زیرا که مثل  
ما در حق وی صلی الله علیه و سلم چه شفاعت خواهند کرد لیکن در تعالی امر کرده است بمکافات احسان و چون را  
در مکافات احسان آنحضرت صلی الله علیه و سلم عاجز یافت بحض فضل خود امر کرد بدعا تا مکافات احسان  
وی صلی الله علیه و سلم شود و جمعی گفته اند که فائده صلوة عائد بسو معصی است زیرا که صلوة دلالت میکند  
بر نفی عیبت و خلوص نیت و اظهار محبت و مداومت بر طاعت و احترام وی صلی الله علیه و سلم که  
از اعظم شعب ایمان است **باب دوم در تفسیر آیه صلوة بدانکه اصل در شریعت صلوة آیه کریمه**  
**اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَیْكَ اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِیْمًا** است بدستی  
خدا تعالی و فرستگان او در و میفرسند بر پیغمبر خدا ای ای کسانی که ایمان آورید و در و گوئید بروی و سلام  
گوئید سلام گفتنی حسین کاشفی در تحفه الصلوة از ذخیره المذکرین نقل کرده که چون ملائکه بعد از نفع روح غالب  
ادم علیه السلام مامور بسجود وی شدند نضو ایشان آن بود که چون حضرت خاتم صلی الله علیه و سلم ظهور فرمود  
همان امر بسجود وجود خود را بکردار آن که عرصه عالم بلعات و جودش منور شد آن فرمان شرف صدور  
نیافت حق سبحانه و تعالی تو هم تفضیل آدم بر رسید عالم صلی الله علیه و سلم خود بروی در و فرستاد و ملائکه

و مومنان را بدان امر فرمود تا اقتدا بوی تعالی کنند و از فضل آن حضرت صلی الله علیه و سلم اشارت یابند و در تفسیر آورده که چون این آیه شریفه نازل شد امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه عرض کرد که یا رسول الله هیچ چیز که خداستغاث را بآن مخصوص و شرف گردانیده مگر که ما را شریک آن کرده پس نازل شد آیه کریمه هُوَ الَّذِي نُفِي عَنكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ پوشیده ماند که آیه ان الله و ملائکته انجمن شمل است بر چند قایق اول آنکه بر صدر شد به لفظ آن که برای تحقیق مضمون جمله تاکید آن است و دوم تعبیر یافت به جمله اسمیکه مفید دوام و استمرار است تا آنکه بدو دوام و استمرار صلوة و تعلق و ملائکه بروی صلی الله علیه و سلم و باین مرتبه علیه و درجه سینه هیچ کس از انبیا علیهم السلام فایز نگردید سیوم اضافت لفظ ملائکه که صیغه جمع است و اضافت جمع مفید استعزاز میگرد و دو اضافت ملائکه بسبب ضمیر راجع به الله تعالی لالت دارد بر اتمام شان چهارم خبر را جمله تعلیم و در تلاک کند بر تجد و صلوة و ملائکه و قفا و تدا و این شریف اتم است از تفسیر آدم علیه السلام سجود ملائکه بنا بر مشیت او تعالی با ملائکه و صلوة و استمرار صلوة بخلاف سجود که یکبار شد و منقطع گردید و نیز در امر سجود و تدا و ملائکه و تکلیف آنها بود بخلاف صلوة که بر اخص تعظیم و توقیر است و نیز امر ملائکه بسجود بر انور محمدی بود که در حسین آدم علیه السلام بعد از خشید قاله الامام الرازی نجم تغییر کرد و صلی الله علیه و سلم را بحفظ بنی و توضیح نمود بنام وی زیرا که کنایات الملو از تعظیم است و در ان اشارت است بجلو مرتبت و فحامت منزلت و صلی الله علیه و سلم بخلاف دیگر انبیا علیهم السلام که آنها را غالباً با اسماء آنها تعبیر کرده است و لام تعریف مفید عهد است و در ان اشارت است باینکه و صلی الله علیه و سلم معروف و حقیق باین وصف است ششم خطاب کرد به یا ایها الذین امنوا یا ایها الناس که شامل است مومنین و کفار را زیرا که صلوة بروی صلی الله علیه و سلم از اجل و سائل و نفع و رافع است و کفار را وسیله نیست پس نیاید و لفظیکه شامل باشد آنها را و در امر مومنین بعد از ابراهیم علیه السلام ملائکته است بزرگوار ایشان با و صف عصمت آنها از معاصی هرگاه تقرب جویند بسور و تعالی بصلوة بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم پس او میان حق و اولی اند بدان هم لفظ صلوة و سلم و لالت دارد بر وجوب صلوة و سلام چنانچه حافظ ابو عمر بن عبد البر رحمه الله نقل کرده است - آن اجماع علماء و هیئت امور موضوع است بر وجوب حقیقه نزد محققان اهل اصول مگر دلیلی صرف کند از ان پس در آنوقت مفید و وجوب ششم موکد گردانند جمله سلم را بمصد و صلوة را تاکید بمصد و نکرد زیرا که صلوة موکد است بحرف تحقیق و با علام صلوة خداست و ملائکه و باضافت ملائکه و سلام از این تاکیدات خالی بود پس موکد گردانیده به مصدر و تخصیص سخا و سلام به مومنان از ان است که سلام چنانچه بمعنی تحیت است بمعنی انقیاد هم آمده و این معنی اخیر صحیح است در حق مانده در حق خدا و تعالی و ملائکه پس ترک آن برای دفع این ایهام است یا صلوة متضمن سلام بمعنی تحیت را پس



القیاد

صلوات و ملائکه مستلزم سلام است و صلوة مانیز اگر چه مستلزم سلام بمعنی تحیت است لیکن مستلزم آن بمعنی  
 غنیت و از انقیاد مقصود و از اینجا است تغییر بعضی علما سلمو را به القاد و او تحقیق معنی صلوة در باب سابق  
 گذشت اما سلام پس در معنی آن چهار وجه است یکی سلامت از نقائص و آفات و در صورت سلام مصدر است و معنی  
 سلام نام خداست یوم بمعنی القیاد چهارم بمعنی تحیت پس معنی السلام علی محمد و آله و سلم  
 من النقائص است و بوجه دوم حفظ السلام ای الله علیه و آله حفظ و بوجه سوم اللهم صبر  
 العباد متقادی که و بوجه چهارم التحية علیه و آله وجه اخیر منقول است از ابن دینار رحمه الله  
 و شیخ محمد بن فایسی رحمه الله در مطالع المستر شرح دلائل الخیرات گفته که بر تقدیر جواز استعمال لفظ مشترک  
 جمیع مفهومات دفعه واحدة چنانچه مختار مالکیه وشافییه است صحیح باشد که سلام کننده بگوید صلی الله علیه  
 و سلم این همه وجوه سخا را اراده کند و فو در اعراب لفظ ملائکه خلاف است عامه قران لب میدهند بنا  
 عطف او بر لفظ الله و یصلون خبر است از هر دو یا خبر است از لفظ ملائکه و خبر لفظ الله محذوف است  
 بدلات آن بعضی ترجیح داده اند ثانی را بتغایر صلوات و بعضی اول را و توجیه باینکه صلوة موضوع است  
 برای قدر مشترک یعنی عطف که نسبت بخداست تعالی رحمت و نسبت بملائکه استغفار و نسبت به آدمیا  
 دعا است و نزد بعضی قرآن مرفوع است و برین وجه دو احتمال دارد یکی آنکه معطوف است بر محل اسم آن و  
 و یصلون خبر است از هر دو و دوم آنکه ملائکه مبتدا است و یصلون خبر آن است و این جمله معطوف است  
 بر جمله سابقه و خبر لفظ الله محذوف است تا لازم نیاید توارد دو عامل بر محمول واحد و در کلام عرب یا  
 نشده که فعل واحد مختلف شود معنی او باختلاف سند الیه در وقتیکه اسناد حقیقی باشد و از توجیه مذکور جوا  
 این ظاهر است فتظن اگر کسی گوید که بر تقدیر گردانیدن لفظ یصلون خبر از هر دو لازم آید ترکیب  
 خدا تعالی و ملائکه در یک ضمیر و آن موقوف منوع است بدلیل شریف نبوی صلی الله علیه و آله که  
 شخصی در حضور وی صلی الله علیه و آله خواند من یطیع الله و رسوله فقد و من یعصی  
 فقد غوی پس فرمود انحضرت صلی الله علیه و آله یطیع الخطیب انت فل و من یعصی  
 الله و رسوله یعنی بد خطیب هستی تو که شریک گردانیدی خدا و رسول را در یک ضمیر بگو  
 من یعصی الله و رسوله جواب داده اند که شریک در آیه کریمه صادر است از خدا تعالی  
 بر اثر شریف ملائکه و از آن متوهم نمیشود نقص زیرا که شارع مختار است و از اینجا است قول انحضرت صلی الله  
 علیه و آله فیودک لایؤمن احدکم حتی یکون الله و رسوله احب الیه مما سواهما  
 تشریک فرمود در ضمیر سواهما خدا تعالی و نفس خود را و اما منع خطیب از آنجست است که منصب او قابل

است و موهم نقص یا اینکه جمع کرد خدا و رسول یا در یک ضمیر برعم تساوی هر دو و نزول این آیه کریمه و امر بصلوة در  
 سال دوم است از هجرت پس آیت مذمت کذا قال بود ترا اهل روی جماع الله و به قول بعضی علما بصلوة  
 و ترشب معراج است و تناسب این آیت با مقبول و این است که در آیات سابقه امرت صحابه را خصوصاً  
 و همه است را عموماً بتعظیم حرمت او صلی الله علیه و سلم و التزام ادب با او در ظاهر و باطن و انقیاد و مراد او  
 از فعلیکه نخل تعظیم و احترام است پس اگر مثلاً قائل گوید که سبب این تشریف عظیم لافیه حدیث است پس گفته شود  
 که سبب آن این است که خدا تعالی او را مخصوص گردانیده است بصلوة خود و امر کرده است مومنان را بدان  
 پس این آیت کویا سبب است بر آیات سابقه زیرا که از این امر معلوم شد رفعت مرتبه آنحضرت صلی  
 علیه و سلم و آن متمم انقیاد و اطاعت است و در اولر سابقه و تناسب آن با ما بعد نیز همین است زیرا که در آن  
 از ایذا روی صلی الله علیه و سلم **باب سیوم در بیان حکم صلوٰة** اولاً خلاف است در اینکه امر و نه  
 کبریه محمول است بر وجوب یا استحباب ابن جریر طبری رحمه الله قائل استحباب شده و ادعا جماع هم بر آن نموده و این  
 قول مردود است زیرا که ابن عبد البر رحمه الله گفته که اجماع دارند علما بر اینکه صلوٰة فرض است بر هر مومنی  
 آیت و قرطبی رحمه الله گفته که نیست خلاف در وجوب آن در عمر کبار پس قول ابن جریر محمول است بر زائد آن  
 و بعد تحقیق وجوب علما را ده قول است اول اینکه واجب است فی الجملة بدون حصر و اقل درجه که بدان حاصل میشود کفایت  
 در عمر کبار است و قائل آن قاضی ابوالحسن بن قسار مالکی است رحمه الله و ادعا جماع بر آن نموده و بعضی او را رحمه  
 نیز در تفسیر خود مایل بدان است و قول قرطبی نیز مویداوست و لیکن قول ابن عبد البر دلالت بر آن ندارد و دوم  
 است در عمر کبار بر تعیین محل چون کلمه توحید زیرا که امر مطلق مقتضی مکرر نیست ماهیت حاصل میشود به تکرار  
 و احده بر آن است امام ابو حنیفه و امام مالک و جمهور علما در همه اینها واجب است در مطلق صلوٰة بدون تعیین  
 محل منقول است این قول از امام محمد باقر رضی الله عنه چهارم واجب است در صلوٰة در تشهد مطلقاً و آن قول  
 شعبی و ابن راهویه است پنجم واجب است در قعود و آخر میان تشهد و سلام تخلل و آن است قول امام شافعی و  
 اتباع او و ششم واجب است در دعا افتتاح صلوٰة و بر آن است بعضی جنابله یستم واجب است اکثران  
 بدون تعیین عدد و محل و این قول ابوبکر بن بکر مالکی از همه اینها ششم واجب است نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم  
 در هر مجلس یکبار اگر چه ذکر و مکرر شود حکایت کرده است این قول را از نحشی و بعضی از شرح هدایه از حنفیه  
 گفته که بر قول صحیح یکبار کافی است حکما قال الشيخ ابن حجر المالکی رحمه الله نعم واجب است در هر دعا  
 این قول را نیز از نحشی نقل کرده است و هفتم واجب است هرگاه ذکر و صلی الله علیه و سلم شود و بر این است طحاوی

و جمعی از حنفیه طحاوی گفته که هرگاه کسی بشنود ذکر وی صلی الله علیه و سلم از غیر یا خود ذکر وی کند واجب است صلوة  
و جمعی از شافعیه مثل حلیمی و استاذ ابواسحق اسفرائینی و شیخ ابوحامد اسفرائینی و جمعی از مالکیه مثل طبرسی و ابن  
عربی و فاکهانی و لحنی و از حنابلہ ابن بطره بران اند و بمقتضای نیز در تفسیر خود حکایت کرده و در خبری در کشف  
ایر قیاس حوطت و در تحفة الغرب نیز از تبرجج داده و پنج ابن حجر مکی رحمه الله نیز مایل بتبرجج است و برین اقوال  
پنجند وجه اعتراض کرده اند اول اینکه بنای این بر قول ضعیف است که امر مطلق مفید تکرار است و جواب داده اند  
که بنای آن بران قول ضعیف نیست بلکه بر اوله دیگر است از احادیثیکه مشتمل اند بر دو عبارت عم انف و انما و شفا  
و وصف به بخل و جفا و غیر آن که مقتضی وعید است بر ترک صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم و وعید  
از علامات وجوب فعل است این عجا و از اند عن ذنوبه میگوید که قول باینکه امر مطلق مفید تکرار است قول ضعیف  
بلکه استاذ ابواسحاق اسفرائینی از عدا کان اهل اجتهاد است و ابوحاتم قزوینی و جماعة از فقها و متکلمین بران گفته اند  
بر سبب کمسانی که قایل اند باینکه صغیر امر بر اطلب فعل است مطلقا نیز گفته اند که اگر قرینه بر دوم و تکرار باشد تحمل  
تکرار است کما حقق فی الاصول و در آیه کریمه قرینه بر تکرار قایم است زیرا که لفظ یصلون دلالت دارد بر تکرار  
صلوة خدا تعالی و ملائکه و در تقدیم اخبار بصلوة خدا تعالی و ملائکه بر امر مومنین بدان اشارت است با قدا  
با و تعال و ملائکه و تجد و تکرار فعل مقتدا قرینه قوی است بر تکرار و تکرار فعل مقتدا و الله اعلم و بجم این قول مخالف  
اجماعی است که پیش از وجود قائل آن منعقد شده است زیرا که معروف نشد این قول نه از هیچ صحابی و نه از هیچ تابع  
جواب قایلان این قول نیز از آنکه نقل اند پس جایز نخواهند داشت خرق اجماع بر سبب تمام منشور و برالشیان  
بهین قدر که از صحابی و تابعی معروف نشد بلکه ضرورت حفظ اجماع صریح بعد از وجوب بجم در صورت صحت  
این قول لازم عدم تفرغ سماع بر عبادتی دیگر جواب ممکن است تفرغ برای عبادات دیگر زیرا که تمام روز و کسی  
مشغول بیکر و ذکر وی صلی الله علیه و سلم نمیشد که او را فراغت بر عبادات دیگر پیشتر شود چهارم لازم آید بر آن قول  
بوجوب آن در حق مؤذن و سماع و قاری که بگذرد بیکر و ذکر وی صلی الله علیه و سلم و متلفظ بکلماتین شهادتین و دران  
حرج است و درین شریعت سحر حرج نیست جواب قایلان آن التزام وجوب در مواطن مذکوره میکنند و دران  
زیادت حرج نیست بلکه اهل سعادت را دران لذت است بچشم لازم آید تشار و ی تعالی نزد ذکر و تعالی نیز واجب  
بر بار و کسی بدان قائل نیست جواب این سخن مسلم است چنانچه جمعی تصریح بوجوب تکریر نشانند ذکر و تعالی کرده اند  
و جمعی گفته که تکریر نشانند ذکر الهی واجب نیست بخلاف صلوة که واجب است تکریر بر آن نزد تکریر ذکر وی  
صلی الله علیه و سلم زیرا که حقوق الهی بر مساحت و توسیع است و حقوق عباد سببی بر مساحت و تفصیق است  
حتی الامکان ششم از هیچ صحابی منقول نیست که گفته باشد یا رسول الله صلی الله علیه و سلم جواب در طرق متعدد

دارد است صحابه رضی الله عنهم چون سکفید یا رسول الله صلی الله علیه و آله میگردید با آن صلی الله علیه و آله میفرمود احادیثیکه از آن وعید  
 بر ترک صلوٰه است صادر است بطریق بالغه و نیز تاکید جواب حمل احادیث بر بالغه محتاج سند است  
 و سندش مفقود و نیز فائلان و خوب خلاف دارند درین که فرض عین است یا فرض کفایه اکثری بر اول اند و بعضی بر ثانیه  
 و سلام اگر معنی انقیاد بگیرند نیز حکم آن خلاف است حلیمی رحمه الله تهرت کج کرده است و خوب آن نزد ذکر وی  
 صلی الله علیه و آله و ابن فارس لغوی نیز تنوی کرده است بیان سلام صلوٰه در فضیلت بنا بر دو ادب هر دو در است  
 و شیخ ابن حجر رحمه الله در کتاب منصفه گفته که سلام مثل صلوٰه است و خوب در عهد صلوٰه و امام نووی رحمه الله  
 در اندک خود بکر است افرا صلوٰه از سلام عکس آن تهرت کج کرده اگر کسی گوید که تعلیم آن حضرت صلی الله علیه و آله سلام  
 مرصحه را قبل از تعلیم صلوٰه بود چنانچه احادیث هر یک صحیح بران دلالت دارند و این مقتضی جواز افرا سلام از صلوٰه است جواب  
 گفته اند که جائز است که تعلیم قبل از نزول آن صلوٰه باشد زیرا که نزول آن صلوٰه در سال دوم از هجرت است و خوب سلام در  
 شعبان نزول فرشتگان است بر قول بعضی که از صلوٰه نیز در شعبان است تعلیم صلوٰه بعد از نزول آن است از بعد از  
 پس احتیاج باین جواب نیست لکن این قول ضعیف است و در شرح الباری قول الامت را توجیه کرده است باینکه مکرر است  
 صلوٰه و ترک سلام مطلقا پس اگر صلوٰه گوید دو وقتی و سلام گوید در دو دیگر مکرر نیست این عاصی غلی  
 عنه میگوید که بنای این محاکمه بر آنست که او غطف را در و سلمو ابراسمطلق جمع دارند خواه بمعیت باشد یا بتقدم  
 و اگر برای معیت یکدیگر چنانچه در قاموس ترحش داده و ابو یوسف و محمد رحمه الله صبا جان ابی حنیفه رضی  
 الله عنه نیز از آن اختیار کرده اند تفصی از اشکال شکل است اگر سلام بمعنی انقیاد گوید فلا کرا و لا اشکال  
**باب چهارم در ذکر فضیلت صلوٰه و این باب ششم است بر دو منظر منظور اول**  
 در احادیث نبویه که دلالت بر فضیلت صلوٰه دارند چون تلخیص الفاطمی صلی الله علیه و آله و سلم الذ و الطیب و البرک و النفع است  
 عبارات احادیث را اینها ایراد کرده بعد از آن ترجمه آن تحریر نموده آید در تحفه الغریب آورده که احادیث در بار  
 صلوٰه بر سید کائنات سجد نوانتر رسیده اند و روایت کرده شده اند از ابی بکر صدیق و عمر بن الخطاب و علی  
 بن ابی طالب و فاطمه زهرا و سبطین شهیدین و طلحه بن عبد الله و عبد الرحمن بن عوف و ابی سعید  
 انصاری بدری و کعب بن عجره و ابی سعید خدری و ابی حمید سعد و زید بن حارثه که او را ابن خادجه میگویند  
 و ابی هریره و سهل بن سعد و بریده بن الحصیب عبد الله بن سعد و فضاله بن عبید و انس بن مالک  
 و ابی طلحه انصاری و عامر بن ربیع و ابی بن کعب و انس و برابن عازب و ربیع بن ثابت انصاری و  
 جابر بن عبد الله و ابی رافع مولا علی آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و ابی امامه باهلی و عمار بن یاسر  
 و ابی بردیه بن نیار و عبد الله بن اوفی و عبد الرحمن بن بشیر بن سعد و جابر بن سمره و ابی امامه



بن هبشل بن حنیف و مالک بن جویرث و عبد الله بن جریر و زید بن ابی و ابی زر غفاری و عبد الله بن عباس و ثماله بن  
و عبد بن عمرو بن عاص و سعد بن عمیر انصاری از پدر خود عمر که هر دو بدری اند و حر از بن متقد فی الله عنهم این عامی  
کان الله یسکونید که مراد از تو امر مذکور تو امر معنوی است زیرا که حدیث متواتر متواتر لفظی بقولی غیر موجود است و قول  
ابن صلاح یک حدیث و بقول ابن جوزی شش حدیث است و حدیث صلوٰۃ در آن مذکور نیست و الله اعلم و روایت  
کرده است سلم از طریق عبد الله بن عمرو بن عاص فی الله عنه که او از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنید من صلی  
عَلَى صَلَوةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا هر که در دو فرستد بر من یک در دو صلوٰۃ فرستد حدیثی که  
در بار روایت کرده است نسائی از طریق الشریفی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و آله و سلم من صلی علی  
صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرَ صَلَواتٍ وَحَطَّتْ عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ وَرَفَعَتْ لَهُ  
عَشْرَ رَجَائٍ هر که در دو فرستد بر من یک در دو در دو فرستد خدا تعالی بر آن کس ده در دو و برشته شود از  
و بلند کرده شود برای او ده جزو روایت کرده اند از وی و احمد و ابن حبان و حاکم و نسائی از طریق ابی طحری فی الله که روزی بیرون  
آمد اخبرت صلی الله علیه و سلم در حالیکه سرور در چهره مبارکش محسوس میشد صحابه گفتند یا رسول الله می بینم سرور  
چیز تو نمود آنانی المَلَأَ فَقَالَ لَا يَحْمِلُ إِلَّا بِرُضِيَّتِكَ أَنْ تَرَى أَنَّ رَجُلًا يَجْعَلُ قَوْلًا لَا يَصِلُ إِلَيْكَ أَحَدٌ  
مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَلَا يَكُنْ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا سَلَّمْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا و فرمود  
گفت ای محمد یا راضی نمیکند ترا اینکه بدستی برورد کار تو غرض جل سبک و بدستی بر او نهی است که در دو و فرستد  
بر تو بیست کس از امت تو که در دو فرستد بر آن کس ده بار سلام گوید تو بیست کس از امت تو که سلام گویم بر آن کس ده بار سلام گوید  
و بنابر حدیث عبد الله بن مسعود رضی الله عنهما که گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم أَوَّلُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْتَرَاءُ  
عَلَى صَلَوةٍ تَزِدُكُمْ مِنْ مَرْدَمٍ مَرْدَمٍ فِي رُزْقِيَاةٍ زِيَادَةٍ تَرَيْنَ أَنَهَا أَسْتَأْذِنُكَ مِنْ صَلَوةٍ بِرَمَنْ رَوَّاهُ  
کرده اند ابو داود و نسائی و ابن ماجه از طریق اوس بن اوس رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و سلم  
أَنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ التَّرَوُّعُ عَلَى مِنَ الصَّلَاةِ فَإِنَّ صَلَواتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَى قُلُوبِ الْأَيَّامِ  
مَسْئُولٌ لِلَّهِ وَكَيْفَ تَعْرِضُ صَلَواتَكُمْ عَلَيْكَ وَقَدْ أَمَرْتُ بِعَفْوِ بَلِيَّةٍ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ  
حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ جَسَدًا إِلَّا بَنِيَّاءَ بَدَسْتِي أَوْ فَاضِلَتِي مِنْ رَوْحِي شَهَابٍ رَوْحِي جَمْعُ نَبَاهٍ  
لوئید بر من از صلوٰۃ در آن پس بدستی که صلوٰۃ عرض کرده شد فی است بر من گفتند اصحابه یا رسول الله  
چگونه عرض کرده شود صلوٰۃ ما بر تو در حالیکه تحقیق بوسیده شوی فرمود که بدستی خدای عز و جل حرام  
کرده است بر زمین خوردن بدستی پیغمبر این روایت کرده است ابو داود و حسن خود از طریق  
ابی هریره رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و سلم لَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عَبْدًا وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ

صَلُّوا لَهُ تَبْلَغُ حَيْثُ كُنْتُمْ مَكَرَانِيَةً قَبْلَ عِيْنِي شَلَّ عِيدُكُمْ بَعْدَ شَتْنِ تَامِ سَالِي أَيْدِ بَلَكُ زِيَارَتِ أَنْ أَكْثَرَ  
كُنَيْدُ وَرَدِ دُفْرِ سِيدِ بَرِ مَنِ پَسِ بَدِ رَسِيكُهُ دُرُودِ شَامِ سِرِّ مَرَّ جَاكُمُ بَاشِدِ شَمَارِ وَايْتِ كُروِهَ سِتِّ اِبُودِ اَوْدِ اَزْ طَرِيقِ  
اَبِي هِريره رَضِيَ اَللّهُ عَنْهُ كَهْ كَفْتِ اَنْ حَضَرَتْ صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ وَاَلَيْهِ سَلَامٌ اَحَدٌ يَسْلُمُ عَلَيَّ اَللّهُ عَلَيَّ  
رُوحِي حَتَّى اَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَيْسَتْ مِجْ كِي كِه سَلَامُ كُوِيْدِ بَرِ مَنِ مَكْرَهْ بَا زَارُ دُخْدِ اَيْتَعَالَى بَرِ مَنِ رُوحِ  
مَرَايْنِي نَفَقِ اِنَا كِه رُوكْنَمُ بَرِ اَنْكُسِ جَوَابِ سَلَامِ رُ وَايْتِ كُروِهَ سِتِّ تَرَمَدِي اَزْ طَرِيقِ اَبِي هِريره رَضِيَ اَللّهُ عَنْهُ كِه  
كَفْتِ دِي صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ وَاَلَيْهِ سَلَامٌ اَنْفَ رَجُلٌ ذُكِرْتُ عَنْهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ خَوَارَكِرِدِ وَجَاكُ سِيدِي  
كِي كِه كُروِهَ سِتِّ مَنِ زِدِ اَوِيسِ دُرُودِ دُفْرِ سِتَادِ بَرِ مَنِ رُ وَايْتِ كُروِهَ سِتِّ تَرَمَدِي اَزْ طَرِيقِ اَبِي هِريره مَنِيْنِ عَلِي بنِ  
اَبِي طَالِبِ رَضِيَ اَللّهُ عَنْهُ كَهْ كَفْتِ دِي صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ وَاَلَيْهِ سَلَامٌ اَلْخَيْلُ مَنِ ذُكِرْتُ عَنْهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ خَيْلِ كِي  
كِه كُروِهَ شُومُ زِدِ اَوِيسِ دُرُودِ دُفْرِ سِتَادِ بَرِ مَنِ رُ وَايْتِ كُروِهَ سِتِّ اِبْنِ صَخْرِ اَزْ طَرِيقِ عَامِرِ بنِ رَيْعِه رَضِيَ اَللّهُ عَنْهُ  
فَرَمُودِ اَخْضَرَتْ صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ وَاَلَيْهِ سَلَامٌ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَوةً صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَا صَلَّى عَلَيَّ فَلْيَقِلَّ  
عَبْدُ مَنِ ذَلِكَ اَوْ لِيَكُنْ كَسِي كِه دُرُودِ دُفْرِ سِتَادِ بَرِ مَنِ صَلَوةً فَرَسْتَادِي دُرُودِ دُفْرِ سِتَادِ بَرِ مَنِ شَتْنِ جَنْدِ  
دُرُودِ كُوِيْدِ اَنْكُسِ بَرِ مَنِ پَسِ اَيْدِ كِه كِه كُروِهَ سِتِّ اَزْ صَلَوةً يَا زَايِدَه كُروِهَ رُ وَايْتِ كُروِهَ سِتِّ اَنْكُسِ اَزْ طَرِيقِ عَبْدِ اَللّهِ  
بَنِ عَاصِ رَضِيَ اَللّهُ عَنْهُ اَكَهْ كَفْتِ دِي صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ وَاَلَيْهِ سَلَامٌ اِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ  
صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ مَنَ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرَ اَتَمَّ سَلَوَاتِي اَلْوَسِيْلَةَ فَانْهَامِزْ لِي فِي  
الْجَنَّةِ لَا يَبْعَثُ اِلَّا الْعَبْدَ مِنْ عِبَادِ اَللّهِ وَارْجُوْا اَلْوَنَ اَنَا هُوَ مَنِ سَأَلَ لِي اَلْوَسِيْلَةَ ثُمَّ  
لَهُ الشَّفَاعَةُ وَهُنَّ شُومُ اِذَا مَنِ مَوْزَنِ رَاپَسِ مَكُوِيْدِ مَانْدَا نِجِهْ مَوْزَنِ مِيكُوِيْدِ پَتِرِ دُرُودِ كُوِيْدِ بَرِ مَنِ پَسِ  
بَدِ رَسْتِي هَرَكِه دُرُودِ كُوِيْدِ بَرِ مَنِ كِيَا رِ دُرُودِ كُوِيْدِ خُدَايْتَعَالَى بَرِ دِي دُرُودِ قَابِلَهْ دُرُودِ اَوْدِهْ بَارِ پَتِرِ نَخْوِهْ اَيْدِ بَرِ اِي  
مَنِ وِيْلِ پَسِ بَدِ رَسِيكُهُ اَنْ مَنِ لَتِي سِتِّ دُرُودِ هَسْتِ كِه مَنِي زِدِ مَكْرَهْ اِي بَنْدِهْ اَزْ بَنْدِ كَانِ خُدَايْتَعَالَى وَا مِيْدِ دَارَمُ كِه شَامِ  
سَنِ اَنْ بَنْدِهْ پَسِ كِي كِه نَخْوِهْ اَيْدِ بَرِ اِي سَنِ وِيْلَهْ لَازِمُ شُودِ بَرِ اِي اَنْكُسِ شَفَاعَتِ مَنِ رُ وَايْتِ كُروِهَ سِتِّ  
اَزْ طَرِيقِ فَضَالِهْ بَنِ عَسِيْدِ رَضِيَ اَللّهُ عَنْهُ كِه رُوزِي اَخْضَرَتْ صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ وَاَلَيْهِ سَلَامٌ اَلْوَسِيْلَةَ بَرِ مَنِ پَسِ يَا بَدِ مَرْدِ پَسِ  
كُندَارِ وُكَفْتِ اَللّهُمَّ اَغْفِرْ لِي وَارْحَمْ نِي پَسِ فَرَمُودِ صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ وَاَلَيْهِ سَلَامٌ عَجَلَتْ اِيْهَا الْمَصْلَى اِذَا صَلَّيْتَ  
فَقَعَدْتَ فَاحْمَدِ اَللّهُ بِمَا هُوَ اَهْلُهُ وَحَمِّلْ عَلَيَّ ثُمَّ اَدْعُ اَعْنِي اِي مَصْلَى چُونِ نَمَازِ كُندَارِ اِي  
بَنْدِ پَسِ سَتَايَسِ كُنْ خُدَا اِبْرَاجِيْرِكِه اَوَلَايِقِ اَنْ هَسْتِ دُرُودِ بَكُوِيْدِ بَرِ مَنِ پَتِرِ دَعَا كُنْ سِپَسِ مَرْدِ دِي كِه نَمَازِ كُندَارِ وُ  
كُروِهَ خُدَايْتَعَالَى رَا دُرُودِ دُفْرِ سِتَادِ بَرِ مَنِ صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ وَاَلَيْهِ سَلَامٌ اَنْ حَضَرَتْ صَلَّى اَللّهُ عَلَيْهِ وَاَلَيْهِ سَلَامٌ اَنْ حَضَرَتْ  
الْمَصْلَى اَدْعُ عَجَبْ اِي مَصْلَى دَعَا كُنْ مَجَابَشُوعِي رُ وَايْتِ كُروِهَ سِتِّ اِبْنِ حَدِيْثِ رَا طَرِيقِ اَبِي هِريره اَبِي هِريره

ورجال ان نقات اند که رشد بن سعد لیکن حدیث او در رقاین مقبول است روایت کرده است ترمذی  
 از طریق ابی بن کعب رضی الله عنه که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم بیکد شستن و وثلت شب میخواست بیکد  
 یا ایها الناس اذکروا الله اذکروا الله جاءت الرافضة تلثمها الرافضة فجاء الموت بما فيه جاء  
 الموت بما فيه قال لی فقلت یا رسول الله انی اکثر الصلوة علیک فکم اجعل لک من صلواتی  
 قال ما شئت قلت الربع قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک قلت فالثلثین قال ما شئت  
 وان زدت فهو خیر لک قلت اجعل لک صلواتی كلها قال اذا تكفی همک ونفسک فذلك  
 ای او میلن یا کینید خدایتعالی یا کینید خدایتعالی یا مدعی قریب در اجنوبی نخستین و در پرتی آن آید رافعه یعنی نفخه و زمین  
 یعنی قیامت قریب شد یا مدعوت با آنچه در آن است از سکر و معامله با خدا تعالی بیاید موت با آنچه در آن است  
 مگر بر سر آن کید است گفت ابی بن کعب پس کفتم یا رسول الله بدرتیکه من زیاده میگویم و در دو بر تو پس چه قدر کرد انم  
 و مدیه کنم مر ترا از درود من آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر چه بخواهی کفتم چهارم حصه مدیه بکنم فرمود هر چه بخواهی  
 و اگر زیاده کنی پس آن بهتر است مر ترا کفتم پس وثلت مدیه بکنم فرمود هر چه بخواهی و اگر زیاده کنی پس آن بهتر  
 است مر ترا کفتم سیکرد انم و مدیه میکنم برای تو همه درود من فرمود انگاه پس کرده شود و اندوه تو و امر زیاده شود  
 گناه تو و در تحفه الغیب بعد قول و قلت الربع قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک این عبارت  
 زیاده کرده است قال الثلث قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک قال النصف قال ما شئت  
 وان زدت فهو خیر لک قال الثلثین انم خود در کتاب در مضمو این عبارت نیست و در روایتی بجای  
 وثلت شب ربع شب است چون ربع شب بیکد شد آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم بر میخواست حکم در سکر  
 گفته که اسناد این حدیث صحیح است **واقیه** گفته اند که مراد از صلوة درین حدیث حقیقت آن است و نه  
 مقدر است یعنی جعلت ثواب صلواتی كلها و مقصود از ان یا نفس ثواب است یا شل آن و در آن دلیل واضح است  
 بر نیک درود گویند بعد فراموشی از ان بگوید مدیه کردم ثواب ان بسو روح بیرون مید عالم صلی الله علیه و آله وسلم کذا قال  
 الشيخ بن حجر المکی رحمه الله و بعضی گفته اند که مراد از صلوة ایجا و حاست چنانچه در روایتی مرسل یا مفضل الله انانی  
 ات من ربی فقال ما من عبد یصلی علیک صلوة الاصلی الله علیه و آله فقال یا رسول الله  
 اجعل لک نصف دعا لی فقال ما شئت قال الثلثین قال ما شئت قال اجعل دعا لی کله لک قال  
 انما یفیک الله هم الدنبا و هم الاخرة امد مرایده از برود کار من پس گفت که نیست هیچ بنده که درود فرستد بر تو  
 یکبار مگر درود فرستد خدایتعالی بران بنده ده بار پس گفت ابی بن کعب یا رسول الله بگردانم بر تو نصف دعا  
 من پس فرمود هر چه بخواهی کفتم بگردانم و وثلت فرمود هر چه بخواهی کفتم بگردانم دعا من همه بر تو فرمود و انما

[illegible]



مرد عای شمارا و رضا مندست بر پرو و کار شمارا و پایاست بریدنها شمار یعنی از کثرت آن روایت کرده است بن شب  
زهری حمید الله سید است ما را از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود **الْتَرَوْنَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ فِي هَذِهِ النَّيْلَةِ وَاللَّهِ**  
**وَالْبُوعُ لَا زَهْرًا مَّا يُؤَدِّيَانِ عَنْكُمْ** زیاده کنید از صلوة بر من درین شب روشن و روز روشن یعنی روز جمعه و شب آن پس  
بدستی که آن برود او کند از شما یعنی حق روایت کرده است این عدد را کامل و غیره گفت وی صلی الله علیه و آله وسلم  
**صَلُّوا عَلَيَّ صَلَاتِي لِلَّهِ عَلَيْكُمْ** درود کوید بر من درود خواهد گفت خدا جعلا شما و نیز فرمود **صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ**  
**لَكَفَّارَةٌ لَكُمْ وَزَكَاةٌ مَن صَلَّيَ عَلَيَّ صَلَاةٌ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيَّ عَشْرًا** درود کوید بر من پس بدستیک صلوة بر من  
بر این کفارت و نوبت شمارا و زکوات است پس هر که درود فرستد بر من یک بار درود فرستد خدا سیصد بار آن را  
روایت کرده است بی بلا اسناد که گفت آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم **صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّمَا لَكُمْ مُصَافَاةٌ**  
**مُصَافَاةٌ** درود کوید بر من پس بدستیک آن شمارا و چند است دو چند کرده شده روایت کرده است  
ابن مسعود رضی الله عنهما که گفت و صلی الله علیه و آله وسلم **إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ فَاحْسِنُوا الصَّلَاةَ فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّ**  
**ذَلِكَ تَعْرِضُ عَلَيَّ قَوْلُوا اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتَكَ وَحَمْدَكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ جَمَاعَةً**  
**عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ** هر که صلوة کوید بر من پس بدستیک صلوة را پس بدستیک  
نمی دانید شاید آن صلوة عرض کرده بر من بگوید **اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا لَكَ وَرِثَتَكَ وَرِثَتَكَ** که سند این روایت ضعیف  
است روایت کرده شده است بسند در سل **لَكُمْ تَعْرِضُونَ عَلَيَّ بِمَا تَنَالُمْ وَمَسَامُكُمْ فَاحْسِنُوا الصَّلَاةَ**  
**عَلَيَّ** بدستیک شما عرض کرده شود بر من بناها شما و ذات شما نیست کوید درود بر من روایت کرده شده  
است بسند بر ضعیف که فرمود آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم **بُكَاءُ الصَّغِيرِ إِلَى شَهِدَيْنِ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا**  
**اللَّهُ وَالْإِلَهِ الرَّجْعُ الشَّهِيدُ لِلَّهِ وَالْإِلَهِ تَأْنِيَةً** اشهر الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم  
**وَلِسَنَيْنِ اسْتَغْفَرُوا لِي فَإِذَا اسْتَسْقَى اللَّهُ لَهُ مِنْ ضَرْعِ امَةِ عَيْنًا مِنَ الْجَنَّةِ**  
**فَشَرِبَ فَيَجْزِيهِ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ** که طفل تا ده ماه کوای دادن باینکه نبت معبوجی جز خدا تعالی  
و کریم او تا چهار ماه این است که اعتماد بخداست و کریم او تا هشت ماه درود بر من صلی الله علیه و آله وسلم و کریم او تا سه سال  
طلب مغفرت است بر او و تا سه سال بر او آب بخوابد طفل می برادر خدا تعالی بر او از پستان مادر او چشمه از جنت  
میشود از آن پس کفایت میکند او را از طعام و شراب روایت کرده شده است **لَا تَضْرِبُوا أَوْلَادَكُمْ عَنَّا**  
**بِكَاهِمُ سَنَةً فَإِنَّ الرَّجْعَ أَشْرَمَ مِنْهَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَارْتَعَادَ يُصَلِّي عَلَيَّ وَارْتَعَادَ**  
**يَدْخُلُوا إِلَيَّ نَزْمًا** اولاد شمارا بر کریم آنها در یک سال پس بدستیک چهار ماه از آن کوای میدهد باینکه نبت  
معبوجی جز خدا تعالی و چهار ماه درود میکند بر من چهار ماه دعا میکند بر او و خود دین برود روایت مذکور را

در کتاب **روایت** کرده است این مبارک و عید بن محبوب سند متصل از حسن کبیر رضی الله عنه که گفت و علی  
 الله علیه و سلم **جَسِبَ الْمَرْءُ مِنَ الْخُلُقِ أَنْ أَذْكَرَ عِنْدَهُ لَا يُصَلِّيَ عَلَى بَيْتٍ مَرَدٍ رَأَى رَجُلًا أَنْفَقَ لَهُ فِكْرَ كَرْدَةٍ ثُمَّ نَزَّ وَأَوْدَرُوهُ**  
 گوید برین **روایت** کرده است یعنی از طریق انس رضی الله عنه که گفت و علی رضی الله علیه و سلم من صلی علی یوم الجمعة  
 مائة مرة غفرت له خطيئته ثمانين سنة هر که روز و فرستد برین روز جمعه صد بار آمرزیده شود در او رانگناه هشتاد سال  
 ابوطالب که رحمه الله و کتاب قوت القلوب نام محمد غزالی رحمه الله در احیاء علوم آورده اند من صلی علی یوم الجمعة ثمانين  
 مرة غفر الله عنه و جعل له ثمانين سنة قبل ان يسأل الله لئيف الصلوة عليك قال تقول اللهم صل  
 علی محمد عبدك و نبيك و رسولك النبي لا اله الا هو و تعقد واحدة هر که درود گوید برین روز جمعه هشتاد بار یا ز  
 خدا و جل بر او رانگناه هشتاد سال گفته شد که یا رسول الله چگونه است صلوة بر تو فرمود که بگوئی اللهم صل تا آخر و عقدی  
 انکنت را فتح ابو عبد الله بن ثابت و غیر او مقید کرده اند این روایت را به لفظ ابو عمر الجمعه و توفیق میان روایتین که در یکی صد بار  
 درود و در دیگری هشتاد بار است ظاهرست زیرا که روایت اولی از تعیین درود و تعیین وقت هر دو حاجات و روایت ثانیه قیادت  
 و الله اعلم **روایت** کرده است ابو هريرة رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم **لِلصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّكَ**  
**الْصَّالِحِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْفَرِيدِ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ النَّارِ** مگر کسی را که درود گوید بر حسن و خوب بود بر هر طریقی که از اهل نور است  
 نباشد از اهل آتش آورده است این حدیث را ابن فرحون در کتاب زاهر **روایت** کرده است ابن جبر حسن از حدیث  
 عباس رضی الله عنهما من سبى الصلوة على اخطاء طريق الجنة ترك كند صلوة را برین خطا کند راه هشتاد  
 مراد از بیان ترک است زیرا که بر بیان معنی غفلت موافقت **روایت** کرده است عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه  
 که گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم جاءني جبرئيل عليه السلام وقال يا محمد لا يصلي عليك أحد الا صلى عليه  
 سبعون ألف ملك ومن صلت عليه الملائكة كان من اهل الجنة آمد جبرئیل علیه السلام و گفت ای محمد درود  
 نهند بر تو بیست و یک مکر که درود فرستد بر تو هفتاد هزار فرشته و هر که درود فرستد بر تو فرشتگان با آنکس از اهل بهشت آورده است  
 حدیث را ابن فرحون در کتاب زاهر **روایت** کرده اند حاکم و بیهقی و شعب الایمان و احمد و مسند خود از حدیث عبد الرحمن بن  
 عوف رضی الله عنه که گفت و صلی الله علیه و سلم **إِنْ جَبُرَ نَبِيٌّ لَشْرَافِي وَقَالَ إِنَّ رَبِّي يَقُولُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ صَلَّيْتُ**  
**عَلَيْهِ وَمَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ** صحبذت الله شکر ابد استیکه جبریل علیه السلام بشارت داد مرا که گفت  
 که بدستی پروردگار تو میگوید هر که درود فرستد بر تو درود فرستم بر تو و هر که سلام گوید بر تو سلام گویم بر تو پس سجده کردم بر خدا  
 را بر آنکه **روایت** کرده شده است که گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم **أَلْزَمْتُكُمْ عَلَى صَلَاةِ الْكَرْمِ** در  
 فی الجنة زیاده ترین نماز و صلوة برین زیاده ترین نماز است از روایان و کتب ثبت ذکر کرده است ابن حدیث را ابن  
 بلا نبت کسی **روایت** کرده است که گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم من صلی علی صلوة تعظیما

خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْفُلُوكِ لِكُلِّ جَنَاحٍ بِالشَّرْقِ وَالْغَرْبِ وَخَلَقَهُ مَقْرُورًا فِي الْأَسْبَاطِ السَّقْلَى وَعَنْقُهُ مَلُوتِيَّةٌ تَحْتَ الْعَرْشِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ صَلَّى عَا بَدُ كَمَا صَلَّى عَلَى نَبِيِّ  
 فَهُوَ صَلَّى عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِكَرْدِ دُرُودِ فَرَسْتِ بَرَسِي دُرُودِ بَرَسِ تَقِيمُ حَقِّ سَبِّهِ كَيْفَ تَشَاءُ تَعَالَى إِنْ قُلْتَ فَرَسْتِ كَمَا رَأَيْتَ  
 يَارُوزِي بِشَرْقٍ وَبَارُودِي بِغَرْبٍ وَبَارُودِي بِأَوْبَابِ دَرْيَمِينَ تَقِيمُ زَبْرِينَ وَكَرْدُونَ أَوْ تَصَلُّونَ بِخُشْيِكُو يَدُ خَلْقِ تَعَالَى إِنْ رَأَيْتَ دُرُودِ فَرَسْتِ  
 بِرَبَّنْدِهِ مِنْ جَانِحِ دُرُودِ فَرَسْتِ أَوْ بِرَغْمِ بَرَسِي أَنْ فَرَسْتِ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي قِيَامَتِ كَرْدِهِ هِيَ أَيْنِ حَيْثُ رَأَيْتَ  
 بَدُونَ ذَكَرِ صَحَابِي وَخَرَجَ لِبَعْضِ نَسَبِ نَسَبِ رَأْسِ رَنْبَنْدِهِ كَرْدِهِ وَخَرَجَ ابْنُ حَجَرٍ كَيْفَ رَحِمَهُ اللَّهُ دَرِ كِتَابِ دَرْ مَقْرُورًا تَهْفَاوْنَ بِحَقِّ الْفَلَا  
 أَوْرَدَهُ وَكَفَنَهُ كَيْفَ حَدِيثِ سُنَنِ رَوَيْتَ كَرْدِهِ هِيَ أَبُو مُوسَى مَدِينِي أَوْ طَرِيقِ إِبْرَاهِيمَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مِنْ صَلَّى عَلَى  
 عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مِائَةً وَمِنْ صَلَّى عَلَى مِائَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ الْفَارُوسُ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 شَفِيعًا وَشَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِكَرْدِ دُرُودِ فَرَسْتِ بَرَسِي دُرُودِ فَرَسْتِ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 دُرُودِ فَرَسْتِ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 رَأُورًا شَفَاعَتِ كَفَنَهُ وَكَوَابِئِهِ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 هِيَ أَيْنِ رَأُورًا شَفَاعَتِ كَفَنَهُ وَكَوَابِئِهِ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 الصَّدُورِ أَوْ طَرِيقِ بَنِي عَبَّاسٍ أَوْ كَابِرِ صَحَابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ مِنْ صَلَّى عَلَى وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَمِنْ صَلَّى  
 عَلَى عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مِائَةً وَمِنْ صَلَّى عَلَى مِائَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ الْفَارُوسُ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 كَفَنَهُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ بِكَرْدِ دُرُودِ كَوَيْدِ بَرَسِي كِيَارُوزِي كَوَيْدِ بَرَسِي كِيَارُوزِي كَوَيْدِ بَرَسِي كِيَارُوزِي كَوَيْدِ بَرَسِي  
 بِرُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ دُرُودِ كَوَيْدِ بَرَسِي كِيَارُوزِي كَوَيْدِ بَرَسِي كِيَارُوزِي كَوَيْدِ بَرَسِي كِيَارُوزِي كَوَيْدِ بَرَسِي  
 شَانَهُ أَوْ شَانَهُ مَرَابِدِ حَنْبِ تَيْجِ ابْنِ حَجَرٍ كَيْفَ رَحِمَهُ اللَّهُ أَسْحَا وَتَقَرَّرَ كَرْدِهِ كَبَرِ صَحَابِ ابْنِ حَيْثُ تَابَهُ زَوَاتِفِ نَشْمِ رَوَيْتَ  
 كَرْدِهِ شَدِيدَةً أَوْ رُوزِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ صَلَّى عَلَى مَرَّةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَمِنْ صَلَّى عَلَى  
 مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مِائَةً وَمِنْ صَلَّى عَلَى مِائَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ الْفَارُوسُ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّاسِ وَتَبَيَّنَ بِالْقَوْلِ الثَّانِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ عِنْدَ الْمَسْأَلَةِ وَادْخُلَ  
 الْجَنَّةَ وَجَاءَتْ صَلَوتُهُ عَلَى نَوْمٍ أَلَيْسَ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 صَلَوتُهُ أَقْصَرُ فِي الْجَنَّةِ قُلْ ذَلِكَ أَوْ كَثَرُ مَغِيْشِ نَا الْفَرَسَةِ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 بِكَرْدِ دُرُودِ كَوَيْدِ بَرَسِي كِيَارُوزِي كَوَيْدِ بَرَسِي كِيَارُوزِي كَوَيْدِ بَرَسِي كِيَارُوزِي كَوَيْدِ بَرَسِي  
 نَزْدِ سَوَالِ دُرُودِ أَوْ رَأُورًا شَفَاعَتِ كَفَنَهُ وَكَوَابِئِهِ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ  
 وَعَطَاكَ نَزْدِ سَوَالِ دُرُودِ أَوْ رَأُورًا شَفَاعَتِ كَفَنَهُ وَكَوَابِئِهِ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرَأْسِ رَنْبَنْدِهِ يَارُوزِي صَبَابَةً وَشَوْقًا كَفَنَهُ

[illegible]



ذَكَرَ اللَّهُ وَمَنْ أَجَنِّي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ بِكَ يَا كُنْ مَرِيسٌ تَحْقِيقُ يَا كُنْ مَرِيسٌ تَحْقِيقُ يَا كُنْ مَرِيسٌ تَحْقِيقُ  
 دوست داشت خدا را شمار آورده است این بر سر روایت را در تحفه الغریب بدون سند روایت کرده است  
 و این موردی و طبیعی و غیره نشان بندگان که در آن یکی از روشهاست که صحابه گفتند یا رسول الله امرایک  
 الله عز وجل ان الله وملائکته یصلون علی النبی فقال علیه الصلوة والسلام ان هذا من  
 العلم المتون ولو لا انکم سالتونی عنہ ما اخبرتکم بان الله عز وجل وکل به ملک کثیر  
 فلا اذکر عند عبد مسلم فیصلی علی الا قال ذاک المملک ان غفر الله لک وقال الله عز  
 وجل جوابا لذلک المملکین امین ای رسول الله ایادید قول خدای عز وجل که میگوید ان الله و  
 یصلون علی النبی یعنی از راه تعجب این شان عظیم و ابرحیم استغفارم از حقیقت حال آن نمودند پس فرمود اخبرت صلی الله  
 علیه وسلم که این از علم کنون و سر مخزون است که بدان سوال کردید و اگر نمی پرسید شما از خبری که در دم ما را بدان بدستیکه  
 خدا عز وجل مقرر کرده است بر این دو فرشته پس یاد کرده شوم نزد هیچ بنده سلمان و او برین صلوة فرستد الا که آن دو  
 فرشته بود و او عا کند و گویند غفر الله لک میگوید خدا را دعا و جواب آن دو فرشته امین و در روایت تفسیر رک یاده کرده است  
 لفظ و ملائکته بعد قال الله عز وجل و بعد امین این عبارت است و لا اذکر عند عبد مسلم فلا یصلی  
 علی الا قال ذاک المملک ان غفر الله لک وقال الله وملائکته لذلک المملکین امین  
 و یاد کرده شوم نزد هیچ بنده سلمان و او برین برود و فرستد مگر که آن دو فرشته بد دعا میکنند و او میگوید لا غفر  
 الله لک و گویند خدا را دعا و جواب آن دو فرشته امین و این روایت حسین کا در تحفه الصلوة از  
 لباب آورده جوالتفکیر و تعلی نموده روایت کرده اند جمعی از محدثین بسند بسیار ضعیف گفت  
 صلی الله علیه و آله وسلم یا ایها الناس ان اجمعکم یوم القیمه من هو الهام و مواهلهما الا انکم علی  
 صلوة فی الدنیا ای مردم بدستی نجات یابنده تر از شما در روز قیامت از همه آنها آن موطن آن یاز  
 ترین شماست اگر در صلوة برین وارد دنیا روایت کرده است اکثر و امین الصلوة علی لک  
 اول ما سألون فی القبر یعنی زیاده کنند در صلوة برین بر آن بدستی اول سوال کرده شوید در قبر از من سخا  
 گفته که بر سندی روایت واقف نشدم روایت کرده شد الصلوة علی یوم القیمه عند ظم  
 الصراط ومن لهد ان یکمال بالکیال الا فی یوم القیمه فیکتفی من الصلوة علی  
 در دوبرین نورست در روز قیامت نزد یکی صراط دیگر اراده کند که پیوسته در ثواب به پیامانه و فی ترین در روز قیامت  
 پس باید که زیاده کند از صلوة برین شیخ ابر حجه می جمله شد گفته که اصل این روایت معلوم نشد روایت کرده  
 است بسند ضعیف ابو ذر غفاری رضی الله عنه که وصیت کرد در اخبرت صلی الله علیه و آله وسلم باینکه نماز نمی کند

دو سفر و خضرو خواب مردم که بعد از نماز و گفتن صلوة بر نبی صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده است این خود رحمه الله و کلمات سلوة و آله  
 که آدم علی بنی و علیه الصلوة و السلام چون خواست قریب حوالی جرح از مهر خود طلب پس آدم علیه السلام از خدا تعالی سوال کرد که چه  
 در میان فرمود ای آدم در دو بگو بر دست یگانه و بگریه من محمد بن عبد الله است یا پس آدم علیه السلام بچنین کلمات در میان  
 بسیار آحاد است در صلوة و آله انشاء الله تعالی بباب ثمرات صلوة و با سوالی آن ملاک خواهد شد **مستطرد**  
 در آثار و مناکب و با فضیلت صلوة و آله آثار و مناکب از ابی بکر صدیق رضی الله عنه که صلوة بر آن حضرت صلی الله  
 علیه و آله و سلم بخونده بهتر است از آب زلال و سلام بر وی صلی الله علیه و آله و سلم افضل است از اعتقاد رقیب است  
 از عارفان و رقیب رضی الله عنه که عاتقون بسیار آمان درین درود بر آسمان ناکه در درستی بنی خدای صلی الله علیه و آله و سلم بچنین  
 از علی بن ابی طالب رضی الله عنه نقل کرده است می از علی بن حسین رضی الله عنه که علامت اهل سنت کثرت صلوة بر پیغمبر خدا  
 صلی الله علیه و آله و سلم صاحب تحفه الغریب از خود عبید الله عیدروس رحمه الله نقل کرده که در بعضی تصانیف خود گفته که بسیاری از  
 سلمانان سعادتمند شده اند بابت صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جمعه و روز جمعه و کثرت نماز و عبادت و کاران آمرزیده  
 کائناتان ایمان بکثرت صلوة بر آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و از حاتم بن احمد اهل حمه نقل کرده که همه عبادات محتاج اند به  
 اخلاص و اما صلوة بر آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم پس مقبول است بهر حال که باشد چون داشت و طهارت و امان  
 و حضور قلب و این پس مفید و عجیب و آسان است رویت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در بنام بلکه چنان تمیز و که رویت  
 صلی الله علیه و آله و سلم در بیدار حاصل کرد و هم از فقیه جابر رحمه الله نقل کرده که وی از شیخ ابی بکر صائم الدهری رویت نمود  
 او رحمه الله فرمود که لازم گیر آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است زیاده از آن رویت نمیکند مگر اینکه لازم گیری استغفار  
 از عاصی و صلوة بر آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و از ابن عطاء رحمه الله منقول است دعا را از کان و آنچه در باب و اوقات پس اگر  
 موافق اقتدار کان را قوت گیرد و اگر موافق اقتدار آنچه را پیرا زند در آسمان و اگر موافق اقتدار اوقات را فائز نشود و اگر موافق افتد  
 با بسبب انجام یا بدار کاش حضور قلب و رقت و سحر کانت و خشوع و تعلق دل بخدا و قطع از بسبب و نیاست و آنچه آن صدق  
 است و اوقات آن اشجار و باب آن درود پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است شیخ احمد بن حنبل رحمه الله و بعضی صایا گفته  
 که صلوة بر صلی الله علیه و آله و سلم وسیله سلوک است عروج بخداست اگر شیخ کامل یافته نشود و از شیخ و رزق و فیض الهی  
 احمد بن موسی المشروع یعنی جرم الله تعالی بچنین منقول است که فی مطالع المستر از شیخ شهاب قازانی می رحمه الله منقول است  
 که شیخ شهاب الدین احمد بن محمد عمود از بعضی شیخ خود جرم الله حکایت کرده که در آخر زمان سلوک طریق بهتر نیست کم  
 نرود و وصول بخدا تعالی شود مگر بصلوة بر آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و ابن عطاء رحمه الله گفته که حاصل شیخ آنکه  
 سالک ابتدا کند بصلوة بر سید کائنات صلی الله علیه و آله و سلم و بعد بکار دیگر مشغول گردد و باز آید صلی الله علیه و آله و سلم  
 و وسط است میان او خدا تعالی و تعلق بواسطه مقدم است و دلایل الخیرات از بعضی صحابا رضی الله عنهم نقل کرده که هر یک



[illegible]



رای آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم از سبب آن سوال کرد فرمود که بکثرت صلوٰه برین این قریه یافت از این همیشه منقول است که هر  
صلی الله علیه و آله و سلم در روزی میفرستادم در حالیکه هر دو تن من میبود و دیدم شخصی در کثرت صلوٰه درین کاغذ بنویسید من آن  
حروف را در آن کاغذی بنویسم پیشم کشادم که بروی نگاه کنم دیدم که از من پوشیده شد کسی که صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم هیچ  
را چیزی که در آن آورده که شخصی را در خواب دیدند که در بر و جل و بر ستیاج کلان بجا ایستاد پس پرسید که چه کرد خدا  
تعالی با تو گفت آمرزید و گرامی داشت و بواجب بسم نهاد و در آن روز بهشت از سبب آن پرسیده گفت اهلایکرم در نزد  
محمد بن حنیف میسرند را پس در فرستاد شیخ مابروی صلی الله علیه و آله و سلم و اهل مجلس نیز در فرستاد شیخ مابروی صلی الله علیه و آله و سلم  
صلوات از آن احوال و حسن وجه را که منقول است که شخصی را از اهل معرفت خود در خواب دیدم و گفت حالش نمودم گفت  
شد آنچه پیشم دیدم گفت نماز رکعت نماز در رکعت نماز بار قل هو الله احد فتم این را طاعت ندارم گفت نماز بار صلوٰه بر  
صلی الله علیه و آله و سلم در پشت ارمی گفته میکنم بنی را شب پیشم این کبر که در آن نقل کرده که یکی از صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دیده  
کرده شد از حال او گفت که خدا بیچاره مرا در آمرزید و داخل جنت کرد و امید پیشم پرسیده گفت که فرشتگان  
کنایه آن صلوٰه بن آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم شمار کردند در صلوٰه را زیاده تر یافتند پس فرمودی که از این نقل ای تو که حساب  
و او را بخت برید و نیز از بعضی صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که او وضوئی قبیح در خواب دید پس پرسید که تو کدامی او گفت من عمل قبیح  
ام گفت بخت از تو بچه چیست گفت بکثرت صلوٰه بر مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و نیز از بعضی صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که او سارانه  
نیک دید و پس سید از چگونگی حال او جواب داد که از هلاک شدن کان میبودم اگر کثرت صلوٰه من بر خدا صلی الله علیه و آله و سلم  
نمی بود از شبلی رحمه الله منقول که او یکی از همسایگان خود را در خواب دید و گفت حالش نمودم او گفت که گذشت بر من  
عظیم وقت سوال ملکین پس در دل خود گفتم که این حالت بر من گنج آمد یا بر سلام نموده ام ندارم سید که این عقوبت بهمل  
گذشتن زبان تو است در دنیا چون فرشتگان قصد تعذیب من کردند خایل مرد جمیل خوش بود یاد در حاجت من  
از و گفتم که تو کدامی چو ملک الله او گفت که من آن شخص ام که پیدا کرده ام بر کثرت صلوٰه تو بر غیر خدا صلی الله علیه و آله و سلم  
و ما مورد به نیت تو در به نیت از ابو بکر رحمه الله منقول است که در خواب دیدم آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم که  
مرد در روزی میفرستد بر تو فرمود که ام است عرض کردم فلان است فرمود که لاجرم تحقیق خداست یا مقرر کرده ام بر او  
مقدم کنم منقول است که زنی نزد حسن بن علی رضی الله عنه آمده گفت که دختر من مرده ای بخوانم که او را در خواب بنیم گفت او  
که بعد از نماز چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سه فاتحه و سوره الهکم الکافر بخواند و بخوابد و در هر  
بر غیر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا آمدن خواب پس آن زن همچنان کرد و دید دختر خود را در بدترین عذاب و سختی ترین  
عقوبت آن زن بعد میداردی نزد حسن بن علی رضی الله عنه آمده گفت که گفت فرمود که صدقه ای بیدار کن  
کنایه آن دختر تو عفو شود و آن حسن بن علی رضی الله عنه در خواب دید زنی را در بهترین نعمت و آن زن گفت

مرا می شناسی من مختبر همان دلم که تو انگریزی مرا در ابله صلوٰه بر محمد صلی الله علیه و سلم حسن بصری رضی الله عنه گفت  
که مادر تو حال تو خلاف این ذکر کرده بود آن زن گفت آری حال من همان بود حسن بصری گفت که سبب صواب این مرتبه  
شد گفت که ما هفتاد هزار رکعت عقوبت کنیم تا او بدیم مرد صالح از بوم ما که ششت یکبار بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم  
درود فرستاد و بوشن ما بخشید حق تعالی آن صلوٰه را از قبول فرمود و به برکت آن ما را اذان عقوبت ازاو کرد  
آنچکه از ثواب آن صلوٰه بجمعه رسید این است که تو دیدی شیخ ابن حجر که رحمه الله آورده که بعضی صلی خود فرمود  
که هر شب عددی جلوم از صلوٰه بروی صلی الله علیه و سلم بوقت خواب فرستد شبی و خوابید این حضرت صلی الله علیه و سلم که نزد  
بود آمد و همه خانه او نور پر شد و فرمود که بیار این را که در دیوار می نوشتند برین تا بوسم آن حسن کرد و خوب پیش نهاد  
حضرت صلی الله علیه و سلم بر آن بود پس دیدار شد آن کس را خالیکه خانه او بوی شک پر شده است بسبب آن حضرت  
صلی الله علیه و سلم و در راه بوی شک نایک بگفته باقی بود این جماعتی الله عنه از بزرگان خود شنیده صالحی محمد بن نام  
از قوم ما بر خود لازم کرده بود که هر روز شب دوازده هزار بار درود بر حضرت صلی الله علیه و سلم فرستد آخر قوم شبهه دوازده  
هزار بار کردید و حضرت صلی الله علیه و سلم را در خواب دید حضرت صلی الله علیه و سلم او را به سینه مبارک خود چسبید و فرمود که تو  
جگر کوش من هستی جز این آثار در نهاد تو باقی نماند و ابواب آئیده مذکور اند **ضابطه** از شیخ ابوطالب کی حسابات القلوب  
حاتم ابن احمد ابدل رحمه الله منقول است که اقل عدد رکعت صلوٰه صد است و اکثر احدث شیخ ابن حجر رحمه الله گفته که شصت  
که اخذ کرده است این را از صالحی با خود تجربه کرده است یا ماکشبه یا نیکه عدد اقل او از صد و چند است موافق عدد اصحاب بدر  
صد را اختیار کرده که راسد قطر و جبهه تحت الغیر است که در سلطان هزار بار است برای آید آن نقل کرده که جد او سید  
عید رسول رحمه الله در بعضی صایا خود نوشته که به شب پیش از خواب بار بار یا اگریم یا رحیم هزار بار درود بر نبی صلی الله  
علیه و سلم باید خواند و نیز آورده که قاضی ابن کین طبری قوی عدنی رحمه الله را در هر شب هزار بار درود و وظیفه بود این جا  
عفی الله عنه میگوید که نقلی که از حافظ ابو حسن دارمی رحمه الله پیش ازین گذشت نیز میگوید آن است چرا که در آن هم درود  
بارست **قله درود اللهم صل علی محمد و آل محمد** صلوٰه تجنیها الی الجن که در باب آئیده بطور خواب کردید نیز تا  
آن میکنند زیرا که در آن آئیده بود به هزار بار و چون قرات آن به صد سید نجات یافت کشتی **والله اعلم**  
**باب تخم در تعدید ثمرات صلوٰه ثمرات و نسیج صلوٰه برید عالم صلی الله**  
علیه و سلم از خطب اطهار و امراء اتقصا بتجا و رست از جمله این فرعون قرطبی در کتاب خود ده ثمرات و صاحب  
الانوار فی الصلوٰه و السلام علی النبی المختار صلی الله علیه و سلم چهل و یک ثمره و ابن قیم سی و پنج ثمره و سخاوی در قول  
فی الصلوٰه علی الجیب فنیع و صاحب تفسیر علای چهل و هفت ثمره و ابن حنفه فالحیه کیف ثمار الصلوٰه النبویه  
و یک و شصت و شصت در کتاب منضو و نجاه و پنج ثمره و صاحب تحفه الغریب شصت ثمره ذکر کرده این عالمی و نجاه الله عنه

همه ثمرات را به حدیث کمر رات جمع کرده و از احادیث شریفه استباط نموده یکصد شمره ذکر میکند شکر الله سبحی  
 ذی جبر مت البخی الذی علیہ افضل الصلوة و افضل التسليم **شماره ۱** در صلوة اشتغال  
 امر ای است اشتغال امر بر بروجین واجب بدلیل اتفاق و اختیار بقول ائمه اهل بیت علیهم السلام کان المؤمن کلام مؤمنه اذا قضی  
 الله و هم سؤلہ لقرآن ان یكون لهم الخیرة و نیست هیچ مؤمنی هیچ مؤمنه را هرگاه چهار کند خلد و رسول او را  
 انیکه باشد آنها را اختیار از نزد خود بلکه واجب است اشتغال امر بدلیل ورود و وجوب بر آن قول وی شجاع فلیکدر  
 الذین یجالیفون عن امره ان تصیبهم فتنه او تصیبهم عذاب الیم پس این کلام را در کتاب  
 را خالف میکنند از امر و تعالی بانی که برسد بآنها فتنه یا برسد بآنها عذاب الیم ذکر کرده است این شمره را رضا تحفه  
 و صاحب الدقائق الانوار و ابن قیم **شماره ۲** موافقت با او تعالی است اگر چه هر دو صلوة مختلف اند از روی معنی پس این نظم  
 و تشریف است و از مومنان دعا و سوال چنانچه در باب اول مذکور شد و هیچ عبادت نیست که او تعالی در آن شکر مومنین باطل صلوة  
 برسد کائنات صلی الله علیه و سلم حسین کا رحمه الله در تحفه الصلوة گفته که فاضل علامه رفیع الدین ابوبکر احمد بن علی  
 اسیر نکی در ترجمه کتاب اسباب نزول که از تصانیف امام الایمان ابی الحسن بن احمد واحد است از اصفی نقل میکند که در جامع  
 مهدی خلیفه را دیدم بمنبر و حالیکه سیکفت ای مردمان حق شجاعت را کاری فرموده و در آن ابتدا به نفس خود کرده و بعد به غیر  
 حضرات قدس متنی فرموده که ان الله و ملائکته لا یحکمون الا بحکم الله و انما امرکم ان تعبدوا الله ما لکم به  
 یحج است این شریف اند که شمار این نعمت خدا را بشکر کناری و سپاس داری مقابل کنید همواره بوظایف صلوة و سلام  
 برسد انام علیه الصلوة و السلام قیام و اقدام نمایند ذکر کرده است این شمره را صاحب تحفه الغریب بن قیم و صاحب الدقائق الانوار  
**شماره ۳** موافقت است با درشتکان و آن دلالت دارد بر زیادت عزت و حرمت مصلی چنانچه در حدیث  
 تا این است هر که آمین باین ملائکه موافق افتد کنایه آن گذشته و آینده او آمرزیده شود و دلالت دارد بر عزت قدس  
 و فخامت مرتبه نبی کریم صلی الله علیه و اله و سلم و این است باستغنا او صلی الله علیه و سلم از صلوة و کبر ان صلوة خدا  
 تعالی و ملائکه ذکر کرده است این شمره را ابن فرحون قرطبی و ابن قیم و صاحب الدقائق الانوار و صاحب تحفه الغریب **شماره ۴**  
 حق تعالی در مقابل یک صلوة بنده ده صلوة برو میفرستد چنانچه در باب سابق از روایت انس ابی طلحه و عبد الله بن عمرو  
 عامر بن عمار از کابر اصحاب نقل کرده و غیر هم رضی الله عنهم مذکور شد و نیز بسند حمید بلکه صحیح روایت کرده است که  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم بقصد کان ضرور برآمد عیسی فاروق رضی الله عنه مطهره کوفته در رفت یافت آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم را در حال سجده پس با کرد یکسرس مبارک سجده برداشت و شکر کرد و گفت ان جبرئیل  
 الم فقال من صلی علیک من امتک واحدة صلی الله علیه عشر و رفعه عشر در جا  
 بدرستی جبرئیل علیه السلام آمد گفت هر که در روز قیامت تو یکبار در دو وقت خدا تعالی را شکر باری و بلند کند

اوزاده درجه و در روایتی که هر حال آن ثقات آمده است ماصلی علی عبد بن محمد صلی الله علیه و آله و سلم  
 الاصلی الله علیه و آله بمائتین صلوات و رفع بمائتین رجاء و ثبت له بمائتین حسنات و  
 عنه بمائتین سیئات در دو نفرند بر من سجده از امت من یک صلوة در حالیکه صادق است در دل خود که  
 صلوة فرستد خدا تعالی بر آن بنده و مقابل یک صلوة او ده صلوة و بلند گرداند او را بدان صلوة ده و وجه و بوی بر او بداند  
 صلوة ده و حسن و محو کند از او بدان صلوة ده و در روایتی آمده است آتانی آت من فیها خبری لئلا ینصلي علی  
 احد من امتی الا رد الله علیه عشرين مثلاً الحمد مراراً و در کار من چنین فادما که بدستی هرگز نرفته  
 بر من سی از امت من هرگز نرستد خدا تعالی و در عرض آن بروی ده مثل آن صلوة و روایت کرده است عی و ابن عسک  
 از طریق ابی طلحه رضی الله عنه که آدم ترمزد آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم پس ندیدم او صلی الله علیه و آله را سبقت نرود و  
 از آن روز و عرض کردم که بوال الله کای ندیده ام ترا خوشتر و بیشتر از آنکه امروز دیدم فرمود که چه چیز منع کند مرا از خوشی  
 و حالاً که جبریل تحقیق بر آمده است رحال از نزد من گرفته که خدا تعالی گفته است من صلی علیک صلوة صلیت  
 علیه و نحو ثمان مائتین سیئات و ثبت له عشرين حسنات ذکر کرده اند این شمره را همه علما که اسما ایشان  
 در اول باب طو شد **در رفع درجات و مقابل یک صلوة چنانچه از روایات سابقه معلوم شد ذکر کرده**  
**این شمره را نیز همه علما مرقطبی و صاحب تحفه فالحیدر** **در نوشتن ده حروف و یک صلوة چنانچه از روایات**  
**مذکور معلوم گردید و نیز در روایت عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه آمده که دیدی صلی الله علیه و آله را در سجده و بعد**  
**فراغ از آن فرمود سجده شکر الی ربی فیما ابلا فی ای فیما انعم علی فی امتی من صلی علی**  
**صلوة من امتی کتب الله له عشرين حسنات و تحی عن عشرين سیئات سجده کردم برای**  
**شکر هر روز در کار مرا در آنچه کنم بر من در امت من هرگز نرود و گوید بر من یکبار از امت من بخیر خدا تعالی برای**  
**آن سجده شکر و محو کند از ده گناهان و در روایت ابی نعیم از طریق ابی طلحه رضی الله عنه آمده که هیچ کس در حال خدا**  
**صلی الله علیه و آله و سلم در حالیکه خوش بود پس پیستم ازین حال فرمود ما یمتعون و ائمه خرج جبریل علیه**  
**السلام انفا فاحبرنی ان من صلی علی صلوة کتب الله له عشرين حسنات و تحی عن عشرين سیئات و در**  
**علیه مثل ما قال و در روایت طبرانی نیز از طریق ابی طلحه رضی الله عنه آمده که آدم نرود رسول خدا صلی الله علیه و آله**  
**و سلم در حالیکه وی تظلیل بخواند و روی مبارک سبزه بود پس گفتم یا رسول الله بدستی تو امروز بر جالنی است که کای**  
**ندیده ام ترا بر مثل آن حالت فرمود و ما یمتعون آتانی جبریل علیه السلام فقال اشهد انک**  
**ان من صلی علیک صلوة کتب الله له عشرين حسنات و کفر عنه بمائتین سیئات این**  
**شمارین زیاد کرده است و درین روایات این عبارت و رفع له بمائتین رجاء و مراد الله**



عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَوَى ابْنُ أَبِي طَالِبٍ ابْنُ طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَرَّمَ  
 تَوَرَّعَ خَدَّيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحَالِكُ خَطِّهِ بِشِئَانِي دِي وَرَشَانِ بُوَدِ بَسِ كَقَمِّ بَارِوَالِ شُدِ بَدِ بَمِ تَرَخُوْتَهُ اَنْدَوِي نَفْسِ ظَاهِرِ  
 تَرَارِوِي بَاتِ اِذَا بَخِ اَمُورِ دِيمِ فَرَمُوْدَكِيْفَ لَا تَقِيْبُ بِي وَيُظْهَرُ لِي بِي وَانْمَا فَرَقِي جَبْرِئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 السَّاعَةَ فَقَالَ اَحَدٌ مِنْ صُلَى عَلَيْكَ مِنْ صَلَاةِ لَبَّ اَللهُ لَبَّ اَعَشْرَ حَسَنَاتٍ وَرَفَعَهَا  
 عَشْرَ رَجَاتٍ وَقَالَ لَلْمَلِكِ مِنْ اَمَّا اَلَا لَكَ قُلْتُ جَبْرِئِلُ وَمَا ذَاكَ الْمَلَكُ اَلَا اَنَّ اَللهَ عَزَّ وَجَلَّ  
 وَكَلَّ سَلَكًا مِنْذُ خَلَقَ اِلَى اَن يَبْعَثَكَ لَا يَصِلُ عَلَيْكَ اَحَدٌ مِنْ اَمَّتِكَ اَلَا قُلْتُ وَاَنْتَ  
 صُلَى اَللهُ عَلَيْكَ بِرَأْسِ اَوْشٍ نَبَاشِدِ نَفْسٍ مِنْ ظَاهِرِ شَوْخِشٍ مِنْ مَغَارَتِ مَكْرَهٍ اَرْسَلِ جَبْرِئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَرِيْنِ سَاعَتِ  
 اَلْفَتَةِ بِرَكْعَةٍ رُوْدِ نَزْدِ تَرَارِوَامَتِ لِي كِبَارِ بُوَبِ خَدَّيْ تَعَارِي اَنَّ كَسْبِ مَقَابِلِ اَنْ صَلَوَةُ وَهْ حَسَنَةٌ كَرَامَتِ اَوْ رَا بَدَانِ  
 دَرَجَةِ وَصَلَوَةُ فَرَسْتِ بَرُوِي فَرَسْتِ مَثَلِ صَلَوَتِ كَقَمِّ اِي جَبْرِئِلَ اَمَّ اَنْتَ اَنْ فَرَسْتِ كَقَمِّ بَدِ بِي خَدَّيْ اَمَّا قُلْتُ مَقْرُورَةُ  
 فَرَسْتِ رَا اَزْ رُوِي كِبَارِ مَدَا كَرِهَ اَسْتَا اَزْ رُوِي كِبَارِ اَكْبَرِ تَرَارِوَامَتِ فَرَسْتِ بَرُوِي كِبَارِ اَمَّا قُلْتُ مَقْرُورَةُ  
 صُلَى اَللهُ عَلَيْكَ كَرْمَهٍ اَسْتَا بِنِ ثَمَرِ رَا بِنِ قِمِّ شَيْخِ اَبْنِ حَجْرِكِي وَصَابِحَاتِ اَلْاَوَارِ وَصَابِحَاتِ الْغَيْبِ  
 مَحْ كَرْمِ دِهْ كَمَا وَنَقَابِلِ كِصَلَوَةُ چِنَا بَخِ اَرْوَايَاتِ سَابِقِ مَوْضُوعِ اَبْنِ ثَمَرِ رَا بِنِ مَدَا كَرْمَهٍ اَنْدِ  
 رَجَاءِ اَسْتَا بِنِ دَعَا اَسْتَا بَرَكَا هَ وَاقِعِ شَوْخِشِ وَصَلَوَةُ بِاِمْرَانِ وَصَلَوَةُ چِنَا بَخِ دَرِ بَابِ بَاتِ وَرَوَايَاتِ مَذِي اَرْطِقِي  
 بِنِ عَمِيْدِ اَزْ رَوَايَاتِ عَلِي بِنِ اَبِي طَالِبٍ رَا اَبَا عَمْرٍو اَلْحَطَابُ عَلِي بِنِ اِيْطَالِبِ رَضِيَ اَللهُ عَنْهُمُ وَرَقُولِ اَبْنِ عَطَا مَدُ كُورِشَ اَزْ  
 اَبُو سَلِيْمَانِ رَا اَنِي رَجَمَ اَللهُ مَنَقُولِ اَسْتَا بَرَكَا هَ اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا  
 صُلَى اَللهُ عَلَيْهِ وَكَلَّمَ كَلَّمَ اَصْلَوَةُ اَبِ بَسِ خَدَّيْ تَعَارِي اَمَّا قُلْتُ مَقْرُورَةُ رَا وَنَقَابِلِ اَكْرَمِ وَنَزْدِ اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا  
 بَا بِنِ بَرُوِي وَصَلَوَةُ اَسْتَا كَرْمَهٍ اَسْتَا اَبْنِ ثَمَرِ رَا بِنِ قِمِّ شَيْخِ اَبْنِ حَجْرِكِي وَصَابِحَاتِ اَلْاَوَارِ وَصَابِحَاتِ الْغَيْبِ  
 4 مَشْهُدِ شَبَّاعَتِ اَخْتِ صُلَى اَللهُ عَلَيْهِ وَكَلَّمَ اَسْتَا چِنَا بَخِ اَرْوَايَاتِ اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا  
 بِنِ عَمْرٍو بِنِ عَامِ اَزْ رَوَايَاتِ بَرَارِ اَرْطِقِي رُوِيْعِ بِنِ اَزْ رَوَايَاتِ اَبُو سَلِيْمَانِ اَبُو سَلِيْمَانِ اَبُو سَلِيْمَانِ اَبُو سَلِيْمَانِ  
 وَنَزْدِ اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا  
 يَوْمَ الْيَوْمِ اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا  
 ذَكَرْ كَرْمَهٍ اَسْتَا اَبْنِ ثَمَرِ رَا بِنِ قِمِّ شَيْخِ اَبْنِ حَجْرِكِي وَصَابِحَاتِ اَلْاَوَارِ وَصَابِحَاتِ الْغَيْبِ  
 اَبِي بِنِ كَعْبِ مَدُ كُورِشِ اَبْنِ ثَمَرِ رَا بِنِ قِمِّ شَيْخِ اَبْنِ حَجْرِكِي وَصَابِحَاتِ اَلْاَوَارِ وَصَابِحَاتِ الْغَيْبِ  
 چِنَا بَخِ دَرِ رَوَايَاتِ تَرَفِي اَرْطِقِي اَبِي بِنِ كَعْبِ اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا  
 وَابْنِ اَبِي شَيْبَةَ كَقَمِّ مَرُوِي يَارِ سَوَالِ اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا اَسْتَا

وَتَعَالَى مَا أَهْلَكَ مِنْ دِيْنِكَ وَآخِرَتِكَ وَأَنْزِلْنِي بِزِينَةِ جَدِّكَ بِطَرِيقِ سَلَامٍ طَيْبٌ كَرِيمٌ سِتْرٌ رَوَّانٌ سِتْرٌ كَهْلُو  
مُتَمَلِّئٌ بِرُوحِ اِيتِمَالٍ وَاعْظِمْ رُوحَ اَوْصَالِ اَللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْ يُّوجِبَ اِلَيْكَ حَوَاجِ وَكَفَايَتِ مَهْمَاتِ چنانچه در حدیث  
قدسی آمده مَنْ شَعَلَهُ ذُرِّيٌّ عَنِ سُلْطَانِيْ عَطِيْبُهُ اَفْضَلُ مَا عَطِيَ السَّالِكِيْنَ بِرَكَهٖ رَابَعًا زَادَ وَكَرَّمًا زَادَ اَحَدًا  
او عطا كنم او را زياده تر از آنچه عطا كنم سوال كنندگان را اين نهمه علامه ذكر كرده اند **مسئله ۱۲** سبب قرب رسالت

با اخلاص حضرت صلي الله عليه و آله و سلم در روز قيامت چنانچه از روايت ترمذی و ابن ابي رزق عبيد الله بن محمد و كوشيد و ايد  
نهمه را نيمه ذكر كرده اند مگر قرطبي **مسئله ۱۳** قائم مشيود صلوته مقام صد در حق صاحب سبب برآورده اند جماعتي از مجيد  
حسنين كه فرمود او صلي الله عليه و آله و سلم اَيُّكُمْ جَلَّ سُلُوكُهُ لَمْ تَكُنْ عِنْدَهُ صَدَقَةٌ فَلْيَقْلُ فِي دَعَائِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ صَلِّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ فَاِنَّهُمْ مَرَكُوْهُ

پرمودي سلمان نباشند نزد او صدق پيائين كه بگويد در دعای خود اللهم صل على محمد تا آخر آن پس ستيكه آن كوة است  
اَيُّكُمْ جَلَّ سُلُوكُهُ لَمْ تَكُنْ عِنْدَهُ صَدَقَةٌ فَلْيَقْلُ فِي دَعَائِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ صَلِّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ فَاِنَّهُمْ مَرَكُوْهُ  
عِنْدَهُ صَدَقَةٌ فَلْيَقْلُ فِي دَعَائِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ صَلِّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ فَاِنَّهُمْ مَرَكُوْهُ  
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ فَاِنَّهُمْ مَرَكُوْهُ هر دو يكه حاصل كنند مال از جلال پس بخورند نفوذ را و پوشانند او پس بخورند بخورند  
از خلق خدا ايتعالی پس ستي آن كوة است هر دو يكه نباشند نزد او صدق پيائين كه بگويد در دعای او اللهم صل على محمد  
تا آخر آن پس ستيكه آن مراد از كوة است گفته اند كه ثواب صدقه مترتب است بر صلوته مخصوص در تحفه فالحية گفته احتمال دارد  
كه آن صلوته سبب باشد اين عاصي عفي الله عنه ميگويد كه اگر مراد از آن صلوته كه درين روایت مذكور است دارند بعد ندارد  
هو الله اعلم و بعضي گفته اند كه صلوته افضل است از صدقه حتى كه از صدقه مفروضه نيز زياده تر فرض كرده است خدا ايتعالی  
بر بندگان بخود و ملائكه در آن شيك باشند افضل است از آنچه خود و ملائكه در آن شيك نباشند شيخ ابن حجر رحمه الله تعالى  
نقل كرده كه مخفريت بر آن ذكر كرده اند اين نهمه را نيمه علامه ذكر كرده اند **مسئله ۱۴** سبب قرب رسالت

و آخرت است چنانچه از روايت استغوي از طريق جابر بن عبد الله رضي الله عنه مذكور شد در روايت كرده است بيهقي از ابن  
نديم از بعضي كه اينكه صحبت آنها يافته كه هر كه نزد قبرش آن حضرت صلي الله عليه و آله و سلم ايستاده آيه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى  
وَمَلَائِكَتِهِ مَا خَرَجَ مِنْ جَوْادِ بَيْتِهِ بَارِكُوا بِرُوحِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ نَكَدَ كُنْ دَارُ رُسُلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَبَاقِي مَا نَدَّ حَاجَتُهُ وَرَوَّانِيْ بَسْمِ ضَعِيفٌ آمَدَ أَنْ أَقْبَلَ مِنْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ اَللّٰهُمَّ  
عَلَى صَلَوةٍ فِي الدُّنْيَا مِنْ صَلَّى عَلَى فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَلَيْلَةِ الْجُمُعَةِ قَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ  
سَبْعِينَ مِنْ حَوَاجِ الْآخِرَةِ وَتَلَاثِينَ مِنْ حَوَاجِ الدُّنْيَا ثُمَّ يُوَكَّلُ اللَّهُ بِذَلِكَ مَلَكًا يُخْبِرُهُ  
فِي قَبْرِى كَمَا يَدْخُلُ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ يَخْبُرُنِي مِنْ صَلَاتِي عَلَيْكُمْ وَلَسْتُ اَعْلَمُ بِتَرْتِيبِهَا

عند غیری صحیفه بیضا بدستی که نزدیکترین شمار من در روز قیامت هر موطن زیاده ترین شمار  
 بر من از روی صلوة در دنیا هر که رو بگوید بر من در دنیا و آخرت همه بر او باشد تعالی برای او صد حاجت بفرستد  
 از حاجتهای آخرت و سی از حاجتهای دنیا است و گویند که خدای تعالی بدان فرشته که می آرد آن صلوة را در بر من  
 چنانچه آورده میشود نزد شما دیدم بار خیر رسید بدان فرشته مرا که کسی که روزی ستاده است تمام و نسبت به طهارت و شستن  
 میکند نام او نزد من صحیفه سفید و تحفه نیکو از کتابهای آخر الصلوة النبویه که از تمسکاتی است حمداً الله نقل کرده  
 که شخصی را نزد دنیا رسیدن بود صاحب من او را نزد قاضی کشید و قاضی او را تهدید بحدس طول نمود و بدین جهت  
 یکماه از دین گرفت و در خانه خود نشست و ان شاء الله نمود و در برابر آنحضرت صلی الله علیه و سلم در همه اوقات موقوف  
 بود ای صلوة و ضرورت انسانی چون است و هفت روز از ماه گذشت و دید آنحضرت صلی الله علیه و سلم را که ثبات بود و او  
 بقضای دین فرمود که نزد این سی و دیر نرفته و خواست قضای من بکن اگر خوشی بیدار بود از اندیت عدم تعبدی او توقف نمود  
 و باز جواب رفت باز دید آنحضرت صلی الله علیه و سلم را و همچنان فرمود آن کس بیدار شد و همان اندیت رفت و ندانست  
 که بیدار از آنحضرت صلی الله علیه و سلم علامتی نه پرسید که دلالت بر صدق بویا کند باز بخوابید و بدولت رفت  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم فایز گردید پس فرمود بگو بعلامت اینکه رو میبویا بر من از طلوع فجر تا اطلاع ششم  
 هزار بار یا پنج هزار یا خدا را وایت پس بیدار شد و نزد این فریاد رفت اخبار کرد بر علامت آن و بیدار شو  
 بگویت و تقدیش نمود و گفت مرحبا برسول رسول الله صلی الله علیه و سلم و سالوات  
 هزاره و نیاز بر ادای دین و سه هزار دینار دیگر با و داد و گفت که هر شصت نزد من بیایا پس نزد قاضی رفت  
 و دین را طلبید و در بر ادای دین او بر آورد و باین ماجرا اخبار نمود قاضی گفت که من احق ام با دای دین تو از  
 این وزیر و نه طلبیده با و داد پس گفت که من احق از هر دو ام بترکین و از دین ابراهیم و قاضی از خود واپس  
 پس بدین بگفت و در برابر آنحضرت صلی الله علیه و سلم مالک هزار دینار شده رفت این ثمره را همه علماء ذکر کرده اند  
**مشاهیر** سبب صلوة و ستادن فرشتگان است بر مسلمانی چنانچه از روایت ابن صخر از طریق عامر بن  
 بریمه و از روایت عبد الرحمن بن عوف و غیره رضی الله عنهم مذکور شد و در روایتی آمده من صلی علی  
 صلوة صلی الله علیه و سلم ایکه عشاء و من صلی علی عشاء صلی الله علیه و سلم ایکه  
 مائة و من صلی علی مائة صلی الله علیه و سلم ایکه الف صلوة و لم تمس جده  
 النار هر که در روید بر من یکبار در روید خدایتعالی بر آنست و فرشتگان او ده بار و هر که در روید بر من  
 ده بار در روید خدایتعالی بر آنست و فرشتگان او صد بار و هر که در روید بر من صد بار در روید خدایتعالی بر آنست  
 و فرشتگان او هزار بار و هر که در روید بر من هزار بار در روید خدایتعالی بر آنست و فرشتگان او بیست و پنج

مکی و صاحب تحفه نالحمیه صاحب تحفه الغریب ۱۶ طهارت مذکوره سنت در حق مصلی چنانچه از روایت ابی یوسف  
 علی رضی الله عنه و از روایت ابن عمر مذکور کردید و از محمد بن القاسم مروی است بسند مفصل که چیزی از طهارت غسل  
 است و طهارت نهایی مومنان از آنکه در دو روایت صحیح است صلی الله علیه و سلم مذکور کرده اند این ثمره را همه علماء مکرر قریبی  
 ۱۷ سبب رتبت بخت است هر مصلی را و سبب او مکان خود و حجت قبل از موت و روایت کرده  
 جماعتی از محدثین که فرمود وی صلی الله علیه و سلم من صلی علی فی یوم الف مرة لم یمت حتی یشرب الجنة  
 درود که در برین بر روز هزار بار بخواند آن تن که بشارت داده شود و بهشت و در روایتی بجای حی تبارک الجنة حق  
 یرى مقعداً من الجنة آمده است یعنی نمیزد تا که بنشیند مکان خود و از خشت شیخ اجماع که حرمت الله گفته که این حدیث  
 منکر است ذکر کرده اند این ثمره را نیز علماء مکرر قریبی ۱۸ سبب رتبت مصلی است از مصلی ای روزی یا حجت  
 از روایت جمعی از محدثین مذکور شد یا ایها الناس انجاء ما اخرین ثمره را نیز علماء مذکور کرده اند مکرر قریبی ۱۹  
 سبب صلوة فرستادن آنحضرت صلی الله علیه و سلم است بر مصلی قریب یا بعد و کذا کلام سبب سلام  
 صلی الله علیه و سلم چنانچه از روایت ابی داود از طریق ابی بریره فرمود الله عنه مذکور شد بر فرموده است ابو موسی  
 مدنی من صلی علی صلوة جانی بها ملک فاقول ابلغه عی عشر و قل له لو كانت من هذه  
 العشرة واحدة لادخلت معی الجنة السابعة والوسطی و حلت لك شفاعة  
 ثم یصعد الملك حتی یشهدی الی الرب فیقول ان فلان من فلان صلی علی نبیک مرة واحدة  
 فیقول بسم الله تعالی ابلغه عی عشر و قل له لو كانت من هذه العشرة واحدة لما  
 النار ثم یقول عظموا صلوة عبدی ثم اجعلوها فی علیین ثم یخلق من صلواته  
 بكل حرف مائة الف تلافون و ستون راساً الحدیث هر که در دو و گوید برین  
 یکبار بسیار در نزد من آن صلوة را فرشته پس بگویم او را برسان آن بنده را از من ده صلوة و بگو او را که اگر بودی ازین  
 ده صلوة یکی بر آید و داخل شدی تو با من در بهشت مثل انگشت سبابه و مصلی یعنی بر این قریب لازم شدی مرترا شفاعت  
 من ستر بالارود آن فرشته تا که برسد نزد پروردگار یعنی بجل سناجا و تعالی پس بگو بدیدی فلان فلان درو  
 فرستاده بر پیغمبر یکبار پس بگوید خدا تعالی برسان آن بنده را از من ده صلوة و بگو او را که اگر بودی ازین ده صلوة یکی  
 بر آید ساس نکودی ترا تشرف و رخ پست بگوید و تعالی که بر مرکب آید در و بنده مرا پست کرد و انید از او علین پس  
 ید کنند از این صلوة مقابل هر حرف یک فرشته که باشد او را و شفقت سر الحدیث حافظ سخا و رحمه الله گفته  
 که این روایت بلا شک موضوع است شیخ اجماع که حرمت الله در کتاب منصف آورده که مرد نزد ابو الفضل بن  
 ریک خراسانی آمد و گفت در خواب پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را دیدم در جای که من در مسجد مدینه منوره آمدم و سخن



صلی الله علیه وسلم فرمود اقرأ علی ابی الفضل منی السلام بخوان بر ابی الفضل از من سلام پس گفتم یا رسول الله  
چرا بر وی سلام میکنی فرمود از برای آنکه او در دو میغوثند هر روز بر من صد باره اقرأ ابی الفضل استعظام آن مرد و من  
گفت اللهم صل علی محمد و آل محمد جزی الله محمدًا و علی الله علیه  
وسلم عنانها و اهلها این حکایت را صاحب تحفه الغریب نیز از شیرویه از عبد الله بن مکی از ابی الفضل  
نقل کرده شیخ ابن حجر حمزه انداز میگوید و غیره آورده که سلم بن شحیم روزی آنحضرت صلی الله علیه وسلم را دید  
کرد که ایاد سلام مردم بروی صلی الله علیه وسلم را و آنحضرت فرمود آری و من را بهار سلامی که ایاد سلام  
گفته که پس من ز قبر خریف وی صلی الله علیه وسلم اهدم سلام کردم پس از قبر شریف شنیدم و علیک السلام و نیز آورده  
که سید نور الدین بن عقیل ابی حمزه جواب سلم را ز قبر شریفی صلی الله علیه وسلم و علیک السلام  
یا ولدی شنید و صاحب تحفه الغریب نقل کرده که بعد از شیخ علی بن علوی حمزه اند چون السلام علیک یا رسول  
الله میگفت خواه داخل نماز باشد یا خارج آن جواب می شنید و علیک السلام یا شیخ این عامی غنی الله غنی بود  
که ثابت شده است که شاه صفیه الله کجراتی مدنی قدس سره نزد قبر صلی الله علیه وسلم بحضور گشته گفت السلام  
علیک یا جدی جواب آمد و علیک السلام یا ولدی این ثمره را ذکر کرده اند همه موقوفی و سخا  
مستمره سبب مجلس چنانچه در بعضی تأسیساتی عنهم مذکور شد ذکر کرده است این ثمره را  
ابن قیم و صاحب تحفه الغریب صاحب تریق الانوار در جلد هشتم **باب آمدن جنیبتی که فراموشی**  
باشد و فراموش نشدن جنیبتیکه یاده کرده چنانچه در حدیثی ضعیف آمده از الشیمری یا فصلوا علی  
تذکره ان شاء الله هرگاه فراموش کنید شامخیزی را پس رود و گوید بر من یا خدا بیدار او را اگر خدا  
خواست باز او را بی بریده را الله عنه مردی را که بتسبیخ خود فراموشی را پس یاده گوید و در و بر نبی صلی الله علیه وسلم  
ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه الغریب شیخ ابن حجر مکی این اگر چه در فصل فوائد ذکر کرده لکن در فصل موطن  
صلوة آورده است **باب در نشدن نقرت بر آورده است ابو نعیم ضعیف از سره رضی الله**  
عنه که بدستی آمد مردی نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم و پرسید که چه چیز اقرب اعمال است بهی حدای تعالی فرمود  
صدق الحدیث و اذاکا ما استی راسی سخن و او اگر در آن اوقات اقرب اعمال بخدای تعالی است  
گفتم یا رسول الله این زیاده بفرمای فرمود و صلوة اللیل و صوم الھواجر نایب یعنی تجد روز و در ایام  
شهرت که ما کنتم ازین زیاده فرمای فرمود و کثره الذکر و الصلوة علی تنفی الفقر الحدیث  
زیادت ذکر الهی و زیادت صلوة بر من و در میکند فقر را و نیز ضعیف آمده است که بدستی مردی شکایت فقر و تنگی  
معاشش بشن آنحضرت صلی الله علیه وسلم نمود و پس فرمود او را آنحضرت صلی الله علیه وسلم هرگاه در نیی بخانه خود

اسلام و در خانه کاشی باشد مستلام کن برین بخوان قل هو الله احد یارب یحیی و یموت  
 و زیاد کرد خدا تعالی رزق او تا که غنی شود و هر یک یک بار و اربعای خود و نیز ضعیف از این بر روزه رضی الله علیه  
 که فرمود و اخفرت صلی الله علیه و سلم من قراء القرآن بحمد الرب و صلی علی النبی صلی الله علیه و سلم  
 رَبِّهِ فَقَدْ طَلَبَ الْخَيْرَ مِنْ مَطَانِيرِ رُجُوعِهِ رَاوَسْتَانِشْ کَنْدِ پُرورد و کلر را و در دست برین صلی  
 الله علیه و سلم و طلب مغفرت کند از پروردگار و پس تحقیق طلب کند یکی را از جای های گمان آن در تحفه که گفته که مراد از  
 فقر عام است خواه حاصل شود بغیر از قلبی یا بجهول ثر و ظاهری ذکر کرده اند این ثمره را به علمای **۲۲**  
 سبب و روشن و صف بخل است از صلی زیر که مذکور شد الْبَخِيلُ مَنْ ذُكِرَتْ عَنْهُ وَكَمْ يُصَلِّ عَلَى  
 اقتضای حدیث که هر که صلوٰه گوید نزد و کردی صلی الله علیه و سلم بخل نیست و ذکر کرده اند این ثمره را صاحب  
 حدیث الا نوار و صاحب تحفه الغریب **۲۳** سبب نجات از دعا بر غم آنست زیرا که حدیث آمده  
 است که ترک صلوٰه نزد و کردی صلی الله علیه و سلم عیب است چنانچه در باب آینده خواهد آمد ان شاء الله تعالی  
 پس صلوٰه در وقت ذکر و صلی الله علیه و سلم موجب نجات از ان است ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحبان  
 حدیث الا نوار و تحفه الغریب **۲۴** سبب نکرده صلی است طریق جنت را چنانچه از روایت  
 از طریق ابن عباس رضی الله عنهما مذکور شد که ترک صلوٰه موجب خطا را جنت است و در باب آینده نیز خواهد آمد پس  
 اشتغال بصلوٰه سبب خطاست ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحبان حدیث الا نوار و تحفه الغریب  
**۲۵** سبب نجات از نین مجلد است اهل آنست چنانچه در باب آینده خواهد آمد که هر یک یک  
 از صلوٰه بنوی خالی باشد در روز قیامت اهل محبت خواهد بود و گویند که آن مردم از بدو ترین جیفه خا  
 باشند اشتغال بصلوٰه موجب است از ان است ذکر کرده اند این ثمره را صاحبان حدیث الا نوار و تحفه الغریب  
**۲۶** سبب محافظت کلام است از نقصان و عدم برکت چنانچه بر آورده اند جامعه محدثین  
 ضعیف که فرمود و اخفرت صلی الله علیه و سلم كُلُّ كَلَامٍ لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ وَيَبْدَأُ فِيهِ  
 بِالصَّلَاةِ عَلَى مَا وَافَقَ مَحْوٍ مِنْ كُلِّ بَرْكََةٍ بِرُكْلَا مِيكْ ذَكَرَهُ شَوْخِدَا تَعَالَى رَاوَسْتَانِشْ  
 کرده شود. ران بصلوٰه برین پس آنگاه بگوید و کاهیده شده از بر برکت او کرده اند این ثمره را ابن صاحبان  
 حدیث الا نوار و تحفه الغریب **۲۷** سبب نیابت بر هر اطوار و جوار از ان است چنانچه روایت کرده اند  
 بخند طرق که بعضی آنست از عبد الرحمن بن عمر رضی الله عنه که بر آمد بر ابراهیم خلیفه صلی الله علیه و سلم و گفت  
 اِنِّي رَأَيْتُ الْيَارْحَنَةَ عَجَبًا رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ مَتِي يَنْحَفُ عَلَى الصَّوَامِ قَوْصُوكْ  
 مَرَّةً فَجَاءَتْ صَلَوتُهُ عَلَى فَاحْذَثْ بَيْدَهُ فَاَقَامَتْهُ عَلَى الصَّوَامِ حَتَّى جَاءَتْ

بدستی دیدم و شب که نه بخوابی دیدم مردی را از امت من که مانده می شود بر طایکبار و میلز و یکبار و چوبک بران میزند یکبار  
 پش در و او که برین فرستاده بود پس گرفت دست او و قائم کرد او را بر هر طایک که گذشت از آن دور روایتی دیگر آمده  
 رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَرْعُدُ عَلَى عَرْسِهِ لَمَّا تُرْعِدُ السَّعْفَةُ الْجَانَّةُ صَلَوَاتُ عَلَيَّ  
 فَسَكَتَ رَعْدًا تَرُدُّدِيمُ مردی را از امت من که میلز و بر هر طایک چوبک میلز و شمشیر خست خرمالین  
 او را در و دیکه برین فرستاده بود پس از امید هشت نوزده او را ذکر کرده این ثمره را همه علماء مکررین فرعون قرطبی

**۲۹** سبب وج مصلی است انجفا چنانچه در باب اینده خواهد آمد که نفرستان و صلوته بر آن حضرت  
 شنیدن نکرده وی صلی الله علیه و سلم انجفاست پس صلوته موجب صیانت از آن خواهد بود ذکر کرده اند این ثمره را  
 ابن قیم و صاحبان حدیث الا نوار و تحفه الغریب **۳۰** سبب و ابقا نشانی است بر مصلی در میان  
 اهل سموات و ارضین زیرا که مصلی طالب ثوابی و تقوی و تکریم نبی صلی الله علیه و سلم است از جناب یا رب تعالی  
 و جزا از عیسای میبایس لا بدست اند این که حاصل شود مصلی را نوعی از آن ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحبان

تحفه الغریب حدیث الا نوار **۳۱** برکت در ذات مصلی و عمل او و عمر او و سبب مصلی است  
 مصلی داعی به برکت است بر وی صلی الله علیه و سلم و دعاستجاب جزا از بس آنست و نیز سابق مذکور شد که  
 صلوته بر مصلی الله علیه و سلم زکات طهارت مصلی است و ظاهر است که زکات متضمن برکت است شیخ  
 احسن کرمه الله در کتاب در منصفه نقل کرده که تاجری مرد و موسی مبارک التحفرت صلی الله علیه و سلم و مال نکره  
 گذاشت و دو پسرش او بودند هر دو احدیک سی شفیق و نصف مال گرفت و دیگری سی شفیق باقی ماند پس کلان بخت

که دوباره کند کوچکتر بر اجلان اعظام جناب نبوی صلی الله علیه و سلم از کسی تن آن امتناع نمود پس کلان بگو گفت  
 که برت موسی بجهه خود از مال بگیر و قبول کرده رفت و هر موسی مبارک را و حیثیت داشت و وقت از او برده  
 آن در و بر تحفرت صلی الله علیه و سلم میفرستاد و در اندک آن مال او زیاده شد و مال کلان هلاک دید و چون پسر  
 کوچک مرد بعضی صلی التحفرت صلی الله علیه و سلم در خواب دید که میفرماید مردم را که هر که حاجت بخود ایتعالی

باشد پس بیاید نزد قبر آن پسر و دعا کند حاجت بشناید پس مردم نزد قبر او می آمدند و حاجت خود میخواستند  
 آخر مزار او چنان مغرور گردید که هر که از آن میگذشت از مرکب و می اندوید و می رفتی ذکر کرده اند این ثمره را همه  
 مکر قرطبی **۳۲** غشبان حمت الهی است مصلی را و رفته از آن حسدن که فرمود تحفرت صلی  
 علیه و سلم إِنَّ لِلَّهِ سَيَّارَةً مِنَ الْمَلَائِكَةِ يُطْلَبُونَ حَقَّكَ فَإِذَا أَنْوَأَ عَلَيْهِمْ حَقَّكَ  
 ثُمَّ يَنْتَوُونَ إِلَيْهِمْ إِلَى السَّمَاءِ إِلَى رَبِّ الْعَرْشِ يَتَّكِرُ وَتَعَالَى فَيَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَعْتَدْنَا  
 عِبَادًا مِنْ عِبَادِكَ يَعْظُمُونَ كَلَامًا وَتَبَاؤُنَا كِتَابًا وَلَوْ يَسْأَلُونَ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم وَاٰلِہٖ وَسَلَّم وَاٰلِہٖ وَسَلَّم وَدُنَّیْہُمْ فَنَقُولُ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی عَسُوْہُمْ رَحْمَتِیْ  
 فَيَقُولُوْنَ يَا رَبَّ اَنْ فِیْہُمْ فَلَا نَالَ لِحَطَا اِنَّمَا اَعْتَقْنٰہُمْ اَعْتَقَا قَا یَقُوْلُ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی عَسُوْہُمْ  
 رَحْمَتِیْ فَمَ الْجَسَا اَلَا یَسُوْہُہُمْ حَلَسْمُہُمْ بِرَسْمِکَ مَرَدَا تَعَالٰی رَا اَسْتَ کَسِیْنَدَہ کَانَ اَوْ سَکَانَ سَیْطَلِنَدَہ  
 حَلَقَدَہ اِی ذَکَرِ اَلِیْسَ کَاہِ یَا سَیْنَدِہ اِنہَا یَعْنِی بَرَسَا یَنْکَلِیْہُ جَمْعُ شَدَہ اَنْدَہ بَرَا ی ذَکَرِ اَلِی حَاطَہ سَیْکَنَدَہ اَنْفَرِشْکَانَ اِی اَنْ  
 یَسْتَرْسِفُوْہُمْ رَا یَدُخُوْہُ رَا سَوَا اَسْکَانَ سَوَا ی رِبَا لَعْنَتِ یَعْنِی سَبُوْہُ مَحَلِّ سَنَاجَاتِ اِی سَیْکُوْہُ سَیْنَدَہ اِی بَرُوْہُ کَا  
 مَا اَدِیْمَ بَرَبْنَدَہ کَانِی اَزْبَنْدَہ کَانِی کَاہِ بَرَزْکَ سَیْدَہ اَنْدَہ نَعْمَتِہَا ی تَرَاوِیْخُوْہُ اَنْدَہ کَنْتَابِہُ دُوْہُ دِیْکُوْہُ یَنْدِہُ بَرَبُوْہُ تُوْہُ مَحْمُوْہُ صَلَّی  
 عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم سَوَالِ سَیْکَنَدَہ اَزْ تُوْہُ بَرَا ی اَنْزَلْ اَشْہَانِ دِیْنَا ی اَوْشَانِ سَیْکُوْہُ یَدِیْہُ تَعَالٰی یُوْشِیْدَہ اَنْہَا رَا حَمِیْتِ  
 یَسَیْکُوْہُ یَنْدِہُ فَرِشْکَانَ اِی بَرُوْہُ کَاہِ بَرَسْتِی دُوْہَا اَنْہَا سْتَ ظَلَانِ لَسْیَا کَنْہِ کَاہِ نَسِیْتِ مَرَدِہ اِیْخَہ سَبْتِ بَا اَنْہَا دَرَا  
 مِیْکُوْہُ یَدِیْہُ تَعَالٰی یُوْشِیْدَہ اَنْہَا رَا حَمِیْتِ سَنِ پَرَسَانِ ہَمْمَہُ شِیْنِ اَنْدَہ بَحْثِ کَرْوَدِہ بَا اَوْشَانِ ہَمْمِشِیْنِ اَوْشَانِ  
 ذَکَرِ کَرْوَدِہ اَنْدَا یَنْثَرِہُ رَا شِیْخِ اَبْنِ حَجَرِ کُمِی وَصَاحِبَا حَادِثِی اَلَا لَوَارِثُوْہُ اَلْغَرِیْبِ تَحْفَہُ تَا کَہِیْہُ سَبْتِ  
 دَاوَمِ مَحَبَّتِ مَحْصَلِی سَبْتِ مَرَا نِ حَضْرَتِ مَاصِلِی اَللّٰہِ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم وَزِیَادَتِ وَتَقْصَاعِ اَعْفَا نِ زِیْرَا کَا کَثَرَتِ ذَکَرِ مَحْبُوْبِ  
 وَاسْتَحْضَا اُوْہُ مَحَاسِنِ مَعَانِی جَالِبِہِ اُوْہُ مَوْجِبِ تَقْصَاعِ حُبِّہِ وَتَزَاوُیْدِ شَوْقِہِ اسْتِیْلَا اَصَابِہِہُ سَبْتِ  
 شِیْخِ جَزُوْلِی حَمْدِہُ اَللّٰہِ دُرُوْہُ لَایْلِ الْخِیْرَاتِ اُوْرَدَہ کَاہِ بَرَشِیْدَہ اَزْ اَخْفَرْتِ صَلَّی اَللّٰہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم کَاہِ اَمَامِ اَنْدَا اَلْجَمْعِیْنِ  
 اَلْ مُحَمَّدِہُ کَاہِ اَمْرُ کَرْوَدِہ شَدِیْمَہُ بَدَسْتِی اَنْہَا وَاکْرَامِ اَنْہَا دِیْنِیْہَا اَنْہَا فَرَمُوْہُ اَهْلُ الصَّفَا وَاَوْفَا وَاَمْنِیْنِ  
 وَاَخْلَصِ اَهْلِ صَفَا وَاَهْلِ وَفَا اَنْدِیْہُ کِیْہُ اَیْمَانِ اُوْرُوْہُ مَنِّ وَاَخْلَاصِ مَعُوْہُ دُرَا نِ پَسِ بَرَشِیْدَہ چِیْسَتْ عَلَیْہِ  
 اَنْہَا فَرَمُوْہُ اِنِّیْ اَنَا رَحْمَتِیْ عَلٰی کُلِّ مَحْبُوْبٍ وَاسْتَغَا لِبَاطِنِ یَذْکُرِیْ بَعْدَ ذِکْرِ اَللّٰہِ  
 عَلَامَتِ اَنْہَا اَخْتِیَارِ کَرْوَدِہ نِسْتِی مَنِّ اَبْرُہُ مَحْبُوْبِ وَاسْتَغَا لِبَاطِنِ سَبْتِ کَرْوَدِہ اَنْہَا اَعْلٰی اَدِیْہُ  
 رَا اِیْہِ سَبْتِ عَلَامَتِہُمْ اِذَا مَآ نَ ذِکْرِیْ وَکَلَا کَنْتَارِ مِّنَ الصَّلٰوۃِ عَلٰی عَلَامَتِ اَنْہَا  
 ہِمِیْشَہُ کَرْوَدِہ ذَکَرِ مَنِّ زِیَادَہُ کَفْتَنِ اَزْ مَعْلُوْہُہُ سَبْتِ مَنِّ مَحَبَّتِیْ صَلَّی اَللّٰہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم عَقْدِیْہُ سَبْتِ اَرْغُوْہُ وَاَیْمَانِ  
 کَاہِ تَا مَمْنِیْنُوْہُ اَیْمَانِ مَرَبَدَانِ اَلَا اَیْمَانِ لَیْنِ لَاحْتِیْلَہُ وَثَابِتِہُ شَدِیْدَہ کَاہِ اَلِیْہِ مَمْنِیْنِ عَمْرِیْنِ اَلْخَطَابِ  
 رَضِیَ اللّٰہُ عَنْہُ عَرْضِ کَرْوَدِہ اَللّٰہُ تُوْہُ دُوْہُ تَرَسْتِہُ نَزُوْہُ اَزْ جِزْیَرِہُ اَزْ خَسِیْنِ پَسِ مَرُوْہُ ی صَلَّی  
 اَللّٰہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم کَاہِ تَرَسْتِہُ مَوْمِنَا حَتّٰی اَکُوْنَ اَحَبُّ اِلَیْکَ مِّنْ نَّفْسِیْ بَا شَمِیْ سَوِیْنِ  
 تَا کَاہِ بَا شَمِیْ دُوْہُ تَرَسْتِہُ تُوْہُ اَزْ تُوْہُ پَسِ کَفْتِ عَمْرِیْہُ رَضِیَ اللّٰہُ عَنْہُ بَرَسْمِکَ اَزَلِ کَرْوَدِہ سَبْتِ تُوْہُ کَنْتَابِ  
 ہَا اِیْنِہُ تُوْہُ دُوْہُ تَرَسْتِہُ تَرَسْتِہُ نَزُوْہُ اَزْ خَسِیْنِ پَسِ مَرُوْہُ اَخْفَرْتِ صَلَّی اَللّٰہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم اَلَا اَنْ یَا عَمْرُہُمْ اِنَّمَا  
 اَلْحَالُ اَعْمٰی سَبْتِ اَیْمَانِ تُوْہُ اُوْرُوْہُ اَنْزَا بَخَارِیْ اَزْ حَدِیْثِ عَبْدِ اللّٰہِ حَسْبِیْ رَضِیَ اللّٰہُ عَنْہُ ذَکَرِ کَرْوَدِہ اَنْدَہ



این سه را بن قیوم و صاحبان تحفه الغریب و حلیق الانوار **۳۳** و سبب محبت وی صلی الله علیه و سلم  
 در صلی ازیر که صلوة دلالت دارد بر طاعت و انبیا و ائمه و موجب طاعت است مطیع را از کرده این شمره را نیز  
 قیوم و صاحبان تحفه الغریب و صاحبان الانوار **۳۴** سبب محبت و طاعت و حیات قلب است زیرا که  
 صلوة دور کننده زنگ دل است و زنگ عبارت است از اوصاف و ذل که سبب غفلت و موت است این است  
 زوال آن سبب و حیات دل باشد ذکر کرده اند این شمره را قریبی و صاحبان تحفه الغریب و صاحبان الانوار  
**۳۵** سبب و حیات شدن نام صلی مذکور است این و نزد آن حضرت صلی الله علیه و سلم  
 چنانچه از روایت ابی داود و نسائی و ابن جریر از طریق اوس بن اوس از روایت ابی داود از طریق ابی هریره  
 و از روایت هزار از طریق عمار بن یاسر از روایت ابن مسعود و غیره رضی الله عنهم سابق مذکور شد و نیز جماعتی  
 از محدثان برآورده اند که فرمود وی صلی الله علیه و سلم **اِنَّ لِلّٰهِ مَلَكَ كَاغْطَا اَسْمَاعِ الْخَلَائِقِ**  
**فَهُوَ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِي اِذَا مِتُّ فَلَيْسَ أَحَدٌ يُصَلِّي عَلَيَّ صَلَوةً اِلَّا قَالَ يَا مُحَمَّدُ صَلِّ**  
**عَلَيْكَ فَلَانَ بْنِ فُلَانٍ فَيُصَلِّي الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ ذَلِكَ الرَّجُلُ كُلُّ وَاحِدٍ**  
 عشر ابدستی که خدای تعالی را فرشته است که عطا کرده است او را اسماء همه مخلوق پس آن فرشته قائم  
 باشد بر قبر من چون بپرسم چیست پیچ یکی که درود گوید بر من درود گفتی مگر که گوید آن فرشته ای محمد درود  
 گفته است بر تو فلان بن فلان پس درود گوید بر درود کا تعالی بر آن درود قبل بر یک صلوة ده بار و در روایتی است  
**فَهُوَ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِي حَتَّى يَقُومَ السَّاعَةُ فَلَيْسَ أَحَدٌ مِّنْ أُمَّتِي يُصَلِّي عَلَيَّ صَلَوةً اِلَّا**  
**قَالَ يَا أَحْمَدُ فَلَانَ بْنِ فُلَانٍ يَا سَيِّدِي وَاسْمُ ابْنِي يُصَلِّي عَلَيْكَ كَذَا وَكَذَا وَهَمَنَ**  
**لِي الرَّبُّ اِنَّهُ مَن صَلَّيَ عَلَيَّ صَلَوةً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَاِنْ زَادَ زَادَهُ اللهُ**  
 پس آن فرشته قائم باشد بر قبر من تا که قائم شود قیامت است پیچ یکی که از امت من که درود گوید بر من  
 درود گفتی مگر که گوید آن فرشته یا احمد فلان بن فلان بنام آن کس نام پدر او درود و سیکوید بر تو چنین  
 و چنین و ضامن شده است برای من بود کار من که بدستی هر که درود فرستد بر من یکبار درود فرستد خدا  
 تعالی بر آن کس بار و اگر زیاده کند آن گزیده کند او را خدا تعالی درود خود و در روایتی صحیح آمده  
**اِنَّ لِلّٰهِ مَلَائِكَةً لَّيْحُونَ فِي الْاَرْضِ يَلْعَنُونَ فِي صَلَاةٍ مِّنْ صَلَوةٍ عَلَيَّ مِّنْ أُمَّتِي**  
 بدستی که خدای تعالی راست فرشتگان که می کنند در زمین لعنند مرا درود کسی که درود فرستد  
 از امت من و در روایتی حسن آمده **مَنْ صَلَّاهُ عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي بِمِثْلِ صَلَوةٍ مِّنْ صَلَوةٍ**  
**عَلَيَّ مَن يَعْبُدُ اَعْلَمْتُ لَهُ بِرَكَّةً** درود گوید بر من نزد تر من می شوم صلوة او هر که درود گوید بر من



در درنا پند شوم صلوة او یعنی بر ساطت ملک و در وین چنانچه در روایتی دیگر است مَرُكَهُ مِنْ  
 صَلَّى عَلَى عَنَدِ قَابِرِي سَمِعْتُهُ مَنْ صَلَّى عَلَى نَبِيٍّ أَيْ عِنْدَ أَوَّلِ صَلَاةٍ مَدَا  
 بَلَّغَنِي وَكَفَى مَرَدُّ نِيَاهُ وَآخِرَتُهُ وَكَنتُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدًا وَشَفِيعًا  
 هر که درود گوید بر من نزد قبر من بشنوم درود او هر که درود گوید بر من در جای که درودت مقدر کند خدا ای لعاب دار من  
 را که میرسانم از من درود و کفایت کند از دنیا و آخرت او را و باشم او را در روز قیامت گواه و شفاعت کننده  
 لفظ او بمعنی وادیت یا حقیقت خود است بر آن روید از آن حضرت صلی الله علیه و سلم یا تنکیک از راوی  
 از این احادیث که در باب فضیلت صلوة مذکور شد معلوم گردید که صلوة و سلام از درود با معنی و درود با ساطت ملک  
 و اگر نزد قبر زنی می شود آن حضرت صلی الله علیه و سلم بلا واسطه خواهد در شب جمعه یا غیر آن درود صلوة و سلام  
 مخصوص به زانیت بلکه بعد و قریب و راست چنانچه از عموم احادیث ظاهر شد و اما روایتی که طبرانی  
 اَتَى لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي عَلَى آتٍ بَلَّغَنِي صَوْتُهُ حَيْثُ كَانَ الْحَدِيثُ بِدَرَكِ  
 من نیست هیچ بنده که درود فرستد بر من مگر به میرسانم او را و از او هر جا که باشد پس عیسی اقی گفته که اسناد آن  
 صحیح نیست و نیز از آن احادیث معلوم شد که آن حضرت صلی الله علیه و سلم زنده است علی الدوام بر آن  
 از حال عادی است که زمانه از از منته خالی باشد از سلام کننده بر او صلی الله علیه و سلم و در شب جمعه و در روز  
 نیم خور و بر آن اجماع علمای است جای تعجب گفته اند که احب العلماء و شهداء و مؤذنین را این میخواند و بجهت رسیدن  
 عدم توجیه و آنها که در مشاهده آمده و حیات شهد اینقرآن کریم ثابت است ذکر کرده اند این  
 را شیخ ابن حجر و صاحب تحفه الغرب تحفه فاکهیه **سوره نوبت** در روز قیامت بر  
 صراط چنانچه از روایت ابی هریره و غیر او صلی الله علیه و سلم مذکور شد و نیز بر آورده و بیلی ضعیف که فرموده آن  
 حضرت صلی الله علیه و سلم زَيِّنُوا جَالِسُكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَى فَإِنَّ صَلَاةَكُمْ عَلَيَّ تَوْرِيحٌ  
 الْقِيَامَةِ ارْتَدَّ كَيْفَ بَكَتُمْ أَيْ فَرَسَادُونَ صَلَاةَ بَرِّسْتِكُمْ درود و شمار بر من نور است در روز  
 قیامت بر آورده ابو سعد شرف المصطفی که فرموده صلی الله علیه و سلم الصَّلَاةُ عَلَيَّ نُورٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 عَلَى الصِّرَاطِ الْحَقِّ درود بر من نور است در روز قیامت بر صراط ذکر کرده اند این نیز را شیخ ابن حجر که  
 و صاحب تحفه فاکهیه **سوره سبب ای اقل قلیل از حق و بی است صلی الله علیه و سلم و شکر نعمت**  
 ای که عالم فرموده است آنجا آن را بر ما اگر حقوق می صلی الله علیه و سلم از هر دو احصای بیرون است سعادت  
 وی تعالی که بخشش و کرم خویش را این اقل قلیل را ضعیف شده ذکر کرده اند این نیز را ابن تیم و صاحبان  
 حدیثی الا نوار و تحفه الغرب **سوره** صلوة تتضمن ذکر الهی است چنانچه سابق مذکور شد من



این عاصی عفی الله عنه نیز از حافظ السعدین محمد سعید انصاری خزر جی بخاری که درین حدیث از اعلام وقت  
 با بعضی از ائمّه تواتر میکند به بلده اراکات آمده بود رسیده الیک در آن آیه الکرسی یکبار بخود سوره اخلاص یا نوره بار  
 بعد از سلام درود هزار بار است و تعیین صغیر و نیست و نیز مرویست که هر که بگذارد و در شب جمعه در رکعت نماز  
 و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه سوره اخلاص و نیست و پنج بار و بعد از سلام بخواند درود بصیغه صلی الله علی  
 محمد بنی النبی الاُمّی هزار بار پیش از رسید جمعه دیگر بعد از حضرت صلی الله علیه و سلم را شیخ ابن حجر کلمی حمیه الله  
 گفته که برآورده است این روایت ابو موسی دنی و حال آنکه صحیح نیست و شیخ عبدالحق دهلوی گفته که از جریات  
 است و الله اعلم و اعمالی دیگر نیز بر تحصیل این سعادت بیان کرده اند و خلاصه همه استغراق ذکر آن  
 حضرت صلی الله علیه و سلم در ظاهر و باطن و اکناف صلوة و دوام توجه است و فقنا الله المستعان لذلك  
 آمین ذکر کرده اند این فخره را سخاوی و صاحبان تحفه الغریب و تحفه فالحید **در روایت**  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم در بیداری حبس تحفه الغریب شیخ عبد الوهاب بن فتح الله برو حی اسما  
 حاتم بن ابدل حمیه الله نقل کرده که مداومت بر صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم با آداب آن از حضور  
 و غیره سبب رویت آنحضرت صلی الله علیه و سلم است و رقیقه تذکره **در روایت** و جواز رویت  
 صلی الله علیه و سلم در بیداری خلاف است جماعه از علما محققین تجویز آن کرده اند و وقوع آن مراد یار  
 بحد تواتر معنوی رسیده حکایت کرده اند این ابی حمزه و بارزی و یافعی و غیر هم حمیه الله از  
 تابعین من بعد هم که آنها را دیدند وی صلی الله علیه و سلم را در خواب می بیند در بیداری و بر سینه از او غیب  
 خبر بر داده است وی صلی الله علیه و سلم بدان همچنان بود که خبر داده و این ابی حمزه گفته که این از جمله کرامات  
 اولیا است پس انکار آن مستلزم انکار کرامات اولیا است و امام محمد غزالی حمیه الله در کتاب منقذ گفته که ابرار قلب  
 در بیداری است بده میکنند ملائکه و ارواح انبیاء را علیهم الصلوة و السلام و انماع اصوات آنها و اقتباس  
 نو آید آن میکنند انتهی بالجمله وقوع رویت آنحضرت صلی الله علیه و سلم در بیداری مراد یار است  
 بتواتر رسیده کتب مناقب اولیا بدان مملو و شحون است نظرا بختصاص تعرض به آن مکرر شده و مخفی نماید  
 که از وقوع رویت بر جهت کرامات لازم نیاید صحت اطلاق لفظ صحابه بر آنها زیرا که صحبت شهادت و موت  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم حتا که رویت بعد موت قبل از دفن موجب است نیست پس مندرج شد و  
 بعضی علما که این شکل است پس اگر حمل بر ظاهر آن کنند لازم آید که آنها صحابه باشند و صحبت تا روز قیامت  
 ممکن باشد و نیز مندرج شد و قول بعضی که این رویت تلزم خروج و صلی الله علیه و سلم است از قبر مشی  
 او در احوال و خلق قبر از حد شریف زیارت قبر خالی و سلام بآنها که اگر کرامات اولیا است رفع حاجت  
 کشف

الحج خوانند از خواب بیدار شدند و اهل سفینه را تعلیم صلوة مذکوره نمود پس در خواندن آن مشغول شدند چنانچه  
 بار رسیده بودند که از آن بلا نجات یافتند و ذکر کرده است این ثمره را نیز صاحب تحفه الغریب **فصل ۲۸**  
 توفیق توبه و ثبات بر آن است و در تحفه الغریب گفته که شیخ زروق جمله اش در شرح خبر البجر نوشته است ذکر  
 الهی و صلوة رجب است در عالم صلی الله علیه و آله و سلم معین بر توبه و توبه در آن است ذکر کرده است این ثمره  
 را نیز صاحب تحفه الغریب **فصل ۲۹** و سبب دخول صلی الله علیه و آله و سلم بر سیاه عرش در روز قیامت است و است  
 کرده شده است که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم **ثَلَاثَةٌ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ**  
**يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ** **ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ قَالَ مَنْ فَرَّجَ عَلَيَّ مَكْرُوبًا مِنْ أُمَّتِي وَاجِبِي سَنِي**  
**وَأَكْتَرُ الصَّلَاةَ عَلَيَّ** کسی که سیاه عرش خدا را توفیق دهد و در روز قیامت آن را برایت  
 نباشد سیاه مگر سیاه خدا را توفیق دهد که نام آن کس یا رسول الله گفت سبب که در کند اندوه که  
 محنت رسیده باز امت من رزده گرداند و توفیق مراد زیاد کند و در برین حافظ سخاوی گفته که ذکر کرده است  
 این حدیث را صاحب منظم لیکن آنستند مراد از ابراهیم معتد که اینک صاحب در نسبت کرده است این  
 را که رضی الله عنه و آله ذکر کرده است آن را بر صاحب در نسبت کرده اند و غیره و بسوی غوی خلیج را حدیث  
 ابی هریره رضی الله عنه هکذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و در تحفه الغریب الشیخ  
 عبد الوهاب بن ابراهیم بن عنبث رحمه الله نقل کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دیدم و عرض کردم  
 که در قیامت قاش از روایت حمید از انس رضی الله عنه این حدیث را دیده ام حدیث مذکور ذکر کردی و این ذکر کرده  
 اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه الغریب و فاکیه **فصل ۳۰**  
 شدن روزی است میان قبر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و قبر صلی الله علیه و آله و سلم صاحب تحفه الغریب گفته که در بعضی نقلها  
 دیده ام که هر که سی و سه بار در بیضه اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوة تکرار کند و آن را در روزی که از آن برودیت حاصل  
 آید بخواند کشته شود و در قبر او بوقرآن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم روزی که از آن برودیت حاصل  
 سبب یک نبوی صلی الله علیه و آله و سلم مخطوط و متمتع کرد و در تحفه فاکیه از نوایسره جی همچنین نقل کرده  
 ذکر کرده اند این ثمره را صاحب تحفه الغریب و فاکیه **فصل ۳۱** و سبب از رحمت الهی  
 است صاحب تحفه الغریب ابی ابونان اصفهانی آورده که دیدم آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را عرض کردم  
 که یا رسول الله محمد بن ادریس فعی بن عم تو است آیا تفرسیا میدی مرا در از فرمود سوال کردم خدایتا  
 را که با او محاسبه بکنند گفت یا رسول الله این سبب چیست فرمود که وی برین درود میفرستاد  
 که کسی مثل آن نفرستاده گفت یا رسول الله آن چه درود است فرمود اللهم صل علی محمد و آل محمد







دیدم که سر پدر بنی بر خنجر چینی را که برای بی شکوه و بی لجنه مردی خوش رو و با لباس گل و ماهار او در دست  
 خود مردی بد من فرو برد و سر او را در دست گرفت که بیدار شود و بد نور روشن شده و بیایم و در کوفه  
 گفتم که تو کجای هستی محمد بنی الله علیه و سلم پس بیدار شدم و جامه زر و زعفرانی بدو شدم دیدم که روشن شده  
 و سیاهی دور گردیده پس از آن روز گفتن صلوة لازم کرده ام و بر کز ترکت میکنم و ذکر کرده است این ثمره را نیز صاحب  
 تحفه الغریب **فصل ۵۷** سبب کرم شدن مصلی است و از آخرت بعایت تاج و دیگر سازل سینه و اثاث علیه  
 نمیری و این شکوای آورده که مردی از اهل شیراز ابو العباس محمد بن منصور را بعد موت خواب بود که در محراب مسجد  
 جامع شیراز ایستاده و در بر جلوه بر من تاج مکه که است این مرد از و پرسید که خدایتعالی تو چه کرد گفت از من  
 گراخی داشت بعایت تاج و جنت معزز گردانید آن مرد پرسید که از چه چیز گفت بسبب کثرت صلوة بر کفایت  
 علیه الله علیه و سلم و از فقیه محمد بن محمد بن جابر رحمه الله نقل است که در خواب دیدم شیخ حسین بن اسماعیل سزا  
 در صورتی جمیل و مبتی شریف بخلاف صورتیکه در دنیا داشت پس گفتم او را که بچه چیز این منزلت یافتی گفت  
 بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم و این قبیل حکایات دیگر سابق مذکور شده اند ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه الغریب  
 بقدری تعاریر عبارت **فصل ۵۸** سبب ت برات از نفاق و از ناست پیشانی مصلی چنانچه آمده است  
 در روایتی که یکی از روایات آن مجهول الحال است من صلی علی عترت صلی الله علیه و سلم مائة و من  
 علی مائة کتب الله تعالی بین عینیه مائة من النفاق و براءة من النار و انسلت  
 الله یوم القيمة من الشک و ادع بر که درود گوید بر من ده بار درود گوید خدایتعالی بر آن کس صد بار  
 و بر که درود گوید بر من صد بار و نویسد استغاثان پر و شوم او برات از نفاق و براءة از آتش و درخ و ساکن گرداند  
 او را خدایتعالی در روز قیامت و شهدا ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه فاکیه **فصل ۵۹** سبب آنکه  
 در شهدا چنانچه از روایت مذکوره معلوم گردید ذکر کرده است این ثمره را نیز صاحب تحفه فاکیه **فصل ۶۰**  
 صلوة معادل عتق رقاب میشود روایت کرده است ابن ابی عامر من صلی علی کتب له بها عشر حسنات  
 و فحی عنه بها عشر سیئات و رفع له بها عشر درجات و کف له عذابی عشر  
 رقاب بر که درود گوید بر من نوشته شود و او را در مقابل آن ده نیکی باو محو کرده شود و او بد آن ده گناهان و بلند  
 کرده شود و او را بد آن ده درجه باشد صلوات بر او را بر برده رقاب از او کند و در راه خدایتعالی و سابق  
 از روایت ابن وهب کور شده **فصل ۶۱** مائین صلی علی عترت فکما أعفقت رقبة و در اثر امیر المؤمنین  
 ابی بکر صدیق مذکور شده که سلام بر و صلی الله علیه و سلم افضل از عتق رقاب است و در حدیث آمده است  
 که صلوة افضل است از عتق رقاب ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر و صاحب تحفه فاکیه و سخاوی ذکر کرده



[illegible]



ان کلمتا علیہ زبانا ثلاث ایام هر که در روز نوبت بر من مصلوۃ حکم فرماید خدا تعالی بر روز و شب هر که بر من مصلوۃ  
فصل فی رتبه از طرف حق تعالی باشد که نویسد بر آن کس که در نوبت و حافظ سخاوی رحمه الله گفته که رتبه این حدیث است  
صاحب خفیه فاکه که کسی میداند منع حافظین کتابت گناه مخصوص بدین مصلوۃ باشد خواهیم گفت که مختل این است  
لیکن فضل الهی است انتی این عامی عفا الله عنه میگوید که احتمال تحریف و کثرت خلایق را در نظر گرفته حدیث مذکور  
تصحیح است و در حدیث مذکور آمده اند این عمره را شیخ ابن حجر کی و صاحب خفیه فاکه که در سبب صحیح  
از دخول روایت کرده است من صلی علی صلوۃ واحده لم یصل الساجد حتی تعوذ اللان فی الصلوه  
که هر روز و در روز نوبت بر من مصلوۃ نه در ایدیش روزی که باز نیاید شیرستان یعنی چنانچه شیر از پستان برآید غود  
و پستان محال است همچنان دخول مصلوۃ را بشمارد حال آنکه حافظ سخاوی گفته که رتبه این حدیث تردید است و گفته است  
این عمره را شیخ ابن حجر کی **مسئله** در سبب صلی الهی است جل جلاله بر آورده اند جماعه بسند ضعیف که در روز  
انحضرت صلی الله علیه وسلم من سرکه ان یکتی الله راضیا و در روایت است و هو عنه مراض فلیکثر  
من الصلوۃ علی امر که خوش کند او را اینکه دعا می شود خدا تعالی را و حالیکه او تعالی از او راضی است پس باید که  
زیاده و رفتن از صلوۃ بر من شیخ ابن حجر کی گفته که در سبب این روایت شخصی منجم به کذب است و ذکر کرده اند این عمره  
را ابن قیم و سخاوی و شیخ ابن حجر کی و صاحب خفیه فاکه **مسئله** سبب آن از نسخ خدا تعالی است مرویت  
از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه که در بدستی پیغمبر خدا تعالی صلی الله علیه وسلم ذکر خدا تعالی نکردی ثواب نکردی  
بسو خدا تعالی که مصلوۃ بر او بخیزد اصلی الله علیه وسلم زیرا که بدستی شنیده ام پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم  
که میفرمود قال جبریل ان الله عزوجل یقول من صلی علیک عشر مراتب استوجب  
الامان من سخطی گفت جبریل ای محمد بدستی خدای عزوجل میفرماید که هر که در روز و شب نوبت ده بار سخطی  
آمان شود از نارضا مندی من سخط با نعم و بختین روزن عنق و به فتختین بر روز جبل نارضا مندی شیخ ابن حجر کی  
گفته که در سبب این حدیث شخصی منجم است و ذکر کرده اند این عمره را سخاوی و شیخ ابن حجر کی هر دو گفته **مسئله**  
سبب آن شدن میزان است روز قیامت بر آورده است ابن ابی الدنیا بسند کاذب که عبد الله بن عمر رضی  
الله عنهما ان لادم من الله موقفا فی فیج الغرث علیہ ثوبان اخضران کانه  
مخلد سحوقا یظن ان من یطلق به من ولده الی الجنة ویظن ان من یطلق به من  
ولده الی النار قال فیما ادم علی ذلک اذ نظر الی رجل من امته محمد صلی الله علیه  
وسلم منطلق به الی النار فینادی ادم یا احمد یا احمد فیکون الی البشر  
فیکول هذا رجل من امتک منطلق به الی النار فاشک البصر و لهری فی انوار الملائکه

واما ان رسول الله صلى الله عليه وسلم من العباد الذين لا ينصرون الله ملائكة  
 ملائكة الله الذين على الله جلاله وكرامته السبعون استقبلوا  
 بوجهه فيقول رب العرش قد وعده جنتك لاخرى في استحقاقها في الدنيا عند  
 العرش لا طبعوا حملوا ورواه هذا العبد في القام فاسخ من حيث يطعن فيه  
 كالاثر في كفاة اليزان التي في انا هو نعم الله فخرج الحسنات  
 على السيئات فينادي سعد وسعد جده وتقلت موازين انظروا به الى الجنة  
 فيقول العبد يا رسول الله في هذا العبد الكريم على بي فيقول يا ايها  
 وانه وما احسن وجهك فاحسن خلقك ان فقد اظنني عثرتي ورحمت عثرتي فيقول  
 انا انك تحمد وهذه صلواتك التي كنت تصلي على ولدك احم ما كنت  
 بدستك مادم عليه السلام من هذا اجتماعي است وروا في عرش برزخ وجاهه برزخ خداه  
 بيند بسوي كسك برده شود از اولاد او طرف جنت ويند بسوي كسك برده شود از اولاد او بسوي دروزخ پس انشا  
 از كذا باشد آدم عليه السلام برين حال چون بيند بسوي مدي را مت محمد صلى الله عليه وسلم كبر برده شود و او را بسوي  
 آتش و دوزخ پس كذا آدم ان حضرت صلى الله عليه وسلم را به يا احمل يا احمد پس كذا حضرت صلى الله عليه وسلم  
 ليسك اي پدر او ميان پس كذا آدم عليه السلام اين مدي است از امت تو كبر برده شود و او را بسوي آتش ان حضرت  
 پس كذا بتواضع هم بست يا احمل يا او هم شافت دري ان فرشتگان كه ميبرند آن بنده را پس عيم اي رسولان پروردگار  
 من باليتي پس كذا اينكه ايم فرشتگان غلاط شهدا يعني تحت گناه و نافراني نميكنم خداي تعالي را در آنچه فرموده  
 ما را و بجاي اريم آنچه بدان ما را بشويع پس چون نو ميشود دوي صلى الله عليه وسلم از استادن ان فرشتگان كه ميبرند  
 ريش مبارك خ و را بدست چپ متوجه شود بسوي عرش پروردگار و ريش خود را بسوي يدي پروردگار عرش تحقيق  
 كرده با من بانيكه فضيحتي مدام است من پس ايند از نزد عرش ان فرشتگان را كه فرمان برداري كنند محمد را  
 و صلى الله عليه وسلم و بارگردد اين بنده را بسوي ريش پس ارم او بر خود كاغذ پاره سفيد نداشت و بيندازم و در دست  
 ميزان را حاليكه بگويم اللهم پس كذا ان شود حسنت برسيات پس كذا كبر شود كه نيك شود و بهتر شود و شش او گران شد و بيا  
 او بر ديد او را بسوي محبت پس كذا اين بنده اي رسولان پروردگار من باليتي تا سخن كنم با اين بنده بزرگ نزد پروردگار من  
 پس بگويد پروردگار من فدای تو باد و چه چیز نيك كرده است روي تو را و بنگر كه هست خوي و خصلت تو را كدامي تو كه  
 جبر كوي عشت مرا يعني مساحت بخودي از بدی من حم كوي بر عشت بيكسي من پس بگويد دوي صلى الله عليه وسلم  
 و سلم من پس بگويد دوي صلى الله عليه وسلم و اين برود تو است كه ميغريستي اي بر من تحقيق و فاكروم جزيره كجاست تروود



بسوی آن صاحب دین زیور کتاب اعلام به عبد الباقی علیه الصلوة والسلام آورده اگر کرده این  
 از شیخ و سخاوای شیخ این حجر می باشد فاهیه **مسئله** و سلب این تشکیلی است و زیارت و استغفار  
 ابو القاسم بنی تومانی که در بارضی مشغول می کرده است خدا تعالی توبه علی بنی علی علیه الصلوة والسلام  
 موسی اگر نبودی که یک عمر در راهی بودی و با طهارت از دنیا رفتی و از دنیا رفتی ای موسی اگر نبودی که  
 عبادت من کند هفتاد و یک بار در این یک سال که گناه من ای موسی اگر نبودی که یک بار ای موسی و حدیث  
 را به راه دادی و این ای موسی چون ملاقات کنی سیدنا را پس بگو از آنها چنانچه می پسری اغیار را پس  
 این چنین کنی پس بدان آنچه در الله یا آنچه عمل کرده زین حال ای موسی یا دوست من ای اینکه کثیر تر تشکیلی در روز قیامت  
 گفت موسی علیه السلام ای آری هست منبایم آن پاکت وی تعالی را که فرموده صلوة محمد صلی الله علیه  
 و سلم ذکر کرده اند این ثمره را سخاوای شیخ این حجر می و صاحب فاهیه **مسئله** و سبب حال قریب  
 مصلحت است با و تعالی آورده ابو نعیم در کتاب جبله الاولیاء که خدا تعالی وحی کرد بسوی علیه السلام ای موسی یا  
 یحیی ای که باشم مرزبان و یکتر از سخن تو نیست زبان تو و زود یکتر از دهان تو و زود یکتر از روح تو  
 بن تو و زود یکتر از نور تو و زود یکتر از سبب تو گفت موسی علیه السلام ای فرمود و تعالی زیاده کن فرستادن صلوة  
 بر محمد صلی الله علیه و سلم و از این سبب رضی الله عنهما و در نظری آمده است که وحی کرد خدا تعالی بسوی علیه السلام و  
 ما تكون الی و اقرب منی اذا كثرت الصلوة علی النبی صلی الله علیه و سلم و در نظری می رسیده و  
 اقرب ما تكون انت منی اذا ذكرتني و صلیت علی محمد صلی الله علیه و سلم ابتدا این قبل  
 ازین مذکور شد و ترجمه آن نیز در اینجا مسطور گردیده است این ثمره را شیخ این حجر می و صاحب فاهیه **مسئله**  
 سبب ثواب است جنت جناحه و با حیارم از روایت ابن و داع مذکور شد اکثر که علی صلوة  
 اکثر که از واجبات الجنة و صاحب و منظم نیز از مذکور کرد لیکن حافظ سخاوای حمزه الله گفته که و این ثمره  
 بر آن بانموده کرده است این ثمره را سخاوای شیخ این حجر می و صاحب فاهیه **مسئله** و صلوة معاود و مقابله است  
 در راه خدا تعالی است آورده است دیلمی بسند ضعیف که فرمود و حضرت صلی الله علیه و سلم حجوا الفرائض  
 فانها اعظم من عشرين غزوة في سبيل الله وان الصلوة تعدل في اكله بكذا و زیاده  
 فرض پس استیکج بزرگتر است از بیست غزوه در راه خدا و بدین سبب که در دو برابر سبب آنهمه یعنی بیست غزوه  
 را و در روایتی آمده است من حج حاد الا سلام و غزا بعد ما غزا کثیر غزاة و یا رجعا  
 حج قال فانك ستقلب قوم لا یهدون علی الجهاد ولا الحج فاوحی الله عزوجل  
 الی ما صلی علیک احد الا کتبت صلوة یا رجعا غزاة کل غزاة یا رجعا حج مرة

کتب حج اسلام و بعد از آن یک تنوازه و خدایتعالی مبارک فرموده است که در مقابل چهار صد حج فرموده و صلی الله علیه و آله  
 که بعد از آن یک تنگ شده و لها کی سکنه فی فی دار جبریل و جبریل یسبح فی رتبه و حاجی و جل هو من  
 ایستاده و روزی که در کعبه ایستاده و در مقابل چهار صد حج فرموده و صلی الله علیه و آله  
 گفته که این بگویند است و اما در دفعه دیگر که کرده اند این عمره را شیخ ابن حجر مکی و صاحب فاکیه **م ۷۸**  
 صدقه و روزی که در کعبه ایستاده و در مقابل چهار صد حج فرموده و صلی الله علیه و آله  
 المصطفی که فرموده و صلی الله علیه و آله من صلی علی فی یوم مائة مرة کتب الله بها الف الف حسنة  
 و محی عن الف الف سئیة و کتب مائة صدقة مقبولة و صلی علی تم بلغتی  
 صلواته صلیت علیه كما صلی علی و صلیت علیه نالت شفاعتی بر که در روزی  
 برین روزی صد بار بخواند استغاثی امر آن کس در عرض آن هزار بار بگوید و بخواند از هزار بار گفته و بخواند  
 بر او هر صد صدقه مقبولة و هر که در روزی برین سبب بر آن در روزی که در کعبه ایستاده و در مقابل چهار صد حج فرموده و صلی الله علیه و آله  
 او برین در هر که در روزی که در کعبه ایستاده و در مقابل چهار صد حج فرموده و صلی الله علیه و آله  
 ذکر کرده اند این عمره را شیخ ابن حجر و صاحب فاکیه **م ۷۹** یکصد و نوبت صد حاجت است یا و  
 است یا یسئد منقطع من صلی علی صلوة واحدة قضیت له مائة حاجة که در روزی که در کعبه ایستاده و در مقابل چهار صد حج فرموده و صلی الله علیه و آله  
 برین یکبار و اگر در روزی که در کعبه ایستاده و در مقابل چهار صد حج فرموده و صلی الله علیه و آله  
 علی آل محمد مائة مرة قضی الله له مائة حاجة ذکر کرده است این عمره را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله  
**م ۸۰** صلوة اجاب است نزد خدایتعالی را آورده است یا یسئد منقطع من صلی علی صلوة واحدة قضیت له مائة حاجة ذکر کرده است این عمره را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله  
 و سلم قلت لحزین الی الاعمال احب الی الله عز و جل قال الصلوة علیک یا محمد  
 و حب علی بن ابی طالب گفتم جبریل را که کدام است ترست نزد خدایتعالی گفت جبریل که دوست  
 ترین عمل در روز است بر تو ای محمد و دوستی علی بن ابی طالب است ذکر کرده اند این عمره را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله  
**م ۸۱** صلوة نسبت می است یا و ده است یا یسئد منقطع من صلی علی صلوة واحدة قضیت له مائة حاجة ذکر کرده است این عمره را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله  
 بحالکم بالصلوة علی فان صلواتکم علی نور یم القیمة زینت در استکی و محبیهایی شمار ابو  
 برین رسید که در شمار برین نور است شمار و در قیامت روایت کرده است از امام مویدین غایتی صدقه و  
 المؤمنین عمر الخطاب رضی الله عنهما زینت و محبیهایی شمار ابو استادن صلوة بر غیر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده  
 این عمره را شیخ ابن حجر مکی و صاحب فاکیه **م ۸۲** برکت و فائده صلوة یا یسئد منقطع من صلی علی صلوة واحدة قضیت له مائة حاجة ذکر کرده است این عمره را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله  
 در وی است از خدیفه رضی الله عنده و صلی الله علیه و آله در روزی که در کعبه ایستاده و در مقابل چهار صد حج فرموده و صلی الله علیه و آله

این عمره را سخاوای حج این حج می دینا تحفه فاکیه لیکن حبا تحفه فاکیه که برکت بیاچهار شت می رسد و آن را حضرت  
مکه را معاهدیت و الله اعلم **مسئله ۸۲** عیب سوم سوال است از مفروضات ذکر کرده است محمد الدین  
فیروز آبادی از ابی الفتح از دی از طریق ابن مسعود رضی الله عنهما گفت وی صلی الله علیه وسلم من حج حجة الاسلام  
وزار قبری وغرا غرة وصلى على في بيت المقدس لم يسأل الله في ما افترق علي به  
بکنار حج اسلام زیارت کند قبر او جنگ کند و راه خدا بگشاید و درود گوید برین بیت المقدس الی نحو اینها که در او را  
خدا تعالی در آنچه فرض کرده شده است را ذکر کرده است این عمره را نیز حج می **مسئله ۸۳** عیب چهارم احتیاج است نزد  
موتیر که صلوة دفع بیات کافی می باشد چنانچه سابق مذکور شد و شدت سکر است موتیر از بهات است و ذکر کرده  
است این عمره را حبا تحفه فاکیه **مسئله ۸۴** عیب پنجم در مصلی را ذکر کرده است این عمره را سخاوای حبا تحفه فاکیه  
**مسئله ۸۵** عیب ششم بر اعدا است ذکر کرده است این عمره را نیز سخاوای حبا تحفه فاکیه **مسئله ۸۶** عیب هفتم  
منع اغتیا ب مصلی است ذکر کرده است این عمره را نیز سخاوای حبا تحفه فاکیه نقل عن السخاوی **مسئله ۸۸** عیب هشتم  
درود بر جوف کون شست ذکر کرده است این عمره را نیز سخاوای حبا تحفه فاکیه **مسئله ۸۹** عیب نهم در آمدن مصلی است حیاتی است  
حضرت صلی الله علیه وسلم ذکر کرده است این عمره را حبا تحفه فاکیه **مسئله ۹۰** عیب دهم الطبع و اتعاش صورت  
کریمه آن حضرت است صلی الله علیه وسلم و نفس صلی این از اجل فواید اعظم ثمرات است ذکر کرده است این را صاحب ابق الالواء  
بدانکه نو عمره که از اول باب تا اینجا مذکور دید آن را علما نیکه اسامی آنها را در اول باب ذکر شد در سبک ثمرات منتظم گردانید  
و از اینجا تا آخر باب تحریجات این عاصی کانی الله له بقید علم می آید **مسئله ۹۱** عیب یازدهم سبب معرفت آنحضرت  
صلی الله علیه وسلم مصلی را بر جوف آورده است شیخ ابو عبد الله جزوی رحمه الله در دلائل الحیات و قاضی عیاض و  
جلال الدین سیوطی در مناهل الصفا لکن ذکر نکرده اند مخرج آن که فرمود وی صلی الله علیه وسلم لیوردن علی  
الحوض یوم القيمة اقوام ما اخرتهم الا بکثرة الصلوة علی بر اینها وارد شوند بر جوف کون  
را در روز قیامت مردمانیکه تفهم آنان را که کثرت صلوة بر من **مسئله ۹۲** عیب شانزدهم ضحک تعالی است  
بر مصلی روایت کرده است نسائی در سنن کبیر از ابن مسعود رضی الله عنهما که فرمود وی صلی الله علیه وسلم یضحک  
الله الی مرجلین رجل لقی العدو وهو علی فرس من امثل خیل الصحابة فانهم رموا  
و ثبت فان قتل استشهد و ان بقی فذاک الذي یضحک الله الیه و رجل قام  
فی خوف اللیل لا یعلم احد قوضا فاسبح الوضوء حمد الله بحمده و صلی علی النبي صلی الله علیه  
وسلم و استفتح القرآن فذاک الذي یضحک الله الیه یقول انظروا الی عبدی  
قام لا یراه احد غیرنی ضحک سیکند خدای تعالی بدو کس از آن مردیکه طاقی شد و شمن در حالیکه



سوار است بلکه از مشایخ ترین ایشان در این خود پس بختند و آن کس که در این کسب شده ان شاء الله  
زند و اما پس از آنکه بگوید صبح میکند خدایتعالی بدو دو رکعت از آن روایت که بخاست و در میان شب و حالیکه اگر  
نباشد بدان هیچ کس پس وضو کرد و وضو کامل بیدار کرد و خدایتعالی را بخواند و در وضو دست او بر نبی صلی الله علیه  
و آله و قرآن یعنی خواند قرآن مشغول شد پس آنست که صبح میکند خدایتعالی بدو دو رکعت میگوید ملائکه را  
ببیدار بیدار من در حالیکه قائم است نمی بیند و در هیچ کس سوای من **مسئله ۹۴** و بخت کثرت آن  
صبح است پیش از آمدن شب بخت کثرت آن شب است پیش از آمدن صبح و آیت کرده است من صلی علی  
مسا غفر الله له قبل الصبح و من صلی علی صاحبنا غفر الله له قبل ان یمنی که  
در دو رکعت پیش از آمدن صبح و در دو رکعت پیش از آمدن شب و در دو رکعت پیش از آمدن شب و در دو رکعت  
است این حدیث را شیخ ابن حجر می حافظ سخاوی گفته که بر اصل آن واقف نشدم **مسئله ۹۵** و بخت  
در آسمان و سرادات است چنانچه قبل ازین حدیث مذکور شد فاذا استغفروا الذکر ففتحت لهم ابواب  
السموات الحدیث و شیخ ابوعبدالله جزوی در دلائل الخیرات گفته که مذکور است در بعض اخبار ان العبد یومر  
او الامة المؤمنة ان یبدأ بالصلوة علی محمد صلی الله علیه و سلم فتحت له ابواب السموات و السلام  
حتى الى العرش فلا یبقی ملک فی السموات الا صلی علی محمد و یتستغفرون لذلك العبد او الامة  
ما استاء الله به و استیک عبد یومر ان یمتحن بصلوة محمد صلی الله علیه و سلم کساده مراد و در  
آسمان و سرادات یعنی حجابها و پرده تا بعرض پس منی ماند فرشته در آسمانها ملائکه در دو رکعت محمد صلی الله علیه و سلم و طلب  
مغفرت میکنند بر آن بنده یا داده تا که خدایتعالی خواسته باشد **مسئله ۹۵** و بخت بر چشم آن حضرت صلی  
الله علیه و سلم حکایت کرده است ابوبکر بن قمر که حمد الله که مراد از صلوة حدیث فجعلت قرة عینی فی الصلوة  
صلوة خدایتعالی و ملائکه و امور این است بدان استیر که چون او دعا خیر قطعی او بصلوة خود ملائکه و امور و امت را تا  
بقیامت بصلوة پس حاصل شد و صلی الله علیه و سلم را بدان قره العین یعنی بر چشم پس فرمود که گردانیده شده است  
تا زکی و خلی چشم من بصلوة یعنی در **مسئله ۹۶** و بخت بر دانه و حق مصلی است بر آورده است طبری که فرمود  
ان حضرت صلی الله علیه و سلم من قال لا اله الا الله لا یضر مع الله شیئ سجنان  
من لیس له شیئ سجنان الذي سخر لنا هذا وما كنا له بمقربین وانا الى ربنا  
لمنقلبون و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علیه و سلم و علیه السلام قال  
الدائم ببارک الله عليك من مؤمن خففت علی طهرته و اطعت بأك احسن الی  
نفسک ببارک الله فی سقرک و انما حاجتک هر که که بدو چون سوار شود بر لبسم الله الذي

لا یضرب مع اسم الله شیئی الا یزید البرکة و خدا تعالی تو را دردی آنکه مومن است تخفیف می بر  
 من حاجت کردی و کار را در یکی نمودی بسوی نفس خود برکت داد و خدا تعالی در سوره و روان حاجت تو  
**مسئله ۹۷** سبب دفع وسوسه شیطان شر است حدیث آمده است یا یحیی من شر ذلک الشیطان  
 و شر وسوسته فلیک الی الله فی دفعه متوسلاً الیه بالصلاة علی نبيه صل  
 الله علیه وسلم هرگاه خوف کرده و از بدی آن شیطان بدی سوسه پس باید که ای کس بسوی خدا تعالی  
 بر آید آن در حالیکه سوره جویده است بسوی تعالی به صلوة بر پیغمبر و صلی الله علیه و سلم **مسئله ۹۸**  
 اقبال خدا تعالی است بسوی مصلح چنانچه سابق در حدیث مذکور شد و اقبل الله عز و جل بوجهه مالم  
 یخوضوا فی حدیث و یتفرقوا الحدیث **مسئله ۹۹** سبب تحکم آن حضرت صلی الله علیه و سلم  
 با مصلی در روز قیامت چنانچه سابق در حدیث نقل میزان مذکور شد فیقول انا نبیک محمد و هذه صلوة  
 الی کنت تصلی علی وقد اوفیتک حق ما کنت الیهما معین سابق مذکور شد **مسئله ۱۰۰**  
 سبب لزوم آن حضرت صلی الله علیه و سلم محتاج را بسوی مصلی که حاجت آن محتاج آورد  
 مصلی انجام یابد و آن منی با اختصاص مصلی است یا بنجاب است یا صلی الله علیه و سلم چنانچه در بیان تفصیل  
 حوالی حکایتی از کتاب تلمیسانی مذکور شد و در تحفه الیوب کتاب بغیة المستفید اخبار مدینه زبید نقل کرده که مرد  
 نزد حسین بن سلامه آمد و گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم مرا نزد تو فرستاده است که تا عطا کنی مرا هزار بار  
 حسین بن سلامه گفت مرا نزد که شایطیان باین صورت در نظر تو متمثل متشکل شده است آن مرد گفت که آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم آگاه کرده است امر ابراهیم که جزو کسی و اندو آن اینکه تو بر شنب خجابه روی ناکه صد بار درو  
 بروی صلی الله علیه و سلم نگوئی حسین بن سلامه میگوید گفت که راست گفتی از بیست سال خبر خدا کنی من امر  
 مطلع نیستم و او را هزار و نیاورد و نیز از محمد بن مالک حکایت کرده که برای تحصیل علم نزد ابی بکر بن مجاهد متوی  
 میگرد و در فتم روزی ما چند کس قرأت کتاب بودیم پیر مرد نزد ابن مجاهد آمد و دستار قمیص و چادر کهنه و آبیخ  
 بزری تعظیم اوقیام نمود و در مکان خود نشاند و از حال او و صلیا او استخبر نمود آن مرد گفت که امشب بولودی  
 را بیداشته اهل بیت از من روغن غسل و خواست کردند و من مالک رفتم که بدان کار روا کنم ابو بکر بن مجاهد گفته  
 پس اند و بیکشدم چون بخواب فتم دیدم آنحضرت صلی الله علیه و سلم را که میفرماید چرا اند و پشیمانی میثوی نزد  
 علی بن عیسی و زیر خلیفه و از من سلام برسان و بگو که علامت اینک بر شنب جمع تو بخواب کنی روی ناکه هزار بار درو  
 رسن نگوئی و این جمعه مقصد بار درو و خوانده بودی که رسول خلیفه آمد و تر اطلب و پس رفتی و بعد مراجعت  
 نام هزار کرده خفتی باین پیر مرد و یکصد و نیاورد که تا بمصلح خود بر دزد پس ابو بکر آن پیر مرد را همراه خود گرفته



نزد و دریافت گفت ایمن و ایمن خدای الله علیه و سلم نزد تو فرستاده او را بر ایستاد و او را در مکان خود نشاند  
 استغفار نموده و بعد از آن خوشی دید و دیده در سایه طبعیدان صندلیار بر نود و پیر مرد و جوانی که با او می کرد  
 از کوفتن آن اشاع نمود و زیارت کبری که زیارت کرد و این خبر صادق حالا آنکه این شخصی بود میان من و خدا یعنی  
 رسول رسول خدا صلی الله علیه و سلم بار خدایا بر آورد و گفت که بگو در مقابل بشارت ما و آن تو بعلم حضرت صلی الله علیه  
 بد و در من برو صلی الله علیه و سلم بر شنب جمعه پسین آورد و صید رو بگو و گفت که بگو در مقابل تعشیدن تو در آمد  
 ما بمن قسم صید و نیار آورد و ما که هزار دینار شد و شیخ گفت که نکیم مگر آنچه امر کرده است بگفتن آن رسول خدا  
 صلی الله علیه و سلم و در باب کیفی صلوٰه حکایتی از همین از سلطان محمود سبکتگین مذکور خواهد شد انشا الله  
**پانجم و در ذکر عقوبات ترک صلوٰه عقوبات و قبا که**  
 بر ترک صلوٰه تترتب می شود نیز بسیار اند از آن جمله که سید که در آن حضرت صلی الله علیه و سلم شنیده و درود بر او  
 بعد از خد و رسول و آتم الا انک شغی و مستحق و خوار و مدعو علیه و بحق از جبریل و صلی الله علیه و سلم است  
 بر آورده اند جمیع از حدیثین که فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم اصحاب حاضر شوند و بمن که نوطیار شده بود  
 حاضر شد چون صلی الله علیه و سلم بر هر چه اول فرمود این ستر بر آمد بر هر چه دوم گفت این ستر بر آمد بر هر چه  
 سیوم گفت این چون از بمن نزول فرمود صحابه رضی الله عنهم سوال کردند که یا رسول الله امر و شنیدیم از تو آنچه بسیار  
 شنیدیم پس فرمود ان جبریل عرض لی فقال العبد من اذکرک رمضان فلم یعقر  
 له قلت امین فلما رقت التائیه قال العبد من اذکرک البؤیه الکبر عندہ افقر  
 الکبر فلم یدخله الجنة قلت امین و من ذکرک عندہ فلم یصل علیک فابعد  
 الله قل امین فقلت امین بدستی جبریل عرض کرد ایست و در بار خدایا بگفت که سید که در آن  
 رمضان را پسین شنیده و او را یعنی آن عبادت الهی نکرد و مستحق و خوار و مدعو علیه و بحق از جبریل و صلی الله علیه و سلم است  
 گفت جبریل بگفت که در یاد ما و در یاد او را پسین نزد یکی از ما و در یاد او را پسین در یاد او را پسین در یاد او را پسین  
 یعنی خدمت آنها نکنند و مستحق و خوار و مدعو علیه و بحق از جبریل و صلی الله علیه و سلم است  
 رویش ضعیف است اگر چه این جهان تو یقین باور کرده است و بر که ذکر کرده شعی نزد او پسین و در نفس تدبر تو پسین و در  
 خیر و ملاک کرده است او را خدا تعالی بگو امین پس گفت امین مخفی نماید که عدم مبارک بگفتن امین قبل از درین  
 قرینه از آنست که وی صلی الله علیه و سلم برای ذات شریفه خود از هیچ استقام نمود مگر ترک الهی و اما مبارک بنامین پس  
 از او در وایا میگردد که ایند و کو خواهد پس لم یطو ترک الهی است بتعظیم آن حضرت صلی الله علیه و سلم حکما قال الشیخ ابو  
 جعفر المکی رحمه الله و در روای ضعیف که سبب این بدید حسن است آمده که چون آن حضرت صلی الله علیه و سلم بر سر نشست

[illegible]

[illegible]



گفته است خدا تعالی بخوانید مرا آتجابت کنم و تاراجا سخاوی گفته که واقف نشدم پس آن ابو سعید شرف الصلوة آورده که من  
عالمه صدیقه رضی الله عنها بشی روقت سحر خیزی میدو سنون کم گشت پیرایه و دو پس تشریف آوردن حضرت صلی الله علیه و سلم  
خا بنوردی صلی الله علیه و سلم روشن گردید و سوزن یافته شد پس عایشه صدیقه رضی الله عنها گفت از راه تجم که چه چیز روشن کرده  
روی ای رسول خدا آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود و بلای است که کسی ندید مرا در روقیات عایشه رضی الله عنها گفت که ام  
کشن پسند ترا فرموده پس در انجیل المؤمنین رضی الله عنها گفت که انجیل فرموده که در نوک بدین چنین شنود نام را بر آورده  
و یلی حبیب العبد من الجلال اذ کثرت عنده ان لا یصلی علی بنده بنده را انجیل این قدر که چون یاد کرده ام  
نزد او در نوک بدین هر چه را الله عنه بطریق ارسال است و بحسب المؤمنین من الجلال ان ذکر عنده فلا یصلی  
بست من انجیل این قدر که یاد کرده ام نزد او پس در نوک بدین در لغتی است کافی به شحان ان ذکر عنده رجلا فلا  
علی صلی الله علیه و سلم کافی است مومن را انجیل این قدر که یاد کرده ام نزد او پس در نوک بدین شیخ ابن حجر گفته که  
راویان این حدیث ثقات اند و روایتی است الا آخر که با انجیل الناس الوابی یا رسول الله قال من ذکرک  
عنده فلا یصلی علی صلی الله علیه و سلم آگاه باشد خبر میدهم شما را به انجیل تریان پس گفتند صحابی یا رسول  
خبر چی ملا بدان گفت هر که یاد کرده ام نزد او پس در نوک بدین منجیل در لغت عبارت است از مسیاجیری گفتند استحقاق  
و در بخار و اوزان کاسل و اون از فرستادن صلوة کما قال الشیخ ابن حجر المکی از انجیل است کسی که  
آن حضرت صلی الله علیه و سلم نشود و در نوک بدین ذکر کرده است ابو نعیم حلیه که روی گذشت از آن حضرت صلی الله علیه و سلم و ما  
ابو نو که سگار کرده آورده ان ابو نعیم تریان در جل جلاله سخن آید و گفت یا رسول الله ما اولاد است و انبار تریان میدهم و انبار  
کرنته اند کم این در که اند تا که گفته انبار تریان او با زانم آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود اگر خود نکنی پس باید کرد ابو گفت  
اگر خود نکنم گفت کن و اخذ ایستای مثل کسی که تو پیش او ذکر نشوی رو و تریان با شتم مثل کسی که نماز کرد و دعا نکرد پس  
ان حضرت صلی الله علیه و سلم ان مروافرو که را کن من ضامنم پس اگر در او تریان با زانم پس با جبریل علیه السلام گفت  
ای محمد خدا تعالی تو سلام بخواند و یغایم بغت بزرگی من که بر این من مهربان ترم بهت تو از این تو نسبت با و لا و او من  
با زانم انبار تریان تو بخانه با زانم تو بسو تو صلی الله علیه و سلم از انجیل تریان مردم است کسی که ذکر آن حضرت صلی الله علیه  
و آله و سلم نشود و در نوک بدین آورده است ابو سعید که گفت وی صلی الله علیه و سلم الا انک علی خیر الناس شکر الناس  
و انجیل الناس و اکمل الناس و اکام الناس و اسرق الناس قیل یا رسول الله یلی قال خیر الناس  
من استفع بالناس و شکر الناس من یسعی باخیه السلام و اکمل الناس من یرقی بیلده و لم ینذر  
الله بلسان و جوارح و اکام الناس من ذکرک عنده فلا یصلی علی و انجیل الناس من یحلی بالناس  
علی الناس و امر الناس من سرق صلوة قیل یا رسول الله لیف یسرق صلوة قال لا یقرکوها

[illegible]



بدون درختی و جل و بدن و در بر نبی صلی الله علیه و سلم که برخاسته آنها را بدو ترین مرداران اجماع  
درود نوست بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم نیست بر آن کس را بدین آورده است هر روزی صد یکده ران شخصی غریبی است  
که گفت ای صلی الله علیه و سلم من لم یصل علی فلا ین له بر که درود نوست بر من نیست من و دراز اجماع  
کسیکه درود بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم نوست نه بیند روی صلی الله علیه و سلم را چنانچه قبل ازین از ابی سعید را  
المومنین علیه رضی الله عنهما نکرشده نیکو روی را الله عنهما روی است که فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم که اگر  
و جبهی ثلاثه انفس العاقب الوالدیه والدیه و الدار لشی من لم یصل علی اذا کثرت بین یدیه  
بنید روی را کس کما نافران را بری کنده و الدین را یم ترک کنده است و طریقه من یموم کسیکه درود نوست بر من  
یاد کرده و پیش از باب مفت و تفصیل مواقع صلوٰۃ ویر یک شب است مقام  
اول در مواقع خوب صلوٰۃ اول نزد دروی صلی الله علیه و سلم ابو جعفر طحادی و صاحبان محیط و حنفیه  
و متغیر از حنفیه ابو عبد الله حلی و استاد ابو اسحق اسفلهانی و شیخ ابو حامد غسانی از شافیه طرسوی و ابن عربی و  
فاکهانی و جمعی از مالکیه و ابن بطره از حنبلیه قایل اند بوجوب صلوٰۃ نزد دروی صلی الله علیه و سلم بار اگر چه در مجلس احدی  
به حدیث رغم انف نسبت بخج تار آن و بعضی قایل اند بوجوب آن در مجلس یکبار اگر چه بکرم شود ذکر او صلی الله علیه و سلم  
حکایت کرده است آن را از بخشی و توحیه کرده اند باینکه لازم آید تسلسل و صورت دیگر از زیرا که هر درود شتمی نام و  
صلی الله علیه و سلم است و ذکر نام او بوجوب صلوٰۃ است ایم گفت که بعضی تسلسل نمیشود زیرا که چون کسی نام آن حضرت صلی  
الله علیه و سلم تلفظ کرد و بعد در و فرستاده صلی الله علیه و سلم علی حمد لازم نیست صلوٰۃ و دیگر تلفظ این صیغه زیرا که نام  
او مقرون بصلوٰۃ است غلا اشکال و الله اعلم حکایت کرده است ناصی عیاض از حنفی که واجب بر هر  
که نزد دروی صلی الله علیه و سلم خضوع و تود و تسکین از حرکت نماید غالب اند بخود بیت و اجلاوی صلی الله علیه  
و سلم که با هر که متاد بر سر نیکو خداست بای بدان ما را آری که است یمنی و عادت سلف صالح او ایمه و صیغه  
است که مالک رضی الله عنه در وقت نزد دروی صلی الله علیه و سلم سقیمه اللون و سخن میزد چون این حالت مجلس او شب  
اگر است از سوال کردند او گفت اگر بنشینم آنچه منم انکار من نخواهید کرد حکایت کرد از ایمه سلف که خود را  
طایفه شده در و ذکر وی صلی الله علیه و سلم میکردند یا رنگ آنها را در پیشد یا زبان در من خشک میکرد و بیهت ذکر وی  
صلی الله علیه و سلم انتهی این عاصی غفی الله عنه حد خود را بموره دیده که در وقت فکر احوال آن حضرت صلی الله علیه  
و سلم میکرد و از او تغیر میشد حرم و غیر علماء مذکورین قایل اند باستجاب صلوٰۃ نزد دروی صلی الله علیه و سلم  
و ویم بعد شهید آخرین از اسلام یعنی شهید یکدیگر بدان نماز تمام میشود اگر چه شهیدان بدان نباشد اجماع است  
بر بر و عیت صلوٰۃ در آن مذہب امام شافعی و اسحق بن راهب و وجوب است و عدم صحت صلوٰۃ بدون آن چنانکه بر آن حضرت

صلی الله علیه و سلم نیز واجب بود و امام احمد بن حنبل نیز در آخر جوع بان کرده و نزد خفیه و جامه ایست و آنست قول  
 صحیح از مذنب الیه طحاوی و این نیز خطابی مبالغه دارند در انکار قبول شافعی قاضی عیاض و شافعیان او شان شده و  
 شافعی بنده و ذکریه گفته که مردم بروی شافعی کرده حافظ بن الدین عیاضی از اکثر مشایخ انکار بر قاضی عیاض بسبب  
 انکار او بر شافعی نسبت او بنده و نقل کرده زیرا که قاضی عیاض خلاف در طهارت محل و خون و صلی الله علیه و سلم حکایت  
 کرده و قول بطهارت را نظر زیادت شرف و صلی الله علیه و سلم استحسان خود و پس انکار و بی وجوب صلوئه که انهم زیادت  
 شرف است شافعی و غیره است جزای ره و تا نید مذنب فیه گفته که آنست قول احمد بن حنبل و ابو النضر بن حنیف  
 روایت کرده ابو بکر بن ابی شیبہ قول عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است از حسن بصری قول عامر بن ابی  
 محمد بن علی الباقی و مقاتل بن حیان رضی الله عنهما و آنست مختار ابی عمر بن عبد البر و ابن ابی عمیر و شیخ ابن حجر مکی همه  
 گفته که موافق اند شافعی را جماعتی از صحابه تابعین و فقهای امصار رضی الله عنهم از صحابه امیر المومنین عمر و ابن مسعود و  
 مسعود بن ابی عمر رضی الله عنهم از ابن مسعود و یحیی بن سعید که تشهد بخواند در نماز پس در وقت سبزی صلی الله  
 علیه و سلم از ابن عمر یحیی بن سعید رسیده که حاصل نمیشود نماز اگر بخواند آن وقت و تشهد صلوئه بر بنی صلی الله علیه و سلم پس  
 از او نقل کنند از ابن حنبل بن ابی سعید و از تابعین شیخ و امام ابو جعفر محمد بن علی الباقی رضی الله عنهم  
 بر آورده است شیخ ابی سعید که هر دو وقت سبزی صلی الله علیه و سلم تشهد پس اعاده کند نماز خود را و در لفظی است  
 کفایت نمیکند نماز یعنی اعاده آن پس یحیی بن سعید که میدیم تشهد را چون بگوید آن عهد را احمد بن حنبل بر آورد  
 خود را و انرا گوید بر آورد و در سند بر غیره اصلی الله علیه و سلم بر خود بخواند خود را و از امام ابی جعفر محمد رضی الله  
 عنه نقل کرده است شیخ بن حنبل نقل کرده است از شعبی و وارثی و محمد بن کعب بن قریط و مقاتل بن حیان تصویب نقل و یکرده اند و  
 الا سلام شهاب بن حجر عسقلانی رحمه الله گفته که هیچ کس از صحابه و تابعین رضی الله عنهم تصریح نکرده اند  
 مگر این شیخ ابی سعید شاعر کرده است قول غیر او بوجوب از فقهای امصار امام احمد بن حنبل رحمه الله گفته که اول در نماز و دوم  
 ظاهر شد که صلوئه بر بنی صلی الله علیه و سلم واجب است در تشهد یا مغنی گفته که انجا رجوع او باین قول ظاهر شد و در آخر  
 از استی بن راهب آمده که هر که صلوئه عمدتاً بطلان است و در میان سبزه و از مختار ابن عیاض از مالکیه نیز همین است و از  
 صاحبان محیط و تحفه و غنیه و مغنی تصریح کرده اند باینکه صلوئه نزد کوی صلی الله علیه و سلم واجب است و تشهد نام و صلی  
 علیه و سلم مذکور است پس صلوئه در آن واجب است اگر کسی گوید که انجا لازم نیاید که صلوئه شرط صحت صلوئه باشد جواب میگویم  
 که در روایتی از امام ابو جعفر محمد شعبی رضی الله عنهما و قول احمد بن حنبل نصیحت بر شرطیت قطع نظر از آن غرض  
 مافرح شد و شافعی رحمه الله بود و آن خود حاصل شد باقی ماند وجوب صحت نماز بدون آن پس برای اثبات  
 آن دلایل بسیار است از جمله حدیث یا رسول الله اما السلام علیک فقد عرفناه و کلف



کرده که اجماع وارد بر وجوب صلوة در این حدیث کرده اند و در وجوب آن یک محل سلف را عدم وجوب  
 تردد و نظر است زیرا که عمل آنها با وجوب این اعتقادی است محتاج به نقل هیچ است از سلف بعد از آن وجوب  
 نقل هیچ تعیین عامی نمی آید بلکه میگوید چون وجوب نقل هیچ عدم وجوب است و فعل امر که وجوب ثابت شده  
 ثبت گردید نصیحت فی رضی الله عنه فله الحمد علی ذلک **سیوم** صلوة جنازه اتفاق علمای شیعه  
 صلوة در این تکیه بر دویم پس در شافعی و احمدی و حنفی واجب است قبول بشود و ما از این صحیح است و زراعی  
 و مالک و شافعی و احمدی و مالک اگر اندک عمل سلف رضی الله عنهم در دست از ابی امامه از بعضی  
 او رضی الله عنهم که صلوة مثل تکیه است در جنازه روا کرده اند از اشاعه جماعتی از محدثان و تکیه صلوة تکیه است  
 وجوب زیر که تکیه واجب است بالاتفاق **قول** است یعنی طریقه نبوی صلی الله علیه و سلم یا ثابت است نسبت  
 حاکم در صحیح خود آورده که جماع صحابه رضی الله عنهم با وجود آورده اند که صلوة جنازه تکیه بر دویم است و در آن  
 صلی الله علیه و سلم زهری گفته که ابو امامه این سخن گفت و حالیکه بن می نشست و انکار کرد بر وی پس نقل کردم این را  
 محمد بن سواد گفت که من از حاکم بن قیس شنیده ام که از حبیب بن سلمه روایت میکرد و زهری از ابی امامه  
 کرده است که او به این کیفیت نسبت در صلوة جنازه خواندن فاتحه کتاب و صلوة نبوی صلی الله علیه و سلم است  
 در سنن خود از ابی هریره رضی الله عنه آورده که او عباد بن الصامت را سوال داد که کیفیت صلوة جنازه گفتیم بخدا  
 میدم ترا که ابتدا کنی پس بگوئی تکیه بر دویم و در فرستنی بر نبی صلی الله علیه و سلم پس بگوئی اللهم اننا اخرین و عابرا  
 میت و مالک غیر او از ابی هریره رضی الله عنه آورده که چون از سوال از کیفیت صلوة جنازه کرد گفت که در  
 جنازه میزنم با کسان آن چنین نهاده اند آن را بگویم و حمد میکنم خدا را در دو میگویم بر غیر او صلی الله علیه و سلم پس  
 میگویم اللهم انه عبدک تا آخر از این عیاش بن سعید و مجاهد رضی الله عنهم نیز آمده **چهارم** خطبه ای  
 جمعه و روزه و کسوف و خسوف استغفار و شافعی و احمدی رضی الله عنهم صلوة در خطبه از این است و زراعی حنفی و  
 مالک رضی الله عنهم است و دلیل وجوب فعل خلفاء این و تابعین رضی الله عنهم منقول است از آنها که هیچ  
 قطع نظر از خطبه جمعه و حمد و صلوة بوده با و سلف صالح خطبه صلوة را نیز این ناقص میکنند در صحاح و ارد  
 که خطبه اندر یا در خطبه بر آن که در آن حمد کرد و صلوة بر صلی الله علیه و سلم فرستاد و فرستاد و خطبه بر این  
 علی کرم الله وجهه بر او احمد و در خطبه عمر بن العاص رضی الله عنه روایت از قتیله از طریق ابن جریج و در خطبه ابن مسعود رضی  
 الله عنه روایت نمیری و غیر او در خطبه ابی موسی رضی الله عنه و در نه این است که باین اجماع نطق از سلف  
 ثابت و وجوب آنرا که سید در بعضی احیان این سکوال از محمد بن عبد الحکم رحمه الله آورده که امیری در نینیه مدینه  
 خطبه جمعه خواند و مثل کرد و اندک آن را بر لب از تمام خطبه نزل و از منبر بر آن نماز همه اهل مسجد برو غوغا کردند و از



[illegible]

**قول** سوره یعنی حاجت او را مثل شفاعت عظمی و حوض و او احمد و سوره یعنی آن را آنچه مقرر کرده است بخدا برای و فرغ  
 سامع مؤمن در حالت تارقیست بر مؤذن یعنی بعد از آنکه از نماز در گوید و سوره برای پی صلی الله علیه و سلم بخوابد بحکم اقال  
 العلامة المحلی فی شرح النہاج **فاعد** شیخ ابن حجر کی جمله شد و کتاب منقذ و گفته که آنچه معتاد است  
 که صلوٰۃ و سلام عقب بر اذان بر بنده میگویند که اذان صبح و جمعه در آن پیش از آن بگویند و اذان مغرب بکسب ضیق وقت  
 نمیکویند احد کرده سلطان صلاح الدین یوسف بن ابویب شیخ جلال الدین سیوطی رحمه الله و کتاب سیال الی مفر الا و ایل گفته  
 که اولاد زمان سلطان صلاح الدین بن ابویب مشهورم حادثه که قبل از اذان صبح و در شب **السلام علی رسول الله**  
 بگویند این تاسمه مفید شست و هفت جاری و بعد با صلاح الدین بنی محبت زیاده **الصلوة والسلام علیک**  
**یا رسول الله** پس در ماه شعبان سه مفید و نو و یک زمان سلطان حاجی بن شرف شعبان حسن بن ناصر محمد بن منصور  
 خلا و بن ناصر محمد بن طنبی تحسین یافت که بعد از اذان بگویند شیخ ابن حجر کی جمله شد و بعضی مؤخرین نقل کرده که در  
 بعضی و نو و یک بار و یای بعضی معتقدین تعویذ یافت که مذکور شد بعضی متاخرین تعویذ آن کرده و گفته که بدعت  
 است و فاعلش نیست خود را جو خود باشد شیخ الاسلام که یا جمله شد و در فتاوی خود گفته که اصل آن مستحب و کیفیت بد  
**یوم** در شب اول از قول حمید امام شافعی رضی الله عنه چنانچه نقل کرده است ابرار آن را در آن حبس سجد است  
 و اما قول قدیم پس زیاده کند بر تشهد و روایت کرده است این را زنی از وی را شد عنه لیکن چون حمید اظهار است بدلیل آن  
 در ذم تبارک صلوٰۃ نزد کردی صلی الله علیه و سلم و ارد و چون مصلی را آخر تشهد کرد و ی صلی الله علیه و سلم نمویس و بن  
 شد و اصل صلوٰۃ عقب آن تا خارج کرد و اذان آن که شامل است مصلی و غیر مصلی را این عامی غایت عنه میگوید که قول  
 کسیانکه قابل بد بوجوب صلوٰۃ نزد کردی صلی الله علیه و سلم لازم آید و وجوب صلوٰۃ در تشهد اول نیز و این شکل است بر آن  
 هیچ کس هیچ نگردد بوجوب آن در تشهد اول و اما علم و مذنب امام اعظم و مالک احمد رضی الله عنهم موافقین  
 است بلکه نزد حنفیه لازم آید سجد سه و زیادت صلوٰۃ زیرا که بسبب متاخر شدن رکعت یعنی قیام بسو رکعت ثالثه و  
 اختلاف کرده اند آنها و قد زیاده بعضی گفته اند **اللهم صل علی محمد و بعضی گفته اند اللهم صل علی**  
**محمد و علی آل محمد** و اول اصح کما فی العینی شرح الکنا **چهارم** در آخر قنوت **شیخ**  
 صلوٰۃ و قنوت و ترتیب شده است رتبه انسانی بحدس که تعلیم فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم در این مین  
 حسن رضی الله عنه کما یکم بخواند از او در تعینی اللهم اهد فی من هدیت تا آخر و در آیه های آن و صلی الله علیه و سلم  
 البی است بی زیادت اما کسیکه زیاده کرده آن فطره و سلم و نسبت آن بسبب نسائی نموده و هم است بر آن که این لفظ  
 نیست بحکم اقال شیخ ابن حجر المکی رحمه الله و بعضی رسیده که بعضی صحابه رضی الله عنهم در و میفرستاد و در  
 و از بر رضی الله عنه بعضی رسیده که صحابه رضی الله عنهم در و میفرستاد و در بر و صلی الله علیه و سلم قنوت و در

و نیز از بعضی صحابه روایت که چون غزوه رضای می زیاده میکرد قنوت اللهم صل علی محمد و صلیت علی اهل  
 السلام باریک علی محمد و علی رسولک السلام علیه و علی آله و برکاته و در قنوت هیچ چیز  
 صحیح سنون است بجز قنوت و تر و قول بعضی که در اول قنوت سنون است مخالف روایات است که هر صلو و اول و آخر دعا است بجز  
 قنوت بنا بر رعایت روایات مذکوره از آن مستثنی است و سنون است در آخر قنوت سلام و ذکر آن نیز و ذکر اصحاب نیز و اولی است زیرا  
 چون ذکر آل سنون باشد و در ایشان خیر است پس در اصحاب بطریق اولی سنون باشد و اعراض باینکه قول منافی جماع  
 ایشان است بعد از ذکر اصحاب صلو و تشهد و فوج است باینکه در تشهد اقتضای مذکور حدیث و در اینجا زیاده کردند ذکر آل  
 پس قیاس کرده بر آن ذکر اصحاب و اشکال باینکه ذکر آل تشهد اول و آخر سنون نشود و چه فرق است میان آن قنوت و فوج است باینکه تو  
 محل دعاست پس مناسب ختم بدعا آل و اصحاب مقید بر ایشان هکذا ذکر الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله تعالی  
 عقب تاریخ بحث ضعیف من دعا بهؤلاء الدعوات فی برک کل صلو و مکتوبه حلت له الشفاعة منی يوم  
 القيمة اللهم اعط محمد الوسيلة و اجعل فی المصطفین محبة و فی العالمین رحمة و فی المقربین نورا  
 هر که دعا کند باین دعوات پس صلو و فرض واجب و یا شایسته بود بر او شفاعت از من در روز قیامت آن دعوات این است  
 اللهم اعط محمد انا آخر چون را بنده هر صلو و سنون است پس درین دعای سنون را اینجا است که در فوج المعین ح قو  
 المعین گفته که سنون است اقتراح ختم دعا بعد از محمد خدا و صلو و بر نبی صلی الله علیه و سلم  
 سه و چهار کی ابتدا محمد و صلو و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب منصفو گفته که علما اجماع دارند بر ندب بدعا و دعا  
 پس صلو و آمده است بسندیکه بر حاشی جال صحیح اندازد احد که ان یسأل الله شیئا فلیبدل بمحمد و  
 علیه با هو الله ثم یصل علی النبی صلی الله علیه و سلم ثم یسأل بعد فان احب الیه  
 شیخ چون خواهد یکی از شما که سوال کنند از خدا این دعا را پس باید که آغاز کند بحدیث او تعالی و ثواب و بخیر که اولای  
 پس بود و گوید بر نبی صلی الله علیه و سلم پس سوال کند پس بدستیکه آن کس لا یأتی انت که بدستی وی شکاری باید و در  
 است از امر احد که ان یدعو فاحب ان یتجاب فلیحمد الله و لیثن علیہ لیسئل علی  
 صلی الله علیه و سلم ثم یدع حاجته فان احب الیه ان یتجاب له چون خواهد یکی از شما که دعا  
 پس دوست دارد که استجاب گردد و او را پس باید که حمد خدا کند و ثواب و گوید و در دست بر نبی صلی الله علیه و سلم  
 پس باید که بخوابد حاجت خود را پس بدستیکه اولایق است باینکه استجاب کرده شود و او را بر آورده اند سنائی میخوار  
 الله عاکله محجوب حتی یكون اوله ثناء علی الله عز و جل و صلو و علی النبی صلی الله علیه  
 و سلم حتی یدعوف لیستجاب الله عاکله و عامه ان محجوب است تا که باشد در اول آن ثواب خدا تعالی و صلو و  
 صلی الله علیه و سلم و دعا کند پس استجاب کرده و دعا او قبول گردد حتی بدعای عطف است مفید تر

وغير واجب کذا فی الدر المنصور ووجه دوم است و اختتام عاصله که نام نوی حمد است در آن کار خود گفته که جماع  
علماء بر سجایا بتدا عابجه خود ثانی دو صلوٰه بر رسول اوصی الله علیه و سلم و کذا تک ختم دعا جمعه و صلوٰه آثار دین بسیار  
اند از حدیثی آمده الدعاء باین الصلواتین علی لایزال و دعا در میان دو صلوٰه برین ذکر نمیشود و قول ابی سلیمان را را برین  
امر سابق مذکور شده است و چه میگویم من است صلوٰه و راول او وسطه و آخر دعا و است بابت ضعیف غیر بلا تحلوٰه  
کفاح الراكب و صادق الراكب قال ان المسافر اذا فرغ من حاجته صاب في قدح فليكن له حاء  
توضاء منه او شربة ولا اهرق ليجلوني في اول الدعاء و وسطه و آخره نكروا نكروا ما نكروا  
سوال کرده که کار سهو چیست گفت بدستیکه مسافر چون فراغت یابد از حاجت خود می اندازد آنچه کار سهو است از آب بر سر  
باشد و او را حاجت نمیکند بدان آب بنشیند و اگر نه میاندازد از آن کار داند و او را دعا و میان آن در آخر آن و غیر از این از تفسیر  
راکب است که در ذکر روح کن آن حضرت را صلی الله علیه و سلم چنانچه راکب آویز و قبح خود را در آخر حال و در پیش دور و آبیایی  
که مخصوص بر یکی ازین دو ثلثه دلالت ندارند بسیار است بل می وایت کرده کل دعا محجوب حتی یصلی علی النبی صلی  
الله علیه و سلم و در تفسیر الدعاء محجوب عن السماء و یصعد فی السماء الدعاء یعنی حتی یصلی علی النبی صلی  
الله علیه و سلم فادع الیه صلی الله علیه و سلم و صعد الی السماء محجوب باز داشته میشود از آسمان و بالا نمی رود و بسوی آسمان و  
چیزی تا که رود و گوید بر نبی صلی الله علیه و سلم چون رود گوید بر نبی صلی الله علیه و سلم بالا رود دعا بسو آسمان رشفه است دعا  
و نماز ساق باشد میان آسمان زمین بالا رود و بسوی خدا تعالی یعنی محل مناجات او تا که رود گوید بر نبی صلی الله علیه و سلم و از  
بن الخطاب رضی الله عنه روایت که بدستی عایشا میان آسمان زمین بالا نمی رود از آن چیزی تا که رود گوید بر نبی صلی  
الله علیه و سلم چون این سخن ممکن نیست که از برای خود گوید پس حکم حدیث مرفوع است او روایت بابت ضعیف از وی صلی  
الله علیه و سلم که نیست هیچ دعا که گوید میان زمین و آسمان حجاب است تا که رود گوید بر محمد و بر آل محمد چون رود گوید  
شکافه شود آن حجاب داخل گردد و دعا چون در مذکورید باز کرد و دعا و از این دعا سابق مذکور شد که صلوٰه از بنی  
و عا است و در حال قرات قرآن چون بگذر یا بشکند در آن ذکر وی صلی الله علیه و سلم است قاری و سماع حاج  
عاز بالاتفاق و اما داخل نماز پس شافعیه یوسف بن حسین و سایر حمد الله در انوار از عجل نقل کرده که چون بخواند در نماز  
آیتی که در آن نام آنحضرت صلی الله علیه و سلم است سجدت صلوٰه بروی صلی الله علیه و سلم و در فتاوی حساب و فقه  
است که صلوٰه نوست و اول اوست از این شیخ ابن حجر مکی در کتاب درمنفذ گفته که چون بگذرد در نماز با آیتی که  
در آن ذکر وی صلی الله علیه و سلم است سجدت قاری و سماع صلوٰه بروی صلی الله علیه و سلم و قول صاحب انوار  
هم آورده و گفته که بر قول او در رد گوید بمیشل صلی الله علیه و سلم یعنی ترحیم بنام وی صلی الله علیه و سلم کند تا از  
نیاید نقل کردی که بطل صلوٰه است بر قولی و صاحب تحفه الغرب فاضل اسمعیل آورده که فروی است از حسن بصری



[illegible]

خانه کند شفت با و غار که از نزد مقام ابراهیم و اوست بنظر غار کنده سی بصفای حورین و صفای اید رویی خانه کند  
بگوید شفت کیم میان بر دو کبر و خود استیلا کند و غار گوید و در دو فرستد بر بنی صلی الله علیه و سلم و عبارای نفس خود  
کند و بر مروه مثل آن بجای آورد و در وقت که این عمر رضی الله عنهما گفت صفای بنظر شفت لا اله الا الله و  
لا شریک له که پنج پسر و دو دختر را بر بنی صلی الله علیه و سلم سپرد و عاصی که دو قیام و عابد از میوه و پسر مروه  
مچنین میگردد **م** زرد استلام حجر اسود است روایت صحیح این عمر رضی الله عنهما که چون او را و استلام حجر  
میگفت اللهم ایاک و قصد یتقیا کتابک و سنت نبیک پسر و دو دختر را بر بنی صلی الله علیه و سلم سپرد  
علیه السلام روایت کرده است آن را بوزیر رضی الله عنهما و از نافع و واقعی و بخاری و خود الطریق رفع **م** و طرف حکایت کرده  
نیج این حجر که از بهنجای حلیمی از سفیان بن عیینه رضی الله عنه که شنیدم زیاد از بهنقا و کس که میگفتند و طرف اللهم صل  
علی محمد و علی ابی ابراهیم و این در حق ولد ابراهیم است بخیر او گوید اللهم صل علی محمد نبیک و ابی ابراهیم  
خیلی که و این بنظر است ایراکه همه مناسک ابراهیم است علی نبیا و علی افضل الصلوة و السلام و رب  
از بنا او است و بلیه اجابت دعای او انتی **م** در غلظت نام نووی رحمه الله از کار خود گفته که سنت است  
افتتاح و اختتام دعا یعنی دعوات کجده و ثناب روی بجان و صلوة و تسلیم بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم و مستحب است  
بلیه و صلوة و تسلیم بر صلی الله علیه و سلم روایت کرده است بهی سبب غریب من مسلم یقف عشیة غریة بالموقف  
فیلستقبل القبلة بوجهه ثم یقول لا اله الا الله وحده لا شریک له الملائک له الحمد وهو  
کل شیء قد یر ما ترمه ثم یقرأ قل هو الله احد ما ترمه ثم یقول اللهم صل محمد و علی  
محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی ابی ابراهیم انک حمید مجید و علینا معهم ما ترمه الا قال  
الله تبارک و تعالی یا ملائکتی ما جز اعبدی هذا سجنی و هلالنی و کبرنی و عظمی و عزی  
و انتی علی نبی اشهد و انی قد غفرت له و شفعتها فی نفسه و لو سألنی عبیدی هذا  
فی اهل الموقف کلام نیست هیچ مسلمان که بایست آخر روز عرفه در موقف پس رو بجا نبی که بکشد  
لا اله الا الله تا آخر صبار بنظر بخواند قل هو الله احد صبار بنظر گوید اللهم صل تا آخر صبار که بکشد  
خدا یتعالی ای فرشتگان من چیست جزای این بنده من که تسبیح و تهلیل و تکیه و تعظیم و تعریف من کرد و ثنا کرد و غیر من گفته  
که بدستی ختمی آمدید مرا و قبول کردم تغایر و حق بود اگر رسول بگوید این بنده من ایستاد قبول میکردم شفاعت او و حق من است و تغایر و زیاد کرده  
در بلی روز خود و رازة سورة فاتحه صد بار بعد الحمد بحی و میت بید الخیر و طیبی در حکام خود دعای طویل آورده  
و در آخر آنست که در و گوید بنی صلی الله علیه و سلم پسر و عاصی که بر ای نفس خود و دو الدین و اقرار بر دران نبی  
زکر کرده است مرا از اقواب عظیم و گفته که ابو منعم و جامع دعا صحیح را آورده است و غیر او گفته اند که این سخن عجیب

[illegible]



[illegible]



صَلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَوْنٌ بَاشِدٌ وَخَشْبَةٌ يَفْرُسُهُ خَدَايَتُ عَالِي وَرُتْكَانٍ بِأَشْدَائِهَا حَيْفَةُ نَفْسِهِ  
وَقَلْبُهَا أَوْ شَانِ زَرْزَرِيُونِ سِنْدِ رُورِ شَبْدِ شَبْعِ زِيَادَتَرِينِ مَرْدَمِ رَا زَرْزَرِي صَلَوةُ بَرْنِي صَلَوةُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَبِخْ بِنِ حَجَرِ كَمِي حَمْدِ  
كَتَبَهُ كَرْدَنَدَنُ شَخْصِي مَحْمُولِ اسْتِ دُرُورِ وَتَضَعِيفُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ مَلَأَ ذَلِكَ خَلْقُوا مِنَ النُّورِ لَا يَهْطُلُونَ إِلَّا إِلَيْهِ الْجَمْعَةُ  
وَيَوْمَ الْجَمْعَةِ بَايَدُكُمْ أَقْلَامُ ذَهَبٍ يُؤَيُّ مِنْ فُضْيَةٍ وَقَرَأَ أَحْسَنُ نُورٍ لَا يَكْتُبُونَ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِرُسْتِيكُمْ خَدَايَتُ عَالِي رَاسْتِ وَرُتْكَانٍ كِهْ بِيدِ اَرْدَشَدِهْ اَنْدَزْ نُوْرُوْنِي اَيْنْدِ كَرْدَنُ شَبْ جَمْعِ وَرُورِ جَمْعِ  
مِيسَا شَدِهْ دُوسْتِ اِي اَنَهَا قَلْبُهَايِ زَرْزَرِي وَكَانْغَزَايِ نُوْرِي نُوْسِنْدِ كَرْدُودِ كِهْ بَرْنِي صَلَوةُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفُتَا دِ مِشُوْدِ  
وَدُرُورِ وَيَسْتِ اَكْثَرُ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ الْعَرَاوَانِ صَلَوةُ تَكْمِ تَعْرِضُ عَلَى يَارِهْ كَنِيدِ فُتَا دِ صَلَوةُ  
بَرْنِ وَرُشْبِ وَرُشْنِ شَبْ جَمْعِ بِرْنِ بِرْتِيكُمْ رُودِ شَهْوَضُ كِهْ دِهْ مِشُوْدِ بِرْنِ وَرُورِ اسْتِ اَكْثَرُ وَاَعْلَى مِنَ الصَّلَاةِ لَوْ  
الْجَمْعَةُ وَلِبَلَّةِ الْجَمْعَةِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كُنْتَ لَدَيْهِ شَهِيدًا وَشَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ زِيَادَهْ كَنِيدِ بِرْنِ صَلَوةُ وَرُورِ  
رُورِ جَمْعِ وَرُشْبِ جَمْعِ بِرْنِ بِرْتِيكُمْ كُنْدِ بَاشْمِ رَاورِ اَشْهِيدِ اِي شَفِيعِ رُورِ وُقِيَاتِ حَرْفِ نُوْرِ اِي قِسْمِ اسْتِ بَعْنِي شَفَاعَتِ كُنْدِهْ اِي  
عَاصِي وَشَهَادَتِ دِهْنْدِهْ بِرْ اَطِيعِ بَا بَعْنِي رَاوَسْتِ بَعْنِي شَفِيعِ شَهِيدِ بَرَايِ بِرَايِ بِرَايِ شَكِ اَوِي اسْتِ بِرْنِ بِرْتِيكُمْ نَفْظِ  
شَهِيدِ ظَاهِرِ اسْتِ شَهَادَتِ خُصُوصِي اسْتِ اَبِدِ شَفَاعَتِ مَرْجُوْدِهْ بِرْ اَخِرِ اَنَهَا وَرُتَقْدِ بِرْتِيكُمْ نَفْظِ شَفِيعِ مَحْمُولِ اسْتِ  
بَرْنِيكُمْ بِرْ كِهْ اَيْنِ فَعْلُ كُنْدِ خُشْفُ كِرْدِ وَنُوعِي اَزْ اَنْوَاعِ شَفَاعَتِ غَيْرِ شَفَاعَتِ عَطِي كَذَا قَالَ الشَّيْخُ ابْنُ حَجَرٍ الْمَكِّي رَحِمَهُ اللَّهُ وَرُورِ  
اِتَّخَذَ اللَّهُ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا وَمُوسَى نَبِيًّا وَاتَّخَذَ فِي حَبِيْبَاتِهِمْ قَالِ وَغَنِي وَجَلَالِي لَا وَثَرْنَ  
جَبِيْلِي عَلَى خَلِيْلِي وَنَبِيْلِي فَمَنْ صَلَّى عَلَى لِبَلَّةِ الْجَمْعَةِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُ مَا تَتَى عَامَ  
مُسْتَقْدَمِ وَمَا تَتَى عَامَ مُتَاخِرِ اسْتِ خَدَايَتُ عَالِي اِبْرَاهِيْمَ وَخَلِيْلِي وَنَبِيْلِي بِعَيْنِي مَنَاجَاتِ كُنْدِهْ اِي اَوْدِ اَرْدَشَدِ  
بَرَا جَبِيْلِي بِرْتِيكُمْ كُنْدِهْ قِسْمِ غَرْتِ مِنْ جَلَالِ مِنْ اَيْنِهْ اَفْئِيْدَا خَوَامِ كِرْدِ جَبِيْلِي وَخَلِيْلِي مِنْ وَجْهِ مِنْ بِرْنِ كِهْ دُرُودِ كِهْ بِرْنِ  
وَرُشْبِ جَمْعِ شَتَا بَرَا اَمْرِ دِهْ وَشُوْدِ رَاوْرِ كَانْدَانِ وَوَعْدِ اَلْكَذِبِ وَوَعْدِ اَلْاِثْمِ سَخَاوِي كُنْدِهْ كِهْ بِرْ اَصْلِ اَلْوَاقِعِ  
نَشُدْمِ وَكَانِ عَدَمِ صَحْتِ اِي اَرَامِ اَزْ اَنَامِ نَفْظِ اِي اَسَالِ اَمْرِي اسْتِ اِذَا كَانَ يَوْمَ الْجَمْعَةِ وَلِبَلَّةِ الْجَمْعَةِ فَالْكَثَرُ  
عَاجُوْنِ بَاشِدِ وَرُجْمِ شَبْ جَمْعِ بِرْنِ اَوْدِ اَرْدَشَدِ صَلَوةُ بِرْنِ مَرُورِي اسْتِ اَزْ عِبْدِ الرَّحْمَنِ مَرْنِ كِهْ مَلَاوِدِنِ كَنِيدِ وَرُجْمِ  
نُوعِ بُوْدِ زَرْزَرِي اَوْدِ اَرْدَشَدِ يَارِهْ اِي اَشْدَائِهَا هَفْ اِي وَارَاةُ مِنَ النَّارِ خَلَالِ بِنِ كَنِيدِ بِرْنِ مِشُوْدِ اَزْ اَلْوَاقِعِ  
جَمْعِ بُوْدِ كُنْدِهْ دُرُودِ وَفُتَا دِ مِشُوْدِ رَاوْرِ اَسَالِ اَمْرِي عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِرْ جَمْعِ زَرْزَرِي اَبِيْهِ اَلْاَمِّ حَصْلُ عَلَى تَعْمِدِ النَّبِيِّ اَلْاَمِّ شَا  
رُفْعِ كُنْدِهْ كُنْدِهْ دُوسْتِ مِشُوْدِ نَفْظِ صَلَوةُ بِرْنِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دُرْ هَوَالِ بُوْدِ رُورِ جَمْعِ وَرُشْبِ شَفِيعِ تَرْمِ نُوْرُوْنِي رُورِ  
نَفْظِ اَلْغُورِ نَفْظِ شَبْ جَمْعِ اَلْاَمِّ بِرْنِ اِي اَشْدَائِهَا اَوْدِ اَرْدَشَدِ كَنِيدِ خُشْفِ اِي اَشْدَائِهَا كَنِيدِ شَبْ جَمْعِ مِيسَا كِهْ تَمَامِ  
دُرُودِ وَرُشْبِ بِرْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سَمِعْتُ اَبِيْنِي عَقَبَ خُشْفِ اَزْ اَلْوَاقِعِ شَبْ جَمْعِ اَبْنِ حَجَرِ كَمِي حَمْدِ اَبْنِ

در حضور گفته که این موقع از وی آنرا از موم که ترین مو اطمینان است و اقرب با اجابت محل نزول رحمت پس صلوة نیز از موم که ترین موم  
است و در انوقت روایت کرده است بهیچ در شعب الایمان از طریق ابی هریره را شده عنه که گفت می صلی علیه وسلم من قرأ  
القرآن وحمد الرب و صلی علی النبی صلی الله علیه وسلم و استغفر به فقد طیب الخیر من مکانه  
هر که خواند قرآن و شاکر کند پروردگار را و درود گوید بر نبی صلی الله علیه وسلم و طلب مغفرت کند از پروردگار خود پس تحقیق طلب  
کرد نیکی را از مکان آن آورده است این را جلال الدین سیوطی رحمه الله در اتقان امام نووی رحمه الله و ربیبان آداب جمله القرا  
در آخر باب یاد مس گفته که ابتدا و اختتام کنند عایشه ختم قرآن به الحمد لله رب العالمین حمدایوانی نغمة و یکانی  
مزیدة الامام صل و سلم علی سیدنا محمد و علی آل سیدنا محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابرا  
و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم فی العالمین انک سید  
جمید چهارم نزد بیداری از خواب برانماز شب بعد از فراغ از تجمیع استدلال کرده اند بر اول با تخریر او  
نسائی در سنن کبیر از ابن مسعود رضی الله عنه که گفت و صلی علیه وسلم یفعلک الله الی مرجلین احدیت تمام شد  
معه ترجمه آن را باب غرات صلوة مذکور شده است و استدلال کرده است بر تجمیع آن بعد از تجمیع نسائی و ابن جم  
که از ام المومنین عائشة صدیقه رضی الله عنها بر آورده اند که بودیم که شمار میکنیم در رسول خدا را صلی الله علیه وسلم مسواک  
کردن او و طهارت نمودن او پس آنرا دیدم و او را خدا تعالی هرگاه که خواهد تعالی بر این چنین از شب پس مسواک میکند و وضو میکند و نماز  
میکند از در رکعت نشسته در آن رکعات که نزدیک رکعت ششم و حمد خدا تعالی میکند و درود میگوید بر نبی او صلی الله علیه وسلم و در رکعت  
و میان آن رکعات سلام میکند پس رکعت ششم و حمد میکند خدا تعالی او درود میگوید بر نبی صلی الله علیه وسلم و  
میکند پس سلام میکند سلام کردی که میشنود خود را از البیتر میکند از نماز در رکعت نشسته انتی این روایت دلالت ندارد بر نزد  
صلوة بعد فراغ از تجمیع زیرا که این صلوة در تشهد میبود و نه خارج نماز هکذا قال النبیخ اجمع المکی رحمه الله  
و عجب منه یا نروسم نزد تفرق قوم بعد اجتماع و قیام از مجلس درین باب احادیث متعدده  
در باب عقیبات صلوة مذکور شده است از سفیان ثوری رضی الله عنه که چون از او نه قیام از مجلس میکرد میگفت  
صلی الله و ملائکت علی محمد و علی انبیاء و ملائکت شام نزد خروج  
بوی بازار و خصوص دعوت شل آن بر آورده اند جمعی از ابن مسعود رضی الله عنه که وی چون در مجلسی با ختان یا تخریر  
چنانچه و غیر آن حاضر میشد توقف نمیکرد تا که حمد خدا و تائیدی تعالی و درود بر نبی صلی الله علیه وسلم بگوید  
و دعا کند و همچنین در بازار که مشغول مردم و غفلت ایشان بیشتر میدید میداد می نشست و حمد و صلوة میکرد  
نقد شام نزد بیوم و کر و با حایت درین باب در غرات صلوة مذکور شد و در روایت معتبره  
علیه رضی الله عنه من الصلوة علی قائمنا محمد و علی آل محمد و تکشف الکروب که شواهد شود

چیزی پس باید که زیاده فرستاد صلوٰۃ بر من پس بدینکه صلوٰۃ واسم کند کرده را روی بروند و ده را حافظ سخاوی گفته که  
بر اصل این روایت واقف گشتم بر آورده است طرانی از امام محمد باقر رضی الله عنه که گفت چون بدین بکرتی مبتدا شد وضو  
میگرد و دو رکعت نماز میکند و بعد از آن دعا میگوید حاجت خود بخواند یا صغیر اللهم انت تقی فی کل کرب وانت  
رجائی فی کل شدّة وانت فی کل امر نزل الیه نقیّ وعدّه حکم من کرب قد تصعّب عند الغوام  
وَلَقَدْ فِیْهِ الْخِیْلُ بِرِغْیَةِ الْعَصِیِّ وَنُسِیْتُ بِهِ الْعَدُوَّ وَانْزَلْتَهُ بِکَ وَشَکَوْتُ إِلَیْکَ فَقَرَّبْتَ  
وَكَشَفْتَ فَانْتَ صَاحِبُ کُلِّ حَاجَةٍ وَکُلِّ نِعْمَةٍ وَانْتَ الَّذِیْ حَفِظْتَ الْغُلَامَ بِصَلَاحٍ  
فَاَحْفَظْنِیْ بِاِحْفَظَّتَ بِهِ وَلَا تَجْعَلْنِیْ فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِیْنَ اللَّهُمَّ وَاسْأَلْکَ بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ  
سَمِیْتُهُ فِی کِتَابِکَ أَوْ عَلِمْتُهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِکَ أَوْ اسْتَأْثَرْتُ بِرِیْضِ عِلْمِ الْغِیْبِ عِنْدَکَ اسْأَلْکَ  
بِالْأَسْمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِیْ إِذَا سُلِّتَ بِهِ کَانَ حَقَّ عَیْدِکَ أَنْ تَجِیْبَ تَقْصِیْلَیْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ  
أَلِیْهِمَا وَاسْأَلْکَ أَنْ تَقْضِیَ حَاجَتِی **ششم** تر خوف غرق در باب ثمرات صلوٰۃ از کتاب نجر میجکایت  
خبر مذکور شده است در طالع السمرات شرح دلائل الخیرات از فقیه حسن علی الاسود رحمه الله نقل کرده که هر که در روز **پنجم** **اللهم**  
صل علی سیدنا محمد وعلی ال سیدنا محمد صلوٰۃ تجزینا ما اخر در برهم و نازل به از باز بخواند کثرت شود  
بفضل خدا و مایل حاصل گردد **هفتم** تر دعوی حاجت مروی است بسندی ضعیف که فرمود وی **صلی**  
الله علیه و سلم من صلی علی صلاته صلوٰۃ حین یصلی الصبح قبل ان یتکلم قضا الله تعالی ما انت حاجت  
یجعل له منها ثلاثین ویدخله سبعین فی المغرب مثل ذلک هر که در روز کوید بر من صد بار **تفکیک**  
بگذارد نماز صبح قبل از سخن گفتن روا کند خدا تعالی صد حاجت در دنیا و در آخرت به قدا و بعد نماز مغرب نیز بخواند  
بر آورده اند تر مذی ابن ماجه طرانی و غیر او هر که باشد در اور السو خدا تعالی حاجتی یا بسو یگانی زنی آدم پس باید  
وضو کند و نیک وضو را و بگذارد نماز دو رکعت سپس نشاند بر خدا تعالی در روز فرستد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه  
و سلم تبرخو انذین علا الله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش الکریم و الحمد لله  
رب العالمین اسألك موجبات رحمتک غوام مغفرتک العینة من کل بر و السلا  
من کل ذنب لا تدع لنا ذنباً الا غفرته ولا هماً الا فرجته ولا حاجة هي لك رضا  
الا قيتها يا ارحم الراحمین شیخ ابن حجر کلمی رحمه الله گفته که در اسناد این سخن است و در روا آن قائد  
ضعیف الحدیث است و ابن جوزی در موضوعات گفته که مردود حدیث است لیکن جاگم گفته که حدیث فایده مستقیم  
مگر این که شیخ بن زوزوا نکرده اند این حدیث گفته که با وصف ضعیف حدیث نوشته میشود و حافظ سخاوی گفته که بسیار  
است در فضائل اعمال نوشته میشود لیکن موضوع نیست و امام سبکی بر این اعتراف کرده که در صورتی که ضعیف

در فضایل آن عمل بدان نمی کنند و آمده است بشدی کسی باشد و در آنجا بسوختن است تعالی پس ضرورت کار کند و کند  
و در رکعت نهد بخواند در رکعت اول سوره فاتحه و آیه الکرسی و در رکعت دوم سوره فاتحه و امن الرسول است تشهد خواند  
و سلام کند و پس سلام دعا کند یا بنصیر اللام یا مولی کل وحید و یا صاحب کل مزید و یا قریب  
غیر یحید و یا شاهد غیر غایب یا غالب غیر مغلوب یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام  
یا بدیع السموات و الارض یا کبیر اسمک الرحمن الرحیم المحی القیوم الذی لعنت السموات  
و خشعت له الاصوات و جعلت له القلوب من خشیته ان تصلى على محمد وعلى احمد  
وان تفعل لی کذا و آوده است در روایت که موقوف است بر ابن عمر رضی الله عنهما هر که باشد حاجتی بسوختن دعا  
پس باید که روزه دارد و روز شنبه و پنجشنبه جمعه و در تحفه الغریب بجای دو شنبه چهارشنبه است مناسب است  
زیر که صیام متوالی میشوند و الله علم بین روایتها براید و بسوختن سجده و دو نهد کند چیزی قلیل  
و بعد ادای نماز جمعه دعا کند یا بنصیر سبحان کرد و انشا الله تعالی اللام انی اسمک یا اسمک بسم الله الرحمن  
الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم اسمک یا اسمک بسم الله  
الرحمن الرحیم لا اله الا هو المحی القیوم لا ناخذ سنه و لا نوم الذی ملات عظمه  
السموات و الارض و اسألک باسمک الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الذی عنت له  
الوجوه و خشعت له الابصار و جعلت له القلوب من خشیته ان تصلى على محمد وعلى احمد  
الله علیه و سلم و ان تقضي حاجتی و هی کذا و کذا ابن عمر رضی الله عنهما گفته که تعلیم ان کنید بسیار  
تا و عا کنند و کار کند یا قطع رحم اما غم الی حمد الله و رجا باشد مرفوع آورده اذ اسالتم الله حاجت را  
بأنصلوه علی فار الله اکرم ان یسأل الحاجتین فیقضى احدیهما و یرد الاخری چون سوال  
کنید از خدا است تعالی حاجتی را آغاز کنید و اول را بصلوة برین پس بدستیکه خدا تعالی بزرگ است از اینکه سوال  
کرده شود از و حاجت پس ده کنید بکی او رد کند دیگر را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که معروف است این قول  
الدردرضی الله عنه شاید قول ابی سلیمان دارانی که سابق مذکور شد و از خود از همین روایت است شیخ ابن حجر  
مکی رحمه الله از کتاب سیر الابرا نقل کرده که مروی از عبد الملك بن عبد الله بن عمر بن الخطاب رضی الله عنهما گفت  
شعید این انت من السبع کما فی ان یفیت ثم و کف کما یفیت ثم یفیت ثم یفیت ثم یفیت ثم یفیت ثم یفیت ثم یفیت ثم یفیت  
الا غیره الی سبحان الله لا نقادله سبحان القديم لا مسند له سبحان الذی لا یحیی و لا یموت  
سبحان الذی هو کل یوم فی شان سبحان الذی یخلق مراری و مرارا و یزید و یمدد  
الذی علم کل شیء بخیر تعلیم اللام انی اسمک یا حی هو لا اله الا انت سبحان الذی لا یفیت





و حجت خدا بر کائنات و پنج حج که هر یک گفته اند که در حدیث است و چون احادیث را با کتاب تجانی که خدا تعالی  
نزد بسیاری از خواص و دست بس انتخاب صلوٰه نزدیک است بر آن گذاشت صاحب خفته الغری  
و شیخ شهاب محمد بن عبد اللطیف شرجی رحمه الله فرمودند که قاضی محمد بن ابی شریب از بی حمزه از ابن سنان الصلوات  
و اینست ذکر کرده که مردی نزد بعضی ماسکات قلت گوید که در لیل انعام را در ایستاده که چون از آن آمده آمدن خوابی  
پس آن را که گریه آن الله و ملائکت یصلون علی النبی تا به شیخ ابن حجر می گویند نیز این را در کتاب منتهی  
نقل کرده است **طبیست و چهارم** نزد افتتاح هر کلام ذی بال یعنی ذی خیر امام شافعی رضی الله عنه گفته که  
دوست میدارم اینکه مقدم کند آدمی در خطبه هر امر مطلوب خدا تعالی و تنابردی سبحانه را و صلوٰه و سلام بر رسول خدا  
صلی الله علیه و سلم نقله الشیخ ابن حجر المذنب رحمه الله و روایت از بی بریره رضی الله عنه که فرمود آن حضرت صلی الله  
علیه و سلم **کل کلام لا یدکر الله فیه فیه** یا بیدارید با صلوٰه علی فلو اقطع محقق من کل کلام  
هر کلامی که یا کرده نشود خدا تعالی را در آن ابتدا کرده نشود بصلوٰه بر من پس آن ناقص و کایده است از هر یک  
روایت کرده اند از ابو موسی مدنی و جماعه محدثین از حدیث ابی بریره رضی الله عنه و شیخ ابن حجر می گویند که  
شدن ضعیف است و در روایت از ابن مسعود آمده که هر ذی بال لا ید فیه بد که الله ثم بالصلوٰه علی  
فهو اقطع کت مع محقق من کل کلام که **قوله** کل امر ذی بال یعنی هر کار ذی غیر **قوله** قطع کت مع  
بریده و ناقص **طبیست و پنجم** در اوایل رسائل و کتب بعد بسمه بحدیث مذکور یعنی کل کلام لا یدکر الله فیه  
اخر قاضی عیاض رحمه الله در شفا گفته که از مواعین صلوٰه که جاری شده است بر آن عمل امت و کسی بر آن انکار کرده و این  
رسائل است بعد بسمه و این در حد اول نمود و حادث شده است از ولایت بنی هاشم پس جاری شده است بر آن عمل مردم  
در اقطار ارض و بعضی ایشان ختم کتاب نیز بدان میکنند شیخ یوسف بن عمر گفته که کمتر واقع شده است بر آن اجماع پس  
نوشته نشود کنایه که نوشته شود در آن صلوٰه بر نبی صلی الله علیه و سلم بعد بسمه انتی و آنچه شیخ ابن حجر می گویند که  
حاشا اینکه حد و این در خلافت امیر المؤمنین ابی بکر صدیق رضی الله عنه بود و جریان عمل بر آن اقطار ارض از اول ولایت  
بنی هاشم است چنانچه از طریق و آمد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه است که وی رضی الله عنه بعضی حال خود نوشته لبم الله الرحمن  
الرحیم من ابی بکر خلیفه رسول الله صلی الله علیه و سلم الی طریقه بنی حاجر سلام علیک فانی  
**احمد لبیک الله الله المالا هو و اسال ان یصلی علی محمد صلی الله علیه و سلم** اما بعد  
الح و این کلام را میگویند بر قول کسی که اول شخص که ابتدا کرد رسائل را بصلوٰه بر نبی صلی الله علیه و سلم و او را می گویند  
بود و این عاصی علی الله میگوید که از اینجا و بن قاضی عیاض که صد را و آن خود نیز ظاهر شد و او علم و مودت بر شیخ  
بن حجر می است آنچه آورده است امام نووی رحمه الله در او را خود را و آنجا درین مسئله بود مکانست مسلمین باین طویر من فلان

الى الله بعد سلام عليك فاني اخذ اليك الله الذي لا اله الا هو واسأل الله  
علي محمد وعلى آل محمد ودماءه اعداءه ان يورثه ما يشاء من ثلث احوال الله بقا في عبيت  
و ششم در وقت خطبه نماز جمع و سكون طاعت و فتح بار موحده زن خواستن و در وقت سجده نماز  
رحم الله و دعا خود گفته است حاجت نماز آنکه ابتدا کند محمد خدا تعالی ثوابی بر وی صلوة رسول خدا صلی الله علیه و سلم  
و گوید انهدان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمد عبده و رسولہ بعده  
خواستگاری کند و همچنین پس از عقد نماز بعمل آرد و آمده است از ابن عباس رضی الله عنهما بسند ضعیف نفسیه صلوة  
ان الله و صلاته يصلون على النبي يعني بدستیکه خدا تعالی ثواب میکند بر پیغمبر شما و امر کرده به استغفار  
و شکران یا ایها الذین امنوا صلوا علی محمد یعنی ثواب کنید بر وی صلی الله علیه و سلم در نماز شما و در هر وقت و در  
خواستگاری و سپاس فراموش نکنید و در آن خبر محمد بن العزیز رضی الله عنه مثل آن ثابت شده است **بیست و هفتم**  
برای تکوین حدیث ابن عامر صلوا علی فان الصلوة لفارة لکم فمن صلی علی واحد اصلي الله علیه  
عشر ا درود گوید بر من بدستی درود کفارت است هزار بار که هر کس که درود گوید خدا تعالی بر آن کس بار  
مردی است ای کاهل رضی الله عنه گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرا یا ابا کاهل صلی علی علی کل یوم ثلث  
مرات حباً و شوقاً الی کان حقاً علی الله ان یغفره نوبه ثلاث الیلة و ذلک الیوم ای ابا کاهل  
هر که درود گوید بر من هر روز سه بار از روی دوستی یا از روی شوق بسوی من با حق بر خدا تعالی که مغفرت کند کنایه آن  
در این شب و در این روز **قول** او شوق یا نزدیک از روی یا بغنی او است و احادیث متضمن آنکه صلوة رکوات  
در حق مصلی گوینده اند در باب آن صلوة و ظاهر است که رکوات تهنیت و برکت و طهارت و تقوی از داخل است  
**بیست و هشتم** نزد اراده سفر امام نووی رحمه الله در از کار خود گفته که مستحب است که نزد اراده سفر دعا کند افتتاح  
نماید آنرا بحمد خدا تعالی و صلوة و سلام بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم انتمی حدیث کل امری بالحدیث نیز دلالت  
دارد بر آن **بیست و نهم** نزد رکوب به حدیث من باب ثمرات صلوة مذکور شد من قال اذ ارباب بسم الله  
الذي الحديث **بیست و دهم** نزد اراده تذکره منی خوشی یا چیزی بگوید که در باب ثمرات صلوة مذکور شد اذا  
لقیم شئاً الحديث و آمده است بسند ضعیف مسل من اراد ان یحدث بحديث فلیصل علی فان  
فی صلوة علی خلفاً من حدیثه و عسی ان یدلک ما هر که بخوابد که سخن کند بحیثی پس فراموش کند  
آنرا پس باید که درود گوید بر من پس بدستی در صلوة او بر من خلف پس مانده است از سخن او و فریب است که یاد کند آنرا  
**بیست و یکم** نزد کتابت نام شریف آنحضرت صلی الله علیه و سلم علاما مستحب است اندک از صلوة و سلام هر  
که نوشته شود نام شریف می صلی الله علیه و سلم و از اینجا است فعل ابن صلاح که نزد او است محافظت بر نوشتن صلوة

و السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم نذر کردی تنگ نشود از نماز صلوٰه تزد و نماز وی صلی الله علیه و سلم کنان اگر  
فراست متفاضل ایشان بر حجت عظیم دایم که تفسیر کنند آن هیچ چیز از روی صحت چنانچه بعضی در میان در بعضی  
نموده و سلم صلی الله علیه و سلم با ایشان پیش از این از روی حجتی با فرود صلوٰه از اسلام عکس آن جماعه از محدثین که لفظ و سلم نمی  
در رویا اخفرت صلی الله علیه و سلم را منقبض سحاب بر ترکان دید و بعضی از آنها را در تمام موده که چراغ و میکنی خود  
از چهل حسنه بر که لفظ و سلم چارفت حرف و حسنه که اقال الشیخ ابن حجر المذنی رحمه الله متقول است که لفظ  
مخلص اخفرت صلی الله علیه و سلم را خوابید و سلام کرد و صلی الله علیه و سلم روی مبارک و کرد و اندک بوطا پیش آمده و علی  
یا بنی امیه را روی من کرد و اندیدی نمود از آنکه هرگاه ذکر کنی کتابی و میکنی در ویر من غیرستی ابوطا گفته که بعد از آن وقت  
که نام اخفرت صلی الله علیه و سلم مینویسم علیهم و سلم تسلیما کثیرا کثیرا اخفرت صلی الله علیه و سلم متقول است که این در عه  
کسی در خواب دید که در آسمان با ملائکه میگذارد از این رسید گفت که بدست خود هزار نزار حدیث نهم خون ذکر آن اخفرت صلی  
علیه و سلم می آمد و در وی فرستاد از آن این وجه یافتیم زیرا که اخفرت صلی الله علیه و سلم گفته است که هر که بخود یک صلوٰه  
فرستد خدا تعالی بزرگش صلوٰه فرستد متقول است که روایت مینوشت از اجل و رقی صلوٰه نوشت دست است  
آنکه بیدار شد و بعضی سلف نقل کرده که بعضی مواضع ایشان کتابت صلوٰه ترکیافته و حجتی که در اصل شیخ و این لفظ  
نوشته تحت احیای طایفه خندان و مطابقت روایت از روی نیز مینوشت با زبان لفظ مسک و بعضی دیگر در وقت سجده  
صلوٰه میافزیند و این از باب سبأله شمس است و لذتی و ذوقی که در کتابت این لفظ و تلفظ آن است از عظم مشنوت  
و از لذات است که اقال الشیخ عبد الحی الدهلوی کتاب حنیب القلوب روایت کرده از ابی جرانی در او  
و ابی شیخ در ثواب استغفیری در دعوات و خطیب در عود اصحاب حدیث و اصحاب از طریق ابی هریره را اندک بسند ضعیف  
علی فی کتاب لم تنزل الملائکة لتستغفروا له ما دام اسمی فی ذاک الکتاب بلکه در و فرستد بر من  
همیشه فرستگان طلب آمرزش کنند برای کسی که باشد نام من آن کتاب در لفظ دیگر آمده من کتب فی کتابه صلی الله علیه  
و سلم لم تنزل الملائکة لتستغفروا له ما دام فی کتابه بلکه بنویسد کتاب لفظ صلی الله علیه و سلم همیشه فرستگان  
طلب آمرزش کنند بر آن کس که باشد آن صلوٰه در کتاب ابن جوزی این حدیث را در موضوعات شمار کرده و ابن کثیر گفته که صحیح  
نیست جماعتی از ائمه منبیین ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده اند من کتب عینی عما یکتب مع صلوٰه علی  
لم یزل فی اخر ما قرئی ذلک الکتاب بلکه نویسد من علمی و حالیکه مینویسد بیان در و بر من همیشه باشند  
در و یعنی ثواب آن تا اخر زمانیکه خوانده و آن کتاب در روایتی است از ابن عباس رضی الله عنهما من صلی علی  
فی کتاب لم تنزل الصلوٰه جاریه لها ما دام اسمی ذلک الکتاب بلکه در و دو کوید بر من در کتابی همیشه  
صلوٰه جاری باشد یعنی صلوٰه خدا بر آن کس که مقابله آن صلوٰه تا که باشد نام من در آن کتاب شیخ ابن حجر می گفته که



که در سند من صحیح می باشد و این کفر گفته که سندش ضعیف است و چون در دست زاهدان جعفر صادق و ابی اسحق  
سجود من صلی علی رسول الله صلی الله علیه و سلم کتابی است که در آن است علیه السلام علیه و سلم و در  
صدا دام ابی رسول الله صلی الله علیه و سلم کتابی است که در آن است علیه السلام علیه و سلم و در  
در دو کوید بر آن کفر استکان صحیح و شام که باشد نام غیر خدا صلی علیه و سلم در آن کتاب بر او رفته است و اینانی که گفت و بی  
اسد علیه و سلم اذ کان یوم القیامة یجئ اصحاب الخدیة معهم تحایر فیقول الله لهم انتم اصحاب الله  
طال ما کنتم تکتبون الصلوة علی نبی صلی الله علیه و سلم انطلقوا الی الجنة چون باروز قیامت باشد  
اصحاب حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم را یک باشد با انها چه با کسی که بگوید خدا تعالی مرا نهارا که شما نبی صلی الله علیه و سلم را  
شده است نوشتن شما صلوة بر غیر من صلی الله علیه و سلم بر روی خطیست خطیست که این حدیث موضوع است و در روایت  
آزاد بلی از طریق دیگر و نیز خطیست که در اول است از ضعیف است و این جویری نیز در کتاب خود ذکر کرده کذا قال  
الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و اما در این حدیث از سفیان ثوری را آنست که اگر نباشد صلی الله علیه و سلم بر او صلوة بر روی صلی  
اسد علیه و سلم کافیست زیرا که در دو دست او در نماز صلوة در کتاب است و در این حدیث در کتاب است و در این حدیث در کتاب است  
و قرات چند و در اختتام آن در نهای آن هرگاه که ذکر وی صلی الله علیه و سلم در این حدیث از قول امام شافعی صلی الله علیه و سلم  
روایت می دارم تو قیوم ذکر خدا تعالی و ثواب بر وی صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم خطیست که این حدیث از  
مقبول است حدیث کل کلام لا بد که در الله فی الخلد نیز از استصحاب است و اما در حدیث از امام محمد بن زکاء  
خود گفته که مستحب است قاری حدیث را آنچه در معنی آنست چون کردی صلی الله علیه و سلم آید بلند کند آواز را صلوة و تسلیم  
بر وی صلی الله علیه و سلم و در رفع صوت کمال سبب از استماع آنست که کما فی نوبات سماع شد میشنود کما  
قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله ابو احمد زاهدی گفته که مبارکترین علوم و افضل و اکثر آن از روی نفع در دنیا  
بعد کتاب خدا تعالی چند رسول خدا صلی الله علیه و سلم سبب کثرت صلوة در آن بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم است و این حدیث  
و کعب حمد الله گفته که اگر حدیث نزد من هیچ غیر از افضل نمودی بخندت نیکو درم کردیدم که ما از افضل است حدیث پیش نیکو  
بیج کس او مراد از نماز افضل است و در این حدیث از ابی حمزه آمده در او گفته که مستحب است ترا افتخوذ و تسمیه  
و حمد و صلوة و خول و قرات آیه ربنا شح لی صدق و لیسر لی امری و احلل عقدی من لیس یقنعو  
قولی و قرات آیه سبحانک لا علم لنا الا ما علمنا انک انت العظیم الحکیم و در کتاب من و در کتاب  
کرده باشد عامر محیب را با صلوة بر غیر خدا صلی الله علیه و سلم در آن حدیث از رسول الله صلی الله علیه و سلم که این حدیث از  
شیخ ابن حجر المکی رحمه الله در کتاب منقول از روضه گفته که تیان این مورد در افتخار بر جریان عادت علماست و در حدیث  
که ظاهر بر تفسیر صلوة معنی قبل از افتخار در ندب آن و حکام را پیش از حکم این عامر میگوید که حدیث کل امر مذموم

[illegible]

در کتب چون آورده که شنیدی از شما پس بایکدی یاد کنید و رو در رو بفرستید و بایکدی بگوئید یا کفر یا کفر یا کفر  
 کسی که بگوید که است از این برترین و در هیچ خود را آورده است لیکن از هیچ کرده گفته که است از این برترین  
 گفته که بی اصل است و بنهم نزد خواب کردن با آورده است امام خود را در کافران کتاب می بینم  
 گروهی از عبد بن عمر رضی الله عنهما پس خواب کرد بای و پس می در افت که یاد کن دوستان ترین مردم را نزد تو پس گفت  
 یا محمد صلی الله علیه و آله ان الغفور ذی الشکوه کما قال فی بعض ایت نیز از کتاب که در این طریق مجاهد آورده که  
 خواب کرد بای مردی از ابن عباس رضی الله عنهما پس گفت ابن عباس رضی الله عنهما که یاد کن دوستان ترین مردم را نزد تو پس  
 گفت محمد صلی الله علیه و آله پس در هیچ از هیچ یکی حمزه شد در کتاب و پیغمبر گفته که آمده است از او احد از ائمه یومنین عمر و  
 او و ابن عباس رضی الله عنهما که بای و وی خواب کرد پس یکی در افت که یاد کن دوستان ترین مردم را نزد تو پس گفت  
 یا محمد صلی الله علیه و آله ذی انی گفت یا محمد و گفت یا محمد صلی الله علیه و آله پس در هیچ شد و  
 علمای در هیچ و پیغمبر را با سهل در قیاد نیز ذکر کرده اند چه علم نزد عطاس سجده شده اند از آنجایی که مریه است  
 بسند ضعیف من عطس فقال الحمد لله علی کل حال ما کان من حال و صلی الله علیه و آله و علی اهل  
 بیتی ارحم الله من شجرة الا لیسطائر اقول اللهم اغفر لیا بها و در روایتی است که ایست از دنیا  
 و اضعف من الجراد یرو فی تحت العرش اقول اللهم اغفر لیا فی برکة عطس کند پس گوید الحمد لله تا آخر  
 بر او خدا استغاثی از سوراخ چپ او برنده که بزرگ باشد از کس ضعیف تر باشد از جواب در پیش رویش در حالیکه بگوید ایست  
 کن قابل گفته اند که در سندش اندیشه نیست مگر یکی از روایان ضعیف است نزد اکثر جمعی دیگر گفته اند که صلوة نزد عطاس  
 مستحبست بحديث مذکور لا تدکرونی الحدیث سابق مذکور و آنچه مروی است از ابن عباس رضی الله عنهما موطنا  
 لا یدلکم فیما رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عند العطاس الذی یختیر فیها یسبح الله و از ابن  
 عمر آمده که وی مستحب است صلوة نزد عطاس گفت مرعاس که میزدی الحمد لله و السلام علی رسول  
 الله صلی الله علیه و آله و سلم گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را اینم تعلیم کرده شیخ ابن حجر می گوید نقل کرده  
 که این هم ضعیف است اگر چه حاکم آن را در هیچ خود را آورده است این غاسک که حافظ ابو موسی مدد او است با سناد  
 او از نافع رضی الله عنه برخلاف آن از ابن عمر رضی الله عنهما آورده اند یعنی مردی از ابن عمر صلوة اقتضای کرد بر الحمد لله  
 ابن عمر را الله عنهما باو گفت که تحقیق بخجل کردی چرا با حمد خدا صلوة بر بنی صلی الله علیه و آله و سلم گفتی روایت کرده این را  
 بهستی و از اینجا است قول شیخ ابن حجر یکی که معنی ترجیح داده اول او الله چه **اول** و یکم نزد نصیبی  
 بر آورده است که از ابن عمر رضی الله عنهما را که یثقی الحاح حتی یری شیطان او یثقی له شیطان فاذا کا  
 ذلک ذاکر و الله و صلوا علی او و نمیکند خرا که نمیکند شیطان را یا تسکین شود و او را شیطان بر حسین



و این پس در کتب اشعری را آورده و گویند که در باب مراتب سلوة تجدید ما یحیی من شریک الشیطان  
الحق و در حدیث چهل و دوم از خود رسول خدا و است و می حمد الله اذا اكلتم الفجل فاردتم ان  
لا يوجد له ارج لا ذكروني عند اول قفله من جوده و یکن می که نشود و می او پس کنید و از او بدای  
خاندن ان شیخ بر حج می حمد الله کفره که این شیخ صیغیت بطریق رفع و است و بلکه کلام این است حمد الله چهل  
و سوم نزد آن شیخ نقل کرده این شیخ بر حج می حمد الله از این ابی جمله بدو نذر می کند شیخ عبد الله بن  
حمد الله نیز و جذب القلوب آورده است چهل و چهارم از ملاقات احباب است بند بسیار ضعیف می کند  
مُحَابَبَتِی لَیَسْتَقْبِلَنَّ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ فَيُصَاحِبُهُ وَيُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمَ الْأَلَمَ يَبْرَحُ حَتَّى  
يَعْرِفَ لَهَا ذُنُوبَهَا مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ لَيْسَتْ صَبِيحٌ كَلِمَةٍ إِذْ دُوسْتُ كَلِمَةٍ يَكُنِي إِذَا نَزَلْتُ وَ دُونَ مَا خُفِيَ وَ رَأْسُ  
مُصَاحِبِهِ بَدَا وَ دُونَ وَ دُونَ بَرْنِي صَلَّيْهِ وَسَلَّمَ كَمَا كَرَّمَ وَ دُونَ كَلِمَةٍ زَبَدَهُ نَوَدَّ أَنْ يَهْدِيَ الْكَافِرَ الْإِنْسَانَ إِلَى نَجْوَى مَقْدَمِ سُنَّةِ الْأَزْوَاجِ  
و آنچه پس آئینده است و در دو جای مجالین است و شیخ این حجر می حمد الله از بعضی بسیار کین نقل کرده خواب بدی با حضرت را  
است و صلوة در جای که این شیخ می فرمود چهل و پنجم در وعای حفظ قرآن مرو که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه یکجا  
کرد و نزد و صلوة علیه و آله و سلم از عدم حفظ قرآن پس نمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم او را که چون بنویشت این شنبه حمد که سنا  
شده و وقت استحباب دعاست یعقوب فرزندان خود و قول می فرمایند استغفر الله و الله و الله با شنبه جمعه کرده  
و اگر نتواند پس در نیم شب اگر نتواند پس در اول شب چهار رکعت نماز بکند و در رکعت اول بعد از فاتحه سوره پس و در دوم سوره  
و خان و در سوم سوره الم تنزيل السجده و در چهارم سوره تبارک الملك بخواند و بعد فراغ از تشهد حمد کند خدا این دعا  
را بخواند ثواب را و در دو گوید بر بنی صلی الله علیه و سلم و بقره در دو گوید و در دو گوید بر بنی صلی الله علیه و سلم و استغفار کند بر اسوین و  
و یکبار یکمان گذشته است پس این دعا بخواند اللهم ارحمني بترك المعاصي ابدًا ما بقيتني واخبرني  
ان تكلف ما لا يعينني ازرني في حسن النظر فيما يرضيك عني اللهم بديع السموات والارض  
ذا الجلال والاكرام والعزة التي لا ترام اسألك يا الله يا رحمن عجل لك ونور وجهك  
ان تلزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني وارزقني ان املوه على الخو الذي يرضيك عني  
اللهم بديع السموات والارض ذا الجلال والاكرام والعزة التي لا ترام اسألك يا الله يا رحمن  
عجل لك ونور وجهك ان تؤمر بآياتي بصري ان تطلق به لسانتي وان تفرج به عني  
وان تشرح صدري وان تغفر لي بدني فانه لا يعينني على الحق غيرك ولا تؤتني الهوى  
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم است و در دو را با الهی بکن این را جمعه یا پنج یا هفت  
مستجاب شود و حکم خداست تعالی ستر شده و در دو علی رضی الله عنه آن حضرت صلی الله علیه و سلم که نقل شد بر حفظ چهار بیت



[illegible]

[illegible]

[illegible]







مقلوبیستندی بر آن نیارده تکمیل شیخ الحدیث فیروز آبادی لغوی و معنی است: منیر السجاده گفته که حدیث من شتم  
الورد والاخر و لم یصل علی فقد جفانی حدیث حاکم الورد والاخر من عمری و امثال ان موضوع و باطل  
است اتمی شیخ عبدالحی و بلوی محمد السد شرح آن آورده که موابی نه گفته بخبریده آورده است که در وینا گردیده است و  
انحراف صلی الله علیه و سلم یا عرق جبریل یا عرق بران شیخ ما در احادیث منبر گفته که در وینا را گفته که صفت شیخ  
ابن حجر مکی گفته که موضوع این حدیث از ابن عساکر نیز حکم بوضع آن کرده و این حدیث من شتم الورد والاخر و لم یصل علی فقد جفانی  
و در میان الاعتدال حدیث را از سمرقاند و مشرقی و عرب که در حدیث منبر بعد از آن بر آن در وینا گردیده است و  
کرده است پیغمبر اصلی الصلوٰه والسلام او را دعا کرده و فرمود یا منیر عکب الله و برکت و عاتق حضرت صلی  
علیه و سلم تا حد و نه حدیث باقی مانده و تحمیل کرده و در او که شنیدیم از پیغمبر اصلی الصلوٰه علیه و سلم که گفت من شتم الورد و لم یصل  
فقد جفانی و درین لفظیه احمدیست با وجود آن در قطع نظر صحت اگر چه در یک طبعه شخصه و در یک طبعه شخصه  
و محبت می صلی الله علیه و سلم طبعه است و در قطع نظر صحت اگر چه در یک طبعه شخصه و در یک طبعه شخصه  
علیه و سلم که لافقی بعضی العلماء المتأخرین جمله اتمی کلام الشیخ عبدالحق رحمه الله و قدوم الورد وینا  
میور رحمه الله در کتاب فتح المعین شرح قره العین بعضی صلوٰه جمعه آورده که روز جمعه است افضل است بخونیت صلوٰه  
صلی الله علیه و سلم نزد شتم آن بلکه حسن است استغفار از آن کما قال شیخنا اتمی مخفی مانده که یقول بخلاف قول شیخ  
و بلوی رحمه الله مستلزم کرات صلوٰه نزد شتم را یک طبعه میشود زیرا که شیخ رحمه الله حکم به اولویت آن کرده و فی سننیت مستلزم  
کرات و فی اولویت بخیر که در جواب اولی منزل است از در حسنیت بعد اولویت و در آیه است و در کرات بعد اباحت حسن  
استغفار از آن مستلزم کرات صلوٰه نیست چنانچه نزد شقی حاکم و خود و صلوٰه هر دو بخون بلکه حسن استغفار مستلزم حسن صلوٰه است  
زیرا که استغفار و عاقبت و خونت ابتدا و اختتام هر دعا بصلوٰه و در بعضی تباوی حقیقه دیده ام که در وینا گفتن نزد شتم کل کا  
که در وینا کیورده مانده و کل را چنانچه مکرره است از آن که این هر دو کل را کنار درستی استعمال میکنند و الله اعلم  
**مقام بیوم در مواقع کرات صلوٰه اول** در اماکن مستقره و مواقع نجاست ذکر کرده است از شیخ محمد  
مهدی فایسی رحمه الله و مطالع المرت و دوم در کلام منی عنه چنانچه شیخ عبدالحق و بلوی رحمه الله در کتاب جناب القلوب  
بدان کرده **بیوم** در وقت غیب یا خوف یا غیبت گویند بخود یا الله من فلک نقل کرده است این را  
ابن حجر مکی رحمه الله از اذکار امام نووی رحمه الله چهارم از جمیع محرم در وقت فضا حاجت انسانی شتم  
شهرت است و در وقت غیب زیرا که این چهار مقام موطن تعظیم نیست و مقصود از صلوٰه تعظیم جناب نبوی صلی الله علیه و سلم  
و مقتضای کلام صاحب مطالع المرت آنکه اتفاق علمایست بر کرات صلوٰه در این چهار موقع و در محل نجس و در عیال  
اختلاف است و اما کلام شیخ ابن حجر مکی به پس لالت بر عدم اتفاق دارد زیرا که وی تصریح کرده است که جماع از علما قایل

[illegible]

[illegible]













[illegible]



[illegible]

الفاسي منها امة مستوروا بسند حسن كه بر كبرين درود كويد واجب براي او شفا من **الام** صل على محمد و آله  
الاعمال لم يبق بعد من يوم القيمة و در درواست عندك في الجنة و مقهور بزر و اولي احتمال دارد كه مقام محمود  
زير كه ان الله فضائل و صلى عليه و سلم كه مستتر كرويد ان بدان روز و تير و آينه احتمال دارد كه سلبه با زير كه ان ارفع درجات و  
صلى عليه و سلم كه مستار كرويد ان از جميع اجزائ منتهى است بسندى ضعيف آمده كه بر كه كوي چيزى الله عنا خدا  
صلى الله عليه و آله و آله و سلم در تحت اندازد و هفتاد و نهمه هزار در در او شستن ثواب يكس ياراي استغفار دارد و او  
اهل احتمال دارد كه راجع بايچا ابقالى يا بوى صلى الله عليه و سلم منتهى است در دروا آمده كه كويد صله خواهد ديد و خوابي كه خواب  
بيند بيند ابر روز قيامت كه بر كبر او قيامت بيند بر او شفاعت كنم و بر كبر اشفاعت كنم خواه او شيد ان حوض من حرام  
خدا ابقالى حبه را بر انش و روز **الام** صل على محمد و آله و سلم و على جسده الاجساد و على فبه في القبور  
حافظ سخاوى گفته كه حال را اصل اين واقف نشدم منها رويت كه دست ابو داود و حسن خود و عبد بن حميد و حسن خود و غيره  
ايشان كه فرمودى صلى الله عليه و سلم بر كبر او شستن چهل و نه ثواب بشمار و اني ترجمون درود كويد بر مالك الان بيت امير المؤمنين **الام**  
صل على محمد ابني و از واجباتها المومنين و ذريت و اهل بيتي كما صليت على ابيهم انك حديد  
منها در دروا آمده ليكن در زندان كمي محمول و ديكرى فخلط است بر كبر او شستن چهل و نه ثواب تا آخر سن كويد **الام**  
اجعل صلواتك بروك انك على النبي الا في و در دروا بسندى موقوف بر المومنين على رضى الله عنه آمده كه بر كبر او شستن  
كنند بموده ن ثواب پمانه و اني ترجمون چهل و نه ثواب بر كبر او شستن چهل و نه ثواب تا آخر سن كويد **الام**  
و الحمد لله رب العالمين منها آمده در دروا از المومنين على كرم الله وجهه بسند ضعيف و از طريقى بر  
است كه رجال ان رجال صحيحين ليكن من سنن بر كبر او شستن بر كبر او شستن بر كبر او شستن بر كبر او شستن بر كبر او شستن  
را صلوة بر بنى صلى الله عليه و سلم بسند **الام** راجحى لما حوات و بارى السموات و حبات القلوب  
على فطرته اشقيها و سعيدها اجعل شرايف صلواتك و نواي بروك انك و رافعة تحتك على  
عبدك و رهوك الخاتم لما سبق و الفاتح لما أغلق و المعين الحق باحق و الدائم مجيب  
الا باطل كما جعل فاضطلع بامر بك بطاعتك مستوفز اني مرضاتك بغير نخل عن  
قدم و لا وهن في غم و اعيال و حيت حافظ العهدك ما ضياني تفاد امر  
حتى اوري قلبا قابلا لا الله لقل باهل اسباب به هديت القلوب  
بعد خوصات الفتن و الاثم و ائتمج موصفات الاعلام و منبرات الاسلام  
ما ترات الامم امينك المأمون و حران عليك الحرم و شهيدك يوم الدين و بعثك  
و رسولا يا الحق حجة الامم تسبح بحمده عذرك خير من صفاتنا انما من فضل منتهى الله

غير مكدرات من فوزنا بآب المضمون خيل عطارك العلول اللهم اعل على بنا والناس بنا والكرم شوا  
لديك ونورك دائم له نورهم واخبرهم من ابعالك صفو الشهادة ومضى القالة لا منطوق عدل مختصر  
وحجج وبرهان عظيم صلى الله وسلم ابو بكر بن ابي شيبة ررو اميد دران شخصي جعلت زياده كرهه اني اللهم اجعلنا  
مطيعين واولياء مخلصين برقرار مصاحبين اللهم ابلغنا من السلام وارود علينا من السلام قوله  
راجي لغني باسط روحه يعني بسط ظلمه اوزان دين است قال تعالى لا ارض بعدد ذلك حاهايكم تروين رازدركه  
اول الشبه بود در ردو امديت آيه همان معني قوله باري السموات باري در غير معني بيدي كننده بدون مثال سموات  
بمعني رفوعات يعني آسمانها و ردو ابجاي باري ساكنه معني بلند كننده قوله جبار القلوعلي فطر تاجبا معني تهاضر  
يحيي حيت و طيعت قوله الغلق لغم اول كسرنا ت صير معني للفعول قوله الدام معني ملاك كند قوله الحبش الا باطيل  
جمع حيشه و آن مره است از جانش معني فواره زد و بلند شد و باطيل جمع باطل قوله كما حل لغم اي مملوك و كسر معني شده و بزرگ معني  
للمفعول قوله فاضطلع بامر اضطلع ايضا معني برخاست به امر تو ببارقوت او بران قوله مستوفى البصيفه اسم فاعل  
بمعني جاري شونده قوله لغو نكل عن قدم نكل بر وزن لفلو جبل معني حين قدم لغم قوله لا ومن لغم و من نصف  
و در ردو است همي ياي مشاه تحتية معني لغزش قوله اعيال معني حافظ و ضابط قوله في تقاضا نفع فون و در ردو ال معني معني  
كردن امر و در ردو ابجاي في علمي است قوله وري از اير است معني روشن كردن آتش قوله قبسا لغم تحتين شعله آتش صاحب  
مواكبت كه در بخير او از ان السلام و حق است قوله لقابس معني كسبه آتش و حاصل آن در بخا اينكه دي صلى الله عليه وسلم ظاهر  
نوري از خود را ي طلب آن پس در ان شبهي دي صلى الله عليه وسلم بر روشن كردن آتش الها حق قوله لا اله الا الله بجمع  
بكره حيره يافت آن تنوين با كسر عذره و سكون لام و تنوين معني نعمتها قوله هديت بصيف معني للفايل و معني للمفعول قوله لا اله الا الله  
كرد قوله موصفات بصيفه اسم فاعل اسم مفعول قوله نارات جميع ناره بيا لطف لا و است قوله اخوان بصيفه مباله  
و در ردو اخوان بصيفه اسم فاعل آيه و در ردو اخوان بصيفه معني خريه قوله عدناك بجمع عين و كمن ال بطين و در ردو حجت  
است يا حجت عدن قوله اجزه بخبره و صلوك كزاي قوله منارات لغم معني و فتح و روشن شده و جمع منارات بجمع خبره معني  
كواكب قوله فوزنا و زاي مخففه فافين معني قوله نواكب المضمون اسم مفعول است از ضمن ايضا و بجمع معني نكل معني نواكب  
بناست آن نكل كرده شود و در ردو نواكب المضمون آيه قوله نواكب المضمون اسم مفعول است از ضمن ايضا و بجمع معني نكل معني نواكب  
المضمون اسم مفعول است از ضمن نختين بجمع نختين و هم معني نواكب نختين معني نواكب اول و در ردو عطا است  
علي بناه الناس و در ردو انما البايين و در است يعني بنا كنند كان قوله نواكب المضمون اسم مفعول است از ضمن ايضا و بجمع معني نكل معني نواكب  
براي همان و در ردو انما قوله نواكب المضمون اسم مفعول است از ضمن ايضا و بجمع معني نكل معني نواكب  
المضمون اسم مفعول است از ضمن نختين بجمع نختين و هم معني نواكب نختين معني نواكب اول و در ردو عطا است

السنن

خطبته فاني سمعت في يومئذ من بني ابي ابي طريفه فقلت يعني قطع مراد ان امره فاصلي بيان حق وبالط صحتها واثباتها في امر  
 علي في السنة المذكورة ان الله وسلامته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما  
 اللهم رب وسعد صلوا الله البر الرحيم والملائكة المقربين والبنين والصدقيين والشهداء والفقهاء  
 وما سجد لكم من شئ يارب العالمين على محمد بن عبد الله خاتم النبيين وسيد المرسلين وامام  
 ورسول العالمين الشاهد البشير الداعي اليك باذنك السلام المأثور عليه السلام حافظ سخاوي رحمه الله  
 واقف نشد بر اصل اين روايت منها در رداده است كه گفت كه ديار نبوي رحمه الله صلى الله عليه وآله وسلم ان من  
 صلى عليه وسلم كفيته صلوة تامه كه اري صلوة تامه اين **اللهم صل على محمد وآل محمد** ان تصلي علي صل  
 كما ينبغي ان تصلي عليه اين روايت اخلاف است ورويت ابني حيدر اكر در ترمذ المصطفى بر آورده صلوة كنونيد  
 صلوة بتر كفتند كه صلوة بتر اجبت رسول الله كفت كه ميكويد اللهم صل على محمد وآل محمد و خاموش غشوبه بلكه كنونيد اللهم  
 صل على محمد وعلى آل محمد شيخ ابن حجر مكي رحمه الله كفت كه سديد است اولي ثابت است از حافظ سخاوي و در حق و در  
 ثابته كفت كه واقف نشدم بر اسناد ان منها بصحت سديد كه ابن عباس رضي الله عنهما واز سبقت اللهم تقبل شفا  
 محمد الكبرى و ارفع در حبه العباد واعطو له في الآخرة و الاولي كما اتيت ابراهيم و موسى منها  
 در ردوا ضعيفه كفت و صلى عليه وسلم اللهم اني اسالك يا الله يا رحمن يا رحيم يا جبار المستجيرين  
 يا امان الخافين يا عاظمي يا عاظمي يا سديد مكي سند لي يا خرمي يا خرمي يا خرمي يا خرمي يا خرمي  
 الفقرا يا عظيمي يا عظيمي يا عظيمي يا عظيمي يا عظيمي يا عظيمي يا عظيمي يا عظيمي يا عظيمي يا عظيمي  
 عزيز يا جبار يا سديد الذي مجد لك سواد الليل وضوء النهار وشعاع الشمس وخفيق النجاة  
 وذوي الماء ونور القمر يا الله انت الله لا شريك لك سالك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك  
 تبصره شيخ ابن حجر مكي رحمه الله كفت كه اين روايت مستحسن است بروصف الهى به او صافيكه دارد شده است بان حديث صحيح و ترو  
 سنت مشهوره است كه اسما الهى توقيف است و ثبوت ان بحديث ضعيف صورت پذيريت پس چايريت خواندن مثل اين  
 نكاه دارد و نشود و احاديث صحيحه منها آمده است در ردوا موضوعه كه هر كه كويد **اللهم صل على محمد وعلى آل محمد** في  
 الاولين و الاخرين و في الملاء الاعلى الى يوم الدين اكر در ياد دارد و نود و ختبان اقام و فرشتگان كتابان  
 بر اينه فاني كرد و در ادو شكسته شو اقام و در سند فرشتگان ثواب ترا صحتها و ثبوتها في امر  
 صلى عليه وسلم تشهد و بر اسميان خود و اسميان ابى بكر رضي الله عنه بسجده عجب و نذران زيرا كه در اسميان وى صلى  
 عليه وسلم و امير المؤمنين ابى بكر صديق رضي الله عنه كسى نهي نشست و و صلى عليه وسلم بعد فتنه نذر و مود كه اين مرد ميكويد و در  
 خود **اللهم صل على محمد كما تحب** و ترضى له حافظ سخاوي رحمه الله كفت كه واقف نشدم بر سند ان و بر تقيت و ثبوت اجل است





صيغته اللهم صل على محمد عبدك ورسولك المبعي لاتي وعلى اله وصحبه ابرك سلم ابن صلوة مشهور  
 در مسجعات عشره که از او را مشهور مبارکه و از زمان تابعین و تبع تابعین معمول است صيغته اللهم لك الحمد بعد  
 من حمدك ولك الحمد بعد من لم يحمداك ولك الحمد كما تحب ان يحمداك اللهم صل على محمد  
 بعد من صلى عليه وصل على محمد بعد من لم يصلي عليه وصل على محمد كما تحب ان يصلي عليه ابن صلوة  
 را بطرانی که یکی از اکابر عتیین است نشان کرده و گفته که این را در خواب آنحضرت صلی الله علیه و سلم عرض کرد و در صلی الله علیه و سلم نوشت  
 استماع این قسم فرمود تا که نوازش بر لب ظاهر شد و از شایبای وی نور ظاهر گردید صلی الله علیه و سلم صيغته اللهم صل على محمد  
 على اله واصحابه واولاده وازواجه وذريته واهل بيته واصهاره وانشائه  
 وحبيبه وامته وعليهم اجمعين يا ارحم الراحمين ابن صلوة را در شفا حسن بکیر رضی الله عنه آورده و گفته  
 وی رضی الله عنه می گفت که هر خواهر که بیا شد یکجا س او فی از حوض مصطفی صلی الله علیه و سلم پس بخواند این صلوة صيغته  
 اللهم صل على محمد في الاولين وصل على محمد في الآخرين وصل على محمد في البين وصل على محمد  
 في المرسلين وصل على محمد الملائكة الاعلى الى يوم الدين اللهم اعط محمد الوسيلة والفضيلة  
 والشرف والدرجة الرفيعة والبشر مقام محمود اللهم اصنت محمد ولم امره فلا تحرم مني الجنة  
 رويته وادرقني حبيبه وتوفني على ملتة واسقني من حوضه شرا بامر يا سائغا هنيئا لا  
 فيه لبعده ابد انك على كل شئ قدير اللهم ابلغ روح محمد واله مناجية وسلاما اللهم كما  
 اصنت به ولم امره فلا تحرم مني الجنة وويلتة تلساني از نيشا پوری نقل کرده که سعيد بن رحمه الله  
 که هر که این صلوة را سه بار وقت صبح و سه بار وقت شام بخواند منهدم شود بنای ذنوب و در محو کردن نقش خطایای او و پاک  
 گردود و در او توبی شود و در عای او و در او شتمال او لغت داده و بر او موفقی گردد و با شایخ و رفیق شود و در  
 به خیر خدا صلی الله علیه و سلم و حجت اعلی و جبرئیل از سعید بن عطاء نقل کرده است صيغته اللهم صل على محمد  
 وعلى آل محمد صلوة انت لها اهل و حوصلا اهل و بارک وسلم شیخ عبدالحق دهلوی رحمه الله گفته که این  
 در روایت حسن بن سعید آورده اند که یکی از ابرار آن که قبول درگاه نبوی بود با خوف این صلوة اقامت داشت  
 چون خواست که از روضه منوره زادگاه الله فاحول کند در خواب آنحضرت را صلی الله علیه و سلم دید که میفرماید یا محمد  
 دیگرش که این درود تو را از خوش آمده است صيغته اللهم صل وسلم على حبيب وقرينك وولييك  
 منظر ربوبيتك ومنال احقرتك ومنال قدركم القدس معطى الحیوة والفضيلة  
 يا مربي ملائكة الحوام مغفیر لواطق النفوس ضما الطفر والنعالي سر و شرف نوبك  
 شیخ عبدالحق دهلوی رحمه الله تا نیشه حبيب القلوب نوشته که بعضی شایخ گفته اند که این کلمات آنرا کرده اند

[illegible]

[illegible]



مرکب کلمات نایاب بوی آموختند و گفتند که ما را برکت این کلمات توفیق می باشد حال مواجبه بخت این بر باغبان میکند و فواید  
سیاست سلطان ابراهیم رحمه الله بقیة العوالم مواظبت نموده **صیغه** اللهم صل علی سیدنا محمد مطلق عیان جوادی  
الایمان فی سیدنا الاحسان منسلا منسلا الی ایماح الکرم فی روض الجنان و علی الرخمد و سلم حسین  
از شیخ سوادین جموی رحمه الله نقل کرده که هر که باین نوع درود بخفرت صلی الله علیه و سلم فرستد بر اینه یا همان از دنیا رود **صیغه** اللهم  
علی سیدنا محمد مفرق فریق الکفر و الطغیان و مشیت بعات حیوین القربین و الشیطان و علی الرخمد  
و سلم حسین کاشی از شیخ اکبر فری عنه نقل کرده که خواندن این درود موجب است از شر شیطان و دفعه نفس و هوا **صیغه** اللهم  
علی سیدنا محمد صا الفرق و الفرقان و جامع الرزق و منزل من سما القرآن و علی الرخمد و سلم حسین  
از شیخ اکبر فری عنه نقل کرده که هر که این درود خواند هرگز بدست ظالمی مبتدا نشود و اراضی تعالی از اجتناب و تنگ دستی نگذارد **صیغه**  
اللهم صل علی غرصات القيمة اللهم صل علی محمد حین یقوم الساعة و الطامة اللهم صل علی محمد صلوة  
مخلصین الامة اللهم صل علی محمد صلوة مبلغة الی السلافة اللهم صل علی محمد صلوة فاکترة علی  
الکرامة اللهم صل علی محمد کما حین اوان اللهم صل علی محمد فی کل زمان و مکان اللهم صل علی محمد  
بکل لسان جنان اللهم صل علی محمد عند ظهور کل حکمة و بیان اللهم صل علی محمد جسا الکتاب الغریب و  
الفرقان اللهم صل علی محمد صلوة مجابین کن و مکان حسین کاشی از شیخ سعدین رحمه الله نقل کرده که در بی طهارت و  
در غرض بود وی صلی الله علیه و سلم آیه این بزرگوار فرموده و باصلاح و انشاء بخفرت صلی الله علیه و سلم کتابت کرده و در آخر آن عیادت خود  
زیادت نموده و صل علی جمیع اخوان من البشیر و الصدیقین الشهداء و الصالحین علی القبله و الایمان  
و الکتاب المیزان یا حنان یا منان و اغفر لامة نبیک حبیب محمد علیه الصلوة و السلام و اسکنهم  
الجنان و احسن الیم یا ولی الاحسان و ادخلهم برحمتک الرضا و الوضوان و الرحمة و الغفران و اعظمهم  
من الشیطان و البیوان برحمتک یا ارحم الرحیم و گفته که خواندن این صلوة و رتبه عرض حاجات موجب است عود  
و امن از مخافات است و اکثر بزرگان تجربه آن کرده اند **صیغه** اللهم صل علی محمد صلوة لاحقة بنومره اللهم صل  
محمد صلوة مقرونه بذكره و منذ کونه اللهم صل علی محمد صلوة مجابین قریب و سلم اللهم صل علی محمد صلوة مختطفه بطریق  
و صل علی محمد صلوة منقولة من قتلوا اصحابه اللهم صل علی محمد صلوة شارحة متفرقة فی مسطوره  
و صل علی جمیع اخوانه من الانبیاء و الاولیاء و بعد و عباده و مریدین الما و ظهوره و النور و ظهوره  
و الحق و امور حسین کاشی از شیخ سوادین نقل کرده که در همان فرموده که از آن حضرت صلی الله علیه و سلم در سماع این صلوات  
خواهر و فواید بسیار است **صیغه** اللهم صل علی محمد کما کل مرتبة الف الف مرتبة حسین کاشی گفته که یکی از خلفای شیخ که در  
عقار الدوله سمنانی رحمه الله آن حضرت صلی الله علیه و سلم را خوابیده می بینید که چگونه درود گویم بر تو فرمود که این صلوة بگو **صیغه**

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي أَوَّلِ كَلَامِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي وَسْطِ كَلَامِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي آخِرِ كَلَامِنَا  
 حسين كاشغري گفته کشنج سعید الدین غانی در مساجد این صلوة را ایراد کرده و شیخ ابو العباس بزرگ گفته که هر کس این را هر روز بگوید  
 بخواند یار تمام ساعتانبار و صلوة و ستاده **صیغہ** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْهِ وَسَلَّمَ عِدَّةَ مَا عِلَّتِ اللَّهُمَّ صَلِّ  
 مُحَمَّدٍ وَالْهِ وَسَلَّمَ نَهْ مَاعِلَّتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْهِ وَسَلَّمَ مِلَّةً مَا عِلَّتِ مِلَّةً کاشغری گفته که این صلوة از خفای  
 نبینا و علیه الصلوة و السلام بعضی از اولیاء این است سید او و شیخ فرغانی نیز مذکور و مضاف آن **صیغہ** اللَّهُمَّ صَلِّ  
 سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَالْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ مَا بَرَأَ الْقُرْآنَ حَرْفًا حَرَامًا بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ الْفَاحِشِينَ شَرِّ  
 الی الحسن بن محبوب و شاذلی نقل کرده که بموجب التماس شیخ ابو عبد الله حرطی این صلوة را ایراد کرد و گفت بوقت تمام و نطقه فرما  
 این صلوة خوانده **صیغہ** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كُلَّ آوَدٍ وَ دَوْدٍ وَ حُسَيْنٍ کَاشِغَرِی زَمَانًا شَمْسُ بَیْنِ کَیْسٍ نَقَلَ کَرْدُ وَ مَلِکُ وَ بَاعِی  
 بود انحضرت صلی علیه و سلم و خوب و در سجده دعا می بر آید و این صلوة تعلیم کرده فرمود که گفتن آن موجب است و با است  
**صیغہ** یَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ رَزَقِ هَذِهِ الْأَشْجَارِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ الْوَرْدِ وَ الْأَنْوَارِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ طَلْقًا لَا  
 وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ رَسْلِ الْفَقَارِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ دَوَابِ الْبَرَارِی وَ الْبَحَارِ حُسَيْن کاشغری از زبیرة المذکورین  
 که یکی از صلی است در ایام بهای بصره گفت و سبزی اشجار و ظهور نور مشاهد نموده این را گفت تا قی آواز داد که این در و در کوفت در  
 انداخت کرام کاتبین الحجت نوشتن جواب این کلمات و مستوجب جات بلند شد و هر که از بدی کرده بود آمرزشه **صیغہ** اللَّهُمَّ صَلِّ  
 سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ صَلَوةً دَائِمَةً وَ أَوَّلًا مَا يَنْبَغِيكَ لَكُنْ لَكَ ضَاوِعٌ وَ حَفِيزٌ  
 صَلَوةً مَقْبُولَةً لَدَيْكَ وَ رَضَةً عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ حُجْبَةً بَارِكْتَ فِيهِ صَلَوةً وَ شَيْخٌ عَدِلَ الْحَقُّ بِهُ وَ كَانَتْ جَنَابِ الْقُلُوبِ حَاشِيَةً  
 بلاست کسی را که بر دین او و همچنین زیاده و غیره را که بعد از این مذکور شد بعد از نسبت آورد **صیغہ** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَاةً دَائِمَةً  
 وَ صَلَاةً آخِرَةً وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَاةً دَائِمَةً وَ صَلَاةً آخِرَةً وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَاةً دَائِمَةً وَ صَلَاةً آخِرَةً  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ وَسَلِّمْ وَ عَظِّمْ وَ كَرِّمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْعَالَا دُنْيَانِيَّةً وَ ظَاهِرًا دَعْوَةً وَ لِقَاءً ذِكْرًا وَ  
 شَرِيعَةً وَ فِي الْآخِرَةِ لِقَاؤَ شَفَاعَتِهِ فِي أَمْنِهِ وَ تَقْوِيَّتِهِ فِي أَيْدِيهِ وَ ظَهَارِ فَضْلِهِ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ  
 وَ نَقْدِهِ عَلَى كَافَّةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ لِيَسْتَفَاعِدَ الْعَالَمُونَ وَ عَلَى آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ تَابِعِيهِ جَمِيعِينَ  
**صیغہ** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مُنْعِدًا الْجُودَ وَ الْكَرَمَ وَ مَسْجِعًا الْعِلْمَ وَ الْحِكْمَ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَلِّ بِصِغَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ  
 مُحَمَّدٍ بَعْدَ آوَرَانِي الْأَشْجَارِ بَعْدَ نَطْرَاتِ الْأَمْطَارِ بَعْدَ رَوَابِ الْبَرَارِی وَ الْبَحَارِ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَلِّ  
**صیغہ** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ ذَرَّةٍ الْفَالِقَةِ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَلِّ بِصِغَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 عَلَى إِسْمِ سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأَمِيِّ الَّذِي أَرْسَلْتَهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ أَصْطَفَيْتَهُ عَلَى خَلْقِكَ جَمِيعِينَ مَبَارَكٌ  
 عَلَيْكَ صَلَاةً مَا عِلَّتْ نَبِيٌّ عَلَيْكَ عَدَدَ خَلْقِكَ عَدَدَ كُلِّ ذَرَّةٍ أَصْغَا فَا مَصَاعِفُ فِي ذَلِكَ الْعَدَدِ

فِي الْقَمَرَةِ فِي كُلِّ نَفْسٍ كَحَرْفٍ وَحُفَّةٍ وَطَرَفَةٍ يَطُوفُ بِهَا أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَعَلَى الرَّوحِ وَجْهَهُ **صَلَّى**  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى رَسُولِكَ لَسِيدِ الْكَامِلِ الْفَاتِحِ الْحَكِيمِ بَنُو الْأَمِينِ وَرَسُوكَ الصَّادِقِ الْأَمِينِ  
 وَابْنِ سَيِّدِنَا أَحْمَدَ الْوَسِيْلَةِ وَالْفَضِيلَةِ وَالْذَّخْرِ الرَّقِيقَةِ وَابْنِ عَتَّةِ الْقَامِ الْحَمْدُ الَّذِي وَعَدَ الْمُنْقِيعَ الْمُرْتَضَى  
 وَرَسُوهُ الْجَنَّةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ عَلَى الرَّحْمَةِ صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَبَارَكْتَ عَلَيْهِ عَلَى الْكَوْبَارِ صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الْغَا  
 ثِ بْنِ حَمْدٍ عَدَدَ خَلْقِكَ رِضَا نَفْسِكَ سَلَامَ تَسْلِيمِكَ كَثْرَةَ طَيْبِ مَبَارَكَاكَ بِوَجْهِكَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
**صَلَّى** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَارَكْتَ وَعَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ قَطَرَتْ مِنْ مَنَوانِكَ  
 إِلَى الْأَرْضِ مِنْ حِينَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلِّ يَوْمٍ الْقَمَرَةِ عَلَى الرَّوحِ وَجْهَهُ **وَسَلَّمَ** **صَلَّى**

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الرَّوحِ وَجْهَهُ سَلَامَ عَدَدِ كُلِّ شَيْءٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالرَّوحِ وَجْهَهُ سَلَامَ كُلِّ شَيْءٍ **صَلَّى**  
 مُحَمَّدٍ وَالرَّوحِ وَجْهَهُ سَلَامَ كُلِّ شَيْءٍ **صَلَّى** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ **صَلَّى** عَدَدَ خَلْقِكَ رِضَا نَفْسِكَ ذَرَعَتِكَ كَلَامِكَ وَنَهْيِكَ  
**صَلَّى** صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ لَمْ يَصَلِّ صَلَوةً هَلَّا تَجْعَلُ فِيهَا لَوْحَةً مِنْ نَفْسِكَ وَتُجَاوِزَ فِيهَا وَجْهَهُ وَرَأْسَهُ **صَلَّى** اللَّهُمَّ صَلِّ  
 صَلَواتِكَ وَأَنْتَ بِرَبِّكَ سَمَدٌ وَأَنْتَ تَعْلَمُ فَضْلَهُ وَعَدَدُ أَشْرَافِ الْخَلْقِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْحَقَائِقِ وَالْإِيمَانِيَّةِ وَطُورِ الْجَبَلِيَّاتِ الْأَحْسَنِيَّةِ

وَمَنْ بَطِ الْأَسْرَارِ الرَّحْمَانِيَّةِ وَغَرَسَ الْمَلَكَةِ الرَّبَّانِيَّةِ وَاسْمَامَ الْخَضِرَةِ الْقُدْسِيَّةِ وَاسْمَا عَتَّةِ عَقْدِ الْبَنِينَ وَفِيهَا  
 جَيْشُ الْمُرْسَلِينَ وَفَائِدَةُ رُتَبِ الْأَنْبِيَاءِ الْمَكْرَمِينَ وَأَفْضَلُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ صَلَواتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ عَلَى مَا كُنْتَ  
 الْحَمْدُ الْأَسْمَى شَاهِدُ اسْمِكَ الْأَزَلِّ مُشَاهِدُ أَنْوَارِ السُّورِ الْأَوَّلِ وَدَحْخَالِ السَّانِ الْقَدِيمِ وَمَنْبَجِ الْعِلْمِ وَالْهَلْمِ  
 وَأَحْكَمِ وَسْطَرِ الْجُودِ الْخَيْرِيِّ وَالْكَلْبِيِّ إِنْسَانِ عَيْنِ الْوُجُودِ الْعُلُوفِيِّ أَسْمَاءُ رَحْمَةٍ جَسَدِ الْكُوفِيِّ وَجَنَّةِ  
 الدَّارِينَ الْحَقِيقِ بِالْعِلْمِ رَبِّ الْعِوَدَةِ الْمُخَلِّقِ بِأَخْلَاقِ الْقَامَةِ الْأَمْطَانِيَّةِ الْخَبِيرِ الْأَعْظَمِ وَالْحَبِيبِ الْكَرِيمِ  
 سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَلَى الرَّوحِ وَجْهَهُ أَجْمَعِينَ عَدَدَ مَعْلُومَاتِهِ وَمَدَارِ طَلَبَاتِهِ كَمَا ذَكَرَكَ وَذَكَرَ  
 الدَّاكِرُونَ وَكَلَّمَ عَقْلَ عَنْ ذِكْرِكَ ذَكَرَهُ الْعَافُونَ ابْنَ صَلَوةِ الرَّقِيبِ فِي مَحَبَّتِهَا عِيدِ الْفَارِجِ قَدَسَ اسْمُهُ  
 هَسْتُ دَارِ فَاطِمَةَ اسْمُ مُحَمَّدٍ عِيْدِي أَهْلِ الْخَيْرِ جِي نَجَارِي نِظَامِ الدِّينِ مُحَمَّدِ بْنِ عَاصِي جِسْمِ اسْمِهِ كَيْهْ خَوَانِ ابْنِ صَلَوةِ لِيُصَوِّمَ  
 وَتَلْبِيبِ رُوحِ مِفْتَاحِ رُوحِ جِهَالِ مَعْصُومِ صَلَوةِ عَلَيْهِ وَحَمْدِ ابْنِ صَلَوةِ رَاحِصِ خَفَةِ الْغُرْبِ بِأَذْكُرِ تَغَاوُثِ نَعْلِ كَرْدِ اسْمِهِ  
 صَلَوةِ كَرْدِ اسْمِهِ وَكَلَامِ الشَّافِرِ مَوْهٍ إِذَا خَطِبَ حَبْرُ بَرْدِ وَدَارِ دَارِهِ لَحْظُ الْفَرَسِ بَارِعَاتِ الْخَفَاءِ بَرْنَ صَلَوةِ  
 كَرْدِ وَفِي الْخَفَةِ الْكَرْبِ قَبْلَ تَزْدِيدِ صَلَوةِ فَيَسْتَبْرَأُ

**صَلَاةٌ كَيْفِيَّةٌ** وَاحِدَاتِ شَرِيفَةٍ وَارْتِ بِلَا شَكِّ انْتِ بَانَ كَيْفِيَّةِ تَلْعَسُ لَفْظُ شَرِيفِ صَلَوةِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَضْلُ كَيْفِيَّةِ  
 هَسْتُ لِهَذَا بَعْضُ عِلْمِ كَلِمَةِ أَنْدَكَ أَفْضَلُ صَلَوةِ هَسْتُ كَيْهْ شَمِيعِ مَجْنُونِ دِلِيلِ تَعْلِيمِ صَلَوةِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَحَبَّتِهَا عِيدِ الْفَارِجِ قَدَسَ اسْمُهُ  
 حَرَاكَ احْتِشَانِ كَلِمَةِ صَلَوةِ عَلَيْهِ وَاسْمِ بَرَاذَنْ تَرْفِيقِ مَكْرَاهِ أَفْضَلُ انْتِ رَاحِصِ انْتِ نَحْوِ ابْنِ رَحْمَةِ اسْمِهِ رُوحِ كَرْدِ





في العالمين انك حميد مجيد وداود کا خود زبانه کرمه لفظ عبدک رسول محمد صل علی محمد وفضلہ  
 کرمه لفظ النبی الای بعد پاکر محمد وبراہین عرض کر دہ ہے تین لفظ امہات المومنین بعد از او لفظ  
 بلیتہ بعد از بیتہ و لفظ عبدک رسولک بعد پاکر علی محمد و لفظ فی العالمین انک حمید مجید پشیز و بارک  
 لفظ و تو جم علی محمد الف بعد انک حمید مجید خبر و لفظ صل علینا معہم بعد از زیادہ یک روز کر دیت و الی و داود  
 این الفاظ و اہر **سیر و ہم** کہنے است شیخ محقق کمال الدین بن ہمام متقی رحمہ اللہ کہ فی ہر صغیرہ موجود اند اللہ صل  
 افضل صلواتک علی سیدنا عبدک نبیک رسولک محمد و السلام علیک و علی آلک و سلم و شرفا و تکریر و تکرار  
 المنزل المقرب عندک بجم القیمۃ چہار و ہم جمع ہست بعض علمائے جمع است و در احادیث وین صغیر اللہ صل  
 و بارک و ترحم محمد عبدک و نبیک رسولک النبی الای سید المرسلین و امام المتقین خاتم النبیین  
 امام الخیر و قائد الخیر و رسول الرحمة و علی ازواجہا المومنین ذریتہ و اہل بیتہ و اہل بیتہ  
 و انصارہ و اتباعہ و شیاعہ و محبہ صلیت و بارکت و ترحت علی ابراہیم و علی آل ابراہیم فی العالمین  
 انک حمید مجید صل و بارک و ترحم علینا معہم افضل صلواتک ازکی برکاتک کما ذکرک لذا کون  
 و غفل عن ذکرک الغافلون عد و الشفع و التوعد و کما انک التامات البارات و دخلک  
 رضی نفسک زنت عرشک مدد کما انک صلوة دائمة بدوامک اللہ بعد لوم القیمۃ مقامات خود را  
 بلالون و الاخر و انزلہ المقعد المقرب عندک بجم القیمۃ و قبل شفاعة الکبری و ارفع حشرہ العلیا  
 واعظم سنو فی الاخرۃ و الاولی کما اتیت ابراہیم و موسی اللہ جل فی المصطفین و المومنین و المومنین  
 و فی الاعلیین ذکرہ و آخرہ عنا ما ہوا اہل خیر ما خیر نبیینا عن متہ و خیر الانبیاء کلام خیر صلوات  
 اللہ و صلواتہ المومنین علی النبی الای السلام علیک یا النبی رحمۃ اللہ و بركاتہ و مغفرۃ و رضوان اللہ  
 منا السلام و اورد علینا منہ السلام و اتبعن امتہ و ذریتہ ما تقرت عنہ یا رب العالمین یا ترحم  
 ابرجہ کی کہ کہنے کہ ابرجہ میل ابرجہ و بخوانم زساہا این اللہ صل علی محمد عبدک و رسولک النبی الای و علی آل  
 محمد و ازواجہا المومنین و ذریتہ و اہل بیتہ کما صلیت علی ابراہیم و علی آل ابراہیم العالمین انک  
 حمید و بارک علی محمد عبدک و رسولک النبی الای و علی آل محمد و ازواجہا المومنین و ذریتہ و اہل  
 بیتہ کما بارکت علی ابراہیم و علی آل ابراہیم العالمین انک حمید و کما بلیق بعض شرفہ و کما کہ و رضا کہ  
 کما تحت و رضی لہ بعد معلوم است مدد کما انک و رضی نفسک زنت عرشک افضل صلواتہ و اکملہا و  
 انہا کما ذکرک ذکرہ الذاکرون و غفل عن ذکرک ذکرہ الغافلون و سلم تسلیا کذلک و علینا  
 ذکرہ کہ کہنیت بلع کفیا ذکرہ است یا برال ان براہین کفیا باز یاد فی ہر صغیرہ است و ہر صغیرہ کفیا ذکرہ

[illegible]

برای تفسیر این حدیث در قول و تعالی انا اوجینا الیک كما اوجینا الی النور و قول تعالی احسن الله فی قول و تعالی  
 کتب علیکم الصیام كما کتبت علی الدین من قبلکم و اشال ان السیاسته قریبی ترجمه داده این قول را در سوره و نام نووی  
 نیز ترجمه کرده است چه ارم اینکه کاف در کما صلیت بر ائمه است چنانچه در قول و تعالی و ذکر کرده کما هدیکم ای لاجل هذا  
 ایاکم یعنی با و کنید خدا تعالی را بابت کردن او شمارا و همچنین است تقدیر صل علی محمد کما صلیت علی ابراہیم یعنی در روز  
 برخیزد بعد از وفات او بر ابراهیم صلوات الله علیه بابت بآل محمد فقط عمر در بیان این شرح ابی حاتم نقل کرده که این مضمون است امام  
 رضی الله عنه و اعراض باینکه لازم آید مساوات آل و ابی صلی الله علیه و سلم با ابراهیم علیه السلام مساوات غیر بنیابا انبیاست چنانکه در کتب  
 باینکه در پنج صلوة بر آل محمد صلی الله علیه و سلم مثل صلوة بر ابراهیم و آل و علیه السلام در صلوات بزرگواران و تعظیم نه در کمال آن که کتب  
 غیر بنی ابی رانست چنانکه این قیم رقم کرده است عدم محتسبین قول از امام شافعی فی عنده که این ترکیب یک در غیر موصوف است و  
 فحتم امام حمید و شیخ ابن حجر مکی ره در کتابی در منصفون فی رکات آن نموده اند که تقدیر کلام و صل علی آل محمد کما صلیت  
 علی ابراہیم و آل و علیه السلام متعلق است بکلمه نایه و آن مخالف قاعده امامیه است چه نزد او جائز است جمیع متعلقا بسوی سیح جلالی توجیه  
 در روز و روز و در آن لغز آل محمدیت جاری نمیشود پس تمام است **ششم** تشبیه مجموع مجموع است از آنکه انبیا آل ابراهیم علیه السلام  
 پس اگر مقابل کرده و آن ذوات کثیره از ابراهیم و آل و علیه السلام با صفا کثیره اخفرت صلی الله علیه و سلم ممکن است متفاوتا فضل و مرتبه  
 است قول ابی الیمین بن عساکر و ابن عساکر صلوات الله علیه و سلم و آل او متساوی است بصلوة بر ابراهیم علیه السلام  
 و آل او پس حاصل میشود اخفرت صلی الله علیه و سلم و آل او از آثار ضوآن متعارف است حاصل است برابر ابراهیم علیه السلام و آل او که کثیره  
 اند پس کم کرده و جمله اس حاصل خواهد شد آل اخفرت صلی الله علیه و سلم را آنچه حاصل آل ابراهیم علیه السلام را نیز که غیر انبیا  
 انبیا نمیشود انتی چون متعارف مساوی شد صلوة بر اخفرت صلی الله علیه و سلم و آل او مجموعا صلوة بر ابراهیم علیه السلام و آل او را  
 درست تشبیه لازم نیامد افضلیت ابراهیم علیه السلام امام نووی و ابن قیم جمعا الله تحسین کرده این توجیه را از روی ریه در آن لفظ  
 محمدیت این توجیه هم جاری نمیشود و اما در اعلم مقفم در نجاشیه سیدنا علیه السلام اخفرت راضی علیه السلام که قبل از دعا حاصل  
 ربر که دعا متعلق نمیشود مگر بعد میان علیه الهی برابر ابراهیم علیه السلام را که حاصل بود از اخفرت راضی علیه السلام و سلم قبل از دعا حاصل  
 داخل شد در تشبیه و آنچه بعد دعا حاصل شد در آن فضل برابر ابراهیم علیه السلام و باینکه فضل کافی است که او حاصل بود و اخفرت  
 بعد دعا حاصل و متکمل است که تشبیه حاصله اخفرت صلی الله علیه و سلم بصلوة بر ابراهیم علیه السلام با و آن خود در نجاشیه است  
**هفتم** تشبیه باعتبار صلوة نیست که حاصل میشود اخفرت راضی علیه و سلم و آل او از ابراهیم و آل او را نیز که غیر انبیا  
 بیا نشکر کرده اند باینکه صلوة بر اخفرت صلی الله علیه و سلم و قیامت تجاب آنچه طلب میکنند هر فرد غیر آنست که طلب دیگری و الا لازم آید  
 حاصل پس برابر که بنده دعا کند بصلوة باینکه مذکور حاصل شود خدا تعالی اخفرت راضی علیه و سلم و آل او را صلوة که متماثل  
 صلوة بر ابراهیم علیه السلام و آل او است پس مجموع حاصل میشود اخفرت راضی علیه و سلم و آل او را و اضعاف آنچه حاصل ابراهیم

[illegible]





بحکم کرم که بودن صلی الله علیه و سلم بر حق از همه جنبه های الهی و مروتی تعالی را در جمیع دیکر است بر آنحضرت صلی الله  
 و سلم که ملک و مینو در عاجت حصول نظر بر آن کذا قال الشيخ ابن حجر المذیحه الله فائدة در زیادت لفظ  
 سیدنا پیش از نام ترید آنحضرت صلی الله علیه و سلم خلافت اجدالدین لغوی همه است که گفته اند که ظاهر آن است بنا بر اقتضای آنچه در  
 شده است در حدیث منوئی که گفته یار دارم که شیخ غازی بن عبد السلام بنا کرده است بر اینکه امثال او افضل یا سلوک یق  
 ادب پس بر تقدیر اخیر مستحب است انتی شیخ ابن حجر کی ره نیز مایل استجاب است و گفته که سلوک یق ادب اولی است از امثال  
 زیرا که چون امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه در حالت امامت خود آنحضرت را صلی الله علیه و سلم در مناخر کرد از میان خود  
 و آن حضرت صلی الله علیه و سلم امر کرد بقبولت در میان او امثال او را و چون صلی الله علیه و سلم بعد از نماز بر سجده عرض کرد  
 که بنا بر ادب امثال من منوم و گفت ماکان یکنیخی <sup>لا یکنی فیما فی</sup> ان یتقدم باین بدی رسول الله صلی  
 علیه و سلم نیست سزاوارتر است بر حقیر از آنکه متقدم شود پیش رسول خدا صلی الله علیه و سلم و در اینجا دلیل قوی بر آنکه  
 سلوک طریق ادب اولی است از امثال او را و از این سجود در اسد یا بسند موقوف بصحبت سیده که نیک سیده بر سجده و  
 کرده او را آن کیفیت که در آن لفظ سیدنا که سیدنا است و آن شامل است تا از خارج آنرا بعضی خندان جاو گفته که  
 زیادت سیدنا سبط نماز است شیخ ابن حجر کی ره گفته که این غلط و افسح است و احتیاج بعضی تعیین خارج صلو  
 بحديث انکادوی صلی الله علیه و سلم بر سیده گفت انت سیدنا بموقع است زیرا که انکار برای فراط در مدح است  
 باوصافیکه بعد از آن ذکر کرد شیخ محقق جلال الدین علی ره گفته که او یک سیده مذکور شود مطلوب است در شرح مذکر لفظ  
 سیدنا چنانچه در حدیث محمد بن ابی بکر بن عبد الله بن مسعود <sup>عن</sup> الی سیدنا کم یغیر سیدکم ابو بکر معاذ و بسادات و بعلم و دین بود پس قول  
 مصلی اللهم صل علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلو به زیادت اخبار بام و واقعی است انهی و بصحبت سیده  
 است قول بی صلی الله علیه و سلم انما سیدنا و لدی آدم من سرور او لا و آدم و اما ابن نمیه که فتوی تبرک  
 راده است پس بنا بر استاضایه حنفیه بروی شیخ منوئی و شیخ ابن حجر کی ره همه است گفته که اولایق آنست  
 فایده فتوی داده ابن عبد السلام ره باینکه اولی در صلوته اقتضای بر کنایست که در احادیث مذکور اند از آل  
 و از واج و زریه و اهل بیت نه اصحاب شیخ ابن حجر کی ره همه است گفته این ظاهر است نسبت بصلوة تشهد اما در صلو  
 خارج صلوته پس اولی است ذکر اصحاب در آن زیرا که هرگاه مطلوب بصلوة بر همه آل و در آنهاست غیر صحابی  
 نیز پس طلب آن برای صحابه اولی است بلکه قنویت حکم باستجاب آن کرده کما مر ساقا فائدة بعضی  
 اند که در نماز تعیین لفظ صلوته که در حدیث وارد است واجب است و ذهب عدم تعیین است پس کفایت خواهد کرد اللهم  
 صل علی محمد و محمدین صلی الله علی محمد بن رسول صحیح زیرا که در خبر زیادت تاکید است بخلاف الصلوته علی  
 رسول الله که بالاتفاق کافی نیست زیرا که خالی است از اسناد صلوته لبوی خدا تعالی پس نشد آن در معنی

و از اینجاست قول نسیان وری جمله اند که کافیست گفتن **صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ** زیرا که مرتبه بعد قاضیست از این که سوال کنند  
 از خدا تعالی برای فرستادن **صَلوة** بر **صلی الله علیه وسلم** و جایز است ابدال لفظ محمد بنی و رسول الله بنی بلفظ احمد و غیره  
 که مرجع متقدم شود و نه بلفظ الرسول چنانچه بعضی عبادی از امام شافعی نقل کرده اند و اما خارج نماز بعضی  
 گفته اند که ایان **صلوة** بصیغه طلب یعنی اللهم صل وسلم افضل است چنانچه در تشهد جمعی دیگر جواب میدهد باینکه  
 محدثین اتفاق دارند بر اینان آن در وقت تحذیر بصیغه خبر یعنی **صلی الله علیه وسلم** زیرا که نزد قرأت کتب حدیث و جمیع  
 عوام پس در صیغه طلب و هم آنهاست که **صلوة** از خدا تعالی تا حال بر آن حضرت **صلی الله علیه وسلم** یافته نشود حال آنکه  
 طلب آن میکنند و در صیغه خبر یا در صیغه طلب آن معنی طلب را این دو نیست تا اید در پی خبر زیاده است از صیغه طلب که  
**انفا فائده** و ذات قرآن افضل است یا **صلوة** بر بنی **صلی الله علیه وسلم** جزری را در جواب داده است که **صلوة** بر **صلی الله**  
**علیه وسلم** در مواظبت که نص بدان آورده شده افضل است غیر آن قایم نشود در مقام آن و اما در غیر آن پس قرائت قرآن  
 افضل است عید القادر عید روسه جواب داده که هر یک که از و انعام و او را در زیاده اند پس کثرت **صلوة** اولی است  
 در حق او بر آن تطهیر محل اخلاص است تا مستعد قبول النوا شود و هر یک و مسلک بر آن قسطن باشد پس قرأت قرآن افضل است  
 و اما در آن رفع حجاب تضاعف النوا شود هر دو است از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه که اگر کسی بنویسد آنست من بدو  
 نرسد بگو تعالی می چشم مگر **صلوة** بر محمد بن **صلی الله علیه وسلم** پس سببیکه شنیده ام رسول خدا **صلی الله علیه وسلم** که میفرمود  
 جبرئیل ای محمد بدو چشم خدا تعالی بسکوبد هر که در دو گوید بر تو دره یا سحیحی امین شود از سخط من رویت کرده است از آن تعجب  
 مخد و از طریق او این تشکوال لیکن در سندان جز نیست غیر **مسئله فائده** ظاهر کلام بعضی ضابطه و وجوب زیاده لفظ بار  
 علی محمد است در **صلوة** و این جزم گفته که واجب است از هر یک که در حدیث آمده است که هر یک یکی از آنها فائده  
 نیستند باین برکت بمعنی نیویاز زیادت جبر و کرامت است و بعضی گفته اند که تطهیر است و بعضی گفته اند که کعبه است و در دو  
**تطهیر فائده** خلاف است و اینکه اگر کسی در دو فرستد **بصیغه اللهم صل علی محمد الف مرة** و عدد کند او منسل  
 آیا حاصل میشود و اما ثواب موافق آن عدد پس این عوفه گفته که حاصل میشود ثواب اکثر از یکبار نه موافق عدد مذکور بعضی  
 گفته اند که حاصل میشود و اما ثواب موافق عدد مذکور حقیقه و بعضی گفته اند که عدد لغو است هیچ روفی در بعضی کتب و گفته اند که  
 متوسط اولی بکرم او تعالی است و قول اخیر ظاهر است در اعتبار و نیز گفته شده که این مختلف است باختلاف احوال و استخوان است  
 مانع است و از آنجمله آنست که مانع است از او شغل و سبب مانع است از او شغل نیست تا آنکه سبب اختیار کرده است از او  
 غفلت و شیخ ابن حکم آورده که ابو الفرج عید روسه از ابی المظرف سوال کرد در کیفیت **صلوة** تکیه درین حدیث وارد شده **صلی**  
**علی فی یوم خمیسین مرة صاخحة یوم القيمة** رواه ابن بستان و آن سبب آنست که ابو المظرف بگوید اللهم صل  
 علی محمد خمیسین مرة پس حاصل خواهند بود ثواب اینجا و اما انشاء الله تعالی و اگر بخواه بارنگار آن کند پس بهتر است این

[illegible]

وصلی اللہ علی سیدنا محمد البنی الہادی وعلی

الواجب واجد زرعته واهل بيته

اصحاب الفسار بعد كل

خزينة المال فرم

تلاوة

df

رابعی تاریخ از جانب سید عبداللطیف الطف

این نسخه خوب بهر ارباب خضوع

اسناد درود گشته نیکو مطبوع

چون طریق یافت با حسن شیوع

تاریخ گفت دل ز روی سبقت

۴۴۴۴۴۴۴۴

١٢



صحبت مسکیتا بسامان زهار فی الصلوٰۃ علیہ السلام

|     |    |     |    |     |    |     |    |
|-----|----|-----|----|-----|----|-----|----|
| ۱۰  | ۶  | ۱۰  | ۶  | ۱۰  | ۶  | ۱۰  | ۶  |
| ۱۱  | ۷  | ۱۱  | ۷  | ۱۱  | ۷  | ۱۱  | ۷  |
| ۱۲  | ۸  | ۱۲  | ۸  | ۱۲  | ۸  | ۱۲  | ۸  |
| ۱۳  | ۹  | ۱۳  | ۹  | ۱۳  | ۹  | ۱۳  | ۹  |
| ۱۴  | ۱۰ | ۱۴  | ۱۰ | ۱۴  | ۱۰ | ۱۴  | ۱۰ |
| ۱۵  | ۱۱ | ۱۵  | ۱۱ | ۱۵  | ۱۱ | ۱۵  | ۱۱ |
| ۱۶  | ۱۲ | ۱۶  | ۱۲ | ۱۶  | ۱۲ | ۱۶  | ۱۲ |
| ۱۷  | ۱۳ | ۱۷  | ۱۳ | ۱۷  | ۱۳ | ۱۷  | ۱۳ |
| ۱۸  | ۱۴ | ۱۸  | ۱۴ | ۱۸  | ۱۴ | ۱۸  | ۱۴ |
| ۱۹  | ۱۵ | ۱۹  | ۱۵ | ۱۹  | ۱۵ | ۱۹  | ۱۵ |
| ۲۰  | ۱۶ | ۲۰  | ۱۶ | ۲۰  | ۱۶ | ۲۰  | ۱۶ |
| ۲۱  | ۱۷ | ۲۱  | ۱۷ | ۲۱  | ۱۷ | ۲۱  | ۱۷ |
| ۲۲  | ۱۸ | ۲۲  | ۱۸ | ۲۲  | ۱۸ | ۲۲  | ۱۸ |
| ۲۳  | ۱۹ | ۲۳  | ۱۹ | ۲۳  | ۱۹ | ۲۳  | ۱۹ |
| ۲۴  | ۲۰ | ۲۴  | ۲۰ | ۲۴  | ۲۰ | ۲۴  | ۲۰ |
| ۲۵  | ۲۱ | ۲۵  | ۲۱ | ۲۵  | ۲۱ | ۲۵  | ۲۱ |
| ۲۶  | ۲۲ | ۲۶  | ۲۲ | ۲۶  | ۲۲ | ۲۶  | ۲۲ |
| ۲۷  | ۲۳ | ۲۷  | ۲۳ | ۲۷  | ۲۳ | ۲۷  | ۲۳ |
| ۲۸  | ۲۴ | ۲۸  | ۲۴ | ۲۸  | ۲۴ | ۲۸  | ۲۴ |
| ۲۹  | ۲۵ | ۲۹  | ۲۵ | ۲۹  | ۲۵ | ۲۹  | ۲۵ |
| ۳۰  | ۲۶ | ۳۰  | ۲۶ | ۳۰  | ۲۶ | ۳۰  | ۲۶ |
| ۳۱  | ۲۷ | ۳۱  | ۲۷ | ۳۱  | ۲۷ | ۳۱  | ۲۷ |
| ۳۲  | ۲۸ | ۳۲  | ۲۸ | ۳۲  | ۲۸ | ۳۲  | ۲۸ |
| ۳۳  | ۲۹ | ۳۳  | ۲۹ | ۳۳  | ۲۹ | ۳۳  | ۲۹ |
| ۳۴  | ۳۰ | ۳۴  | ۳۰ | ۳۴  | ۳۰ | ۳۴  | ۳۰ |
| ۳۵  | ۳۱ | ۳۵  | ۳۱ | ۳۵  | ۳۱ | ۳۵  | ۳۱ |
| ۳۶  | ۳۲ | ۳۶  | ۳۲ | ۳۶  | ۳۲ | ۳۶  | ۳۲ |
| ۳۷  | ۳۳ | ۳۷  | ۳۳ | ۳۷  | ۳۳ | ۳۷  | ۳۳ |
| ۳۸  | ۳۴ | ۳۸  | ۳۴ | ۳۸  | ۳۴ | ۳۸  | ۳۴ |
| ۳۹  | ۳۵ | ۳۹  | ۳۵ | ۳۹  | ۳۵ | ۳۹  | ۳۵ |
| ۴۰  | ۳۶ | ۴۰  | ۳۶ | ۴۰  | ۳۶ | ۴۰  | ۳۶ |
| ۴۱  | ۳۷ | ۴۱  | ۳۷ | ۴۱  | ۳۷ | ۴۱  | ۳۷ |
| ۴۲  | ۳۸ | ۴۲  | ۳۸ | ۴۲  | ۳۸ | ۴۲  | ۳۸ |
| ۴۳  | ۳۹ | ۴۳  | ۳۹ | ۴۳  | ۳۹ | ۴۳  | ۳۹ |
| ۴۴  | ۴۰ | ۴۴  | ۴۰ | ۴۴  | ۴۰ | ۴۴  | ۴۰ |
| ۴۵  | ۴۱ | ۴۵  | ۴۱ | ۴۵  | ۴۱ | ۴۵  | ۴۱ |
| ۴۶  | ۴۲ | ۴۶  | ۴۲ | ۴۶  | ۴۲ | ۴۶  | ۴۲ |
| ۴۷  | ۴۳ | ۴۷  | ۴۳ | ۴۷  | ۴۳ | ۴۷  | ۴۳ |
| ۴۸  | ۴۴ | ۴۸  | ۴۴ | ۴۸  | ۴۴ | ۴۸  | ۴۴ |
| ۴۹  | ۴۵ | ۴۹  | ۴۵ | ۴۹  | ۴۵ | ۴۹  | ۴۵ |
| ۵۰  | ۴۶ | ۵۰  | ۴۶ | ۵۰  | ۴۶ | ۵۰  | ۴۶ |
| ۵۱  | ۴۷ | ۵۱  | ۴۷ | ۵۱  | ۴۷ | ۵۱  | ۴۷ |
| ۵۲  | ۴۸ | ۵۲  | ۴۸ | ۵۲  | ۴۸ | ۵۲  | ۴۸ |
| ۵۳  | ۴۹ | ۵۳  | ۴۹ | ۵۳  | ۴۹ | ۵۳  | ۴۹ |
| ۵۴  | ۵۰ | ۵۴  | ۵۰ | ۵۴  | ۵۰ | ۵۴  | ۵۰ |
| ۵۵  | ۵۱ | ۵۵  | ۵۱ | ۵۵  | ۵۱ | ۵۵  | ۵۱ |
| ۵۶  | ۵۲ | ۵۶  | ۵۲ | ۵۶  | ۵۲ | ۵۶  | ۵۲ |
| ۵۷  | ۵۳ | ۵۷  | ۵۳ | ۵۷  | ۵۳ | ۵۷  | ۵۳ |
| ۵۸  | ۵۴ | ۵۸  | ۵۴ | ۵۸  | ۵۴ | ۵۸  | ۵۴ |
| ۵۹  | ۵۵ | ۵۹  | ۵۵ | ۵۹  | ۵۵ | ۵۹  | ۵۵ |
| ۶۰  | ۵۶ | ۶۰  | ۵۶ | ۶۰  | ۵۶ | ۶۰  | ۵۶ |
| ۶۱  | ۵۷ | ۶۱  | ۵۷ | ۶۱  | ۵۷ | ۶۱  | ۵۷ |
| ۶۲  | ۵۸ | ۶۲  | ۵۸ | ۶۲  | ۵۸ | ۶۲  | ۵۸ |
| ۶۳  | ۵۹ | ۶۳  | ۵۹ | ۶۳  | ۵۹ | ۶۳  | ۵۹ |
| ۶۴  | ۶۰ | ۶۴  | ۶۰ | ۶۴  | ۶۰ | ۶۴  | ۶۰ |
| ۶۵  | ۶۱ | ۶۵  | ۶۱ | ۶۵  | ۶۱ | ۶۵  | ۶۱ |
| ۶۶  | ۶۲ | ۶۶  | ۶۲ | ۶۶  | ۶۲ | ۶۶  | ۶۲ |
| ۶۷  | ۶۳ | ۶۷  | ۶۳ | ۶۷  | ۶۳ | ۶۷  | ۶۳ |
| ۶۸  | ۶۴ | ۶۸  | ۶۴ | ۶۸  | ۶۴ | ۶۸  | ۶۴ |
| ۶۹  | ۶۵ | ۶۹  | ۶۵ | ۶۹  | ۶۵ | ۶۹  | ۶۵ |
| ۷۰  | ۶۶ | ۷۰  | ۶۶ | ۷۰  | ۶۶ | ۷۰  | ۶۶ |
| ۷۱  | ۶۷ | ۷۱  | ۶۷ | ۷۱  | ۶۷ | ۷۱  | ۶۷ |
| ۷۲  | ۶۸ | ۷۲  | ۶۸ | ۷۲  | ۶۸ | ۷۲  | ۶۸ |
| ۷۳  | ۶۹ | ۷۳  | ۶۹ | ۷۳  | ۶۹ | ۷۳  | ۶۹ |
| ۷۴  | ۷۰ | ۷۴  | ۷۰ | ۷۴  | ۷۰ | ۷۴  | ۷۰ |
| ۷۵  | ۷۱ | ۷۵  | ۷۱ | ۷۵  | ۷۱ | ۷۵  | ۷۱ |
| ۷۶  | ۷۲ | ۷۶  | ۷۲ | ۷۶  | ۷۲ | ۷۶  | ۷۲ |
| ۷۷  | ۷۳ | ۷۷  | ۷۳ | ۷۷  | ۷۳ | ۷۷  | ۷۳ |
| ۷۸  | ۷۴ | ۷۸  | ۷۴ | ۷۸  | ۷۴ | ۷۸  | ۷۴ |
| ۷۹  | ۷۵ | ۷۹  | ۷۵ | ۷۹  | ۷۵ | ۷۹  | ۷۵ |
| ۸۰  | ۷۶ | ۸۰  | ۷۶ | ۸۰  | ۷۶ | ۸۰  | ۷۶ |
| ۸۱  | ۷۷ | ۸۱  | ۷۷ | ۸۱  | ۷۷ | ۸۱  | ۷۷ |
| ۸۲  | ۷۸ | ۸۲  | ۷۸ | ۸۲  | ۷۸ | ۸۲  | ۷۸ |
| ۸۳  | ۷۹ | ۸۳  | ۷۹ | ۸۳  | ۷۹ | ۸۳  | ۷۹ |
| ۸۴  | ۸۰ | ۸۴  | ۸۰ | ۸۴  | ۸۰ | ۸۴  | ۸۰ |
| ۸۵  | ۸۱ | ۸۵  | ۸۱ | ۸۵  | ۸۱ | ۸۵  | ۸۱ |
| ۸۶  | ۸۲ | ۸۶  | ۸۲ | ۸۶  | ۸۲ | ۸۶  | ۸۲ |
| ۸۷  | ۸۳ | ۸۷  | ۸۳ | ۸۷  | ۸۳ | ۸۷  | ۸۳ |
| ۸۸  | ۸۴ | ۸۸  | ۸۴ | ۸۸  | ۸۴ | ۸۸  | ۸۴ |
| ۸۹  | ۸۵ | ۸۹  | ۸۵ | ۸۹  | ۸۵ | ۸۹  | ۸۵ |
| ۹۰  | ۸۶ | ۹۰  | ۸۶ | ۹۰  | ۸۶ | ۹۰  | ۸۶ |
| ۹۱  | ۸۷ | ۹۱  | ۸۷ | ۹۱  | ۸۷ | ۹۱  | ۸۷ |
| ۹۲  | ۸۸ | ۹۲  | ۸۸ | ۹۲  | ۸۸ | ۹۲  | ۸۸ |
| ۹۳  | ۸۹ | ۹۳  | ۸۹ | ۹۳  | ۸۹ | ۹۳  | ۸۹ |
| ۹۴  | ۹۰ | ۹۴  | ۹۰ | ۹۴  | ۹۰ | ۹۴  | ۹۰ |
| ۹۵  | ۹۱ | ۹۵  | ۹۱ | ۹۵  | ۹۱ | ۹۵  | ۹۱ |
| ۹۶  | ۹۲ | ۹۶  | ۹۲ | ۹۶  | ۹۲ | ۹۶  | ۹۲ |
| ۹۷  | ۹۳ | ۹۷  | ۹۳ | ۹۷  | ۹۳ | ۹۷  | ۹۳ |
| ۹۸  | ۹۴ | ۹۸  | ۹۴ | ۹۸  | ۹۴ | ۹۸  | ۹۴ |
| ۹۹  | ۹۵ | ۹۹  | ۹۵ | ۹۹  | ۹۵ | ۹۹  | ۹۵ |
| ۱۰۰ | ۹۶ | ۱۰۰ | ۹۶ | ۱۰۰ | ۹۶ | ۱۰۰ | ۹۶ |

| صفحه | ردیف | کلمه اول | کلمه دوم | تفاوت | ردیف | کلمه اول | کلمه دوم | تفاوت |
|------|------|----------|----------|-------|------|----------|----------|-------|
| ۵۱   | ۱۰   | گشت      | گشت      | ۰     | ۱۰   | گشت      | گشت      | ۰     |
| ۵۲   | ۲۰   | وار      | آواز     | ۱۰    | ۲۰   | وار      | آواز     | ۱۰    |
| ۵۳   | ۹    | اذکر     | اذکر     | ۰     | ۹    | اذکر     | اذکر     | ۰     |
| ۵۴   | ۷    | اذکر     | اذکر     | ۰     | ۷    | اذکر     | اذکر     | ۰     |
| ۵۵   | ۱۶   | که را    | که را    | ۰     | ۱۶   | که را    | که را    | ۰     |
| ۵۶   | ۷    | روی      | روی      | ۰     | ۷    | روی      | روی      | ۰     |
| ۵۷   | ۱۱   | برای     | برای     | ۰     | ۱۱   | برای     | برای     | ۰     |
| ۵۸   | ۷    | روایت    | روایت    | ۰     | ۷    | روایت    | روایت    | ۰     |
| ۵۹   | ۶    | جواب     | جواب     | ۰     | ۶    | جواب     | جواب     | ۰     |
| ۶۰   | ۱۲   | رضی      | رضی      | ۰     | ۱۲   | رضی      | رضی      | ۰     |
| ۶۱   | ۳    | شعر      | شعر      | ۰     | ۳    | شعر      | شعر      | ۰     |
| ۶۲   | ۱۱   | قبس      | قبس      | ۰     | ۱۱   | قبس      | قبس      | ۰     |
| ۶۳   | ۲۵   | بشوند    | بشوند    | ۰     | ۲۵   | بشوند    | بشوند    | ۰     |
| ۶۴   | ۳۰   | است      | است      | ۰     | ۳۰   | است      | است      | ۰     |
| ۶۵   | ۱۵   | محمد     | محمد     | ۰     | ۱۵   | محمد     | محمد     | ۰     |
| ۶۶   | ۲۰   | بید      | بید      | ۰     | ۲۰   | بید      | بید      | ۰     |
| ۶۷   | ۶    | فرود     | فرود     | ۰     | ۶    | فرود     | فرود     | ۰     |
| ۶۸   | ۲۱   | فرار     | فرار     | ۰     | ۲۱   | فرار     | فرار     | ۰     |
| ۶۹   | ۹    | ارتد     | ارتد     | ۰     | ۹    | ارتد     | ارتد     | ۰     |
| ۷۰   | ۸    | شد       | شد       | ۰     | ۸    | شد       | شد       | ۰     |
| ۷۱   | ۵    | یوغب     | یوغب     | ۰     | ۵    | یوغب     | یوغب     | ۰     |
| ۷۲   | ۹    | عظم      | عظم      | ۰     | ۹    | عظم      | عظم      | ۰     |
| ۷۳   | ۲۰   | ابن      | ابن      | ۰     | ۲۰   | ابن      | ابن      | ۰     |
| ۷۴   | ۲۰   | ارد      | ارد      | ۰     | ۲۰   | ارد      | ارد      | ۰     |
| ۷۵   | ۷    | میگرداند | میگرداند | ۰     | ۷    | میگرداند | میگرداند | ۰     |



